

فهرست مطالب

۱. شما شاهدان من خواهید بود — ۹ تا ۱۵ تیر ماه ۴
۲. پنطیکاست — ۱۶ تا ۲۲ تیر ماه ۱۲
۳. زندگی در کلیسای اولیه — ۲۳ تا ۲۹ تیر ماه ۲۰
۴. نخستین رهبران کلیسا — ۳۰ تیر تا ۵ مرداد ماه ۲۸
۵. ایمان آوردن پولس — ۶ تا ۱۲ مرداد ماه ۳۶
۶. کار بشارتی پطرس — ۱۳ تا ۱۹ مرداد ماه ۴۴
۷. نخستین سفر بشارتی پولس — ۲۰ تا ۲۶ مرداد ماه ۵۲
۸. شورای اورشلیم — ۲۷ مرداد تا ۲ شهریور ماه ۶۰
۹. دومین سفر بشارتی — ۳ تا ۹ شهریور ماه ۶۸
۱۰. سومین سفر بشارتی — ۱۰ تا ۱۶ شهریور ماه ۷۶
۱۱. دستگیری در اورشلیم — ۱۷ تا ۲۳ شهریور ماه ۸۴
۱۲. حبس در قیصریه — ۲۴ تا ۳۰ شهریور ماه ۹۲
۱۳. بازگشت خداوندمان عیسی — ۳۱ شهریور تا ۶ مهر ماه ۱۰۰

Editorial Office: 12501 Old Columbia Pike, Silver Spring, MD 20904

Come visit us at our Web site: <http://www.absq.adventist.org>

Principal Contributor

Wilson Paroschi

Editor

Clifford R. Goldstein

Associate Editor

Soraya Homayouni

Publication Manager

Lea Alexander Greve

Editorial Assistant

Sharon Thomas-Crews

Pacific Press® Coordinator

Wendy Marcum

Art Director and Illustrator

Lars Justinen

Design

Justinen Creative Group

Middle East and North Africa Union

Publishing Coordinator

Michael Eckert

Translation to Farsi

Rezvan Ahmadi


Farsi Layout and Design

Marisa Ferreira



Sabbath School
Personal Ministries

حق چاپ محفوظ و مخصوص «کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم» میباشد. هیچیک از بخشهای این کتابچه راهنمای مطالعه کتاب مقدس مدرسه سبت ویژه بزرگسالان بدون اجازه قبلی و کتبی از کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم (جزال کنفرانس) قابل ویرایش، تغییر، اصلاح، اقتباس، ترجمه، تکثیر یا انتشار نیست. دفاتر بخشهای تابعه کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم مجاز هستند تا طبق دستورالعمل ویژه ای ترتیبی اتخاذ نمایند تا کتابچه راهنمای مطالعه کتاب مقدس مدرسه سبت ویژه بزرگسالان ترجمه گردد. حق طبع و نشر مطالب ترجمه شده و انتشارات آنان متعلق به کنگره عمومی است. عناوین (ادونتیستهای روز هفتم) و (ادونتیست) و آرم شعله گون جزو اسامی و علامت تجاری ثبت شده متعلق به کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم میباشد و استفاده از آن بدون اجازه قبلی از کنگره عمومی ممنوع است.



پیروزی انجیل

بسیاری از مورخان بر این باورند که خطرناکترین و سرنوشت سازترین رخداد سه دهه از تاریخ جهان هنگامی واقع شد که گروهی کوچک از مردان که اکثراً یهودی بودند، تحت قدرت روح القدس، انجیل را به جهانیان اعلام نمودند. کتاب اعمال رسولان روایتی است از آن سه دهه حیاتی که از رستاخیز عیسی در سال ۳۱ پس از میلاد مسیح آغاز می شود و تا پایان نخستین دوره حبس پولس در روم که تا سال ۶۲ پس از میلاد مسیح ادامه می یابد (اعمال رسولان باب ۲۸ آیه ۳۰). کتاب باید کمی پس از آن نوشته شده باشد چرا که در آن مرحله، در روایت وقفه ای ایجاد می شود، اگر چه شواهدی وجود دارد که پولس از آن زندان آزاد شد و اینکه به تلاشهای بشارتی و موعظه خویش ادامه داد تا زمانی که چند سال بعد دستگیر و سپس در سال ۶۷ پس از میلاد مسیح در روم اعدام شد.

کتاب در مورد نویسنده اش حرفی نمی زند اما کلیسا بطور سنتی همیشه او را به عنوان لوقا شناخته است، «طیب محبوب» در کولسیان باب ۴ آیه ۱۴ و همسفر پولس (دوم تیموتائوس باب ۴ آیه ۱۱، فلیمون باب ۲۴) می شناسد. از نظر سنتی همچنین این باور وجود دارد که لوقا نویسنده سومین انجیل است، بدون شک نخستین کتابی که در اعمال رسولان باب ۱ آیه ۱ به آن اشاره گردیده است (با لوقا باب ۱ آیه ۳ مقایسه شود). هم انجیل لوقا و هم کتاب اعمال رسولان، نسخه هایی دوقلو در باب آغاز مسیحیت، به ترتیب منشاء پیدایش آن (زندگی عیسی و رسالت او) و بسط و توسعه (مجاهدتهای بشارتی رسولان) می باشد. در مجموع، آنها ۲۷ درصد عهد جدید را تشکیل می دهند، که حجیم ترین دستاورد توسط یک نویسنده می باشد. پولس با نوشتن نامه به کولسیان، لوقا را به عنوان همکار غیر یهودی خود معرفی می کند، کسی که «مختون نبود» (کولسیان باب ۴ آیات ۷ تا ۱۴). پس لوقا تنها نویسنده غیریهودی عهد جدید می باشد.

بنظر می‌رسد که این مطلب تشریح‌کننده یکی از موضوعات اساسی او باشد: جهان شمولی نجات. خدا تبعیض قائل نمی‌شود. کلیسا فراخوانده شده است تا به تمام مردم صرف نظر از نژاد، طبقه اجتماعی یا جنسیت شهادت دهد (اعمال رسولان باب ۱ آیه ۸؛ باب ۲ آیات ۲۱، ۳۹ و ۴۰؛ باب ۳ آیه ۲۵؛ باب ۱۰ آیات ۲۸، ۳۴ و ۳۵). قصور از انجام اینکار خواه از روی غرض ورزی یا تعمد، تحریف انجیل محسوب می‌گردد و مغایر با اساسی‌ترین حقایق کلام خدا می‌باشد. همه ما در برابر خدا یکسان هستیم: گناهکاران نیازمند نجاتی هستیم که در عیسی مسیح یافت می‌شود.

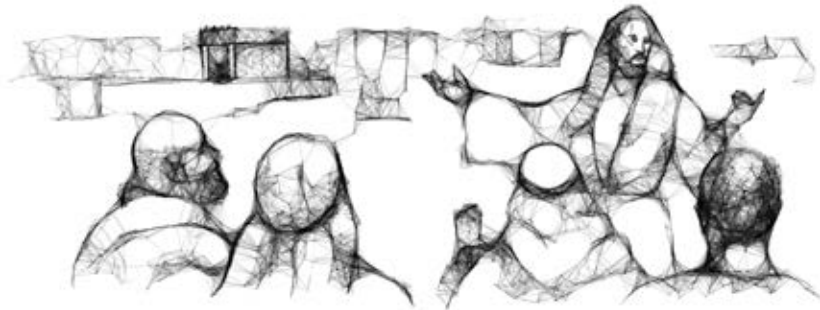
بنابراین اتفاقی نیست که پولس «رسول غیر یهودیان» قهرمان اصلی انجیل لوقا باشد، (رومیان باب ۱۱ آیه ۱۳)؛ کسانی که دو سوم کتاب اعمال رسولان به ایشان اختصاص داده شده است. سایر موضوع‌های مهم اعمال رسولان عبارتند از: حاکمیت خدا و هدف الهی او (اعمال رسولان باب ۱۷ آیات ۲۴ و ۲۵؛ باب ۲۰ آیه ۲۷؛ باب ۲۳ آیه ۱۱)؛ تجلیل از عیسی به عنوان خداوند و نجات‌دهنده (اعمال رسولان باب ۲ آیات ۳۲ و ۳۴؛ باب ۳ آیات ۱۳ و ۱۵؛ باب ۴ آیات ۱۰ تا ۱۲؛ باب ۵ آیات ۳۰ و ۳۱)؛ و بویژه نقش روح القدس در توانمندسازی و هدایت کلیسا برای ماموریت‌هایش (اعمال رسولان باب ۲ آیات ۱ تا ۴؛ باب ۴ آیات ۲۴ تا ۳۱؛ باب ۸ آیات ۱۴ تا ۱۷؛ ۲۹ و ۳۹؛ باب ۱۰ آیات ۱۹ و ۲۰). در واقع، دستاوردهای کلیسای اولیه نتیجه خرد و توانایی بشر نبودند، اگر چه خدا خوشحال می‌شود از کسی مانند پولس برای تأثیر گذاشتن بر جهان به روشی که هیچ رسول دیگری اینکار را انجام نداده و یا احتمالاً قادر به انجام آن نبوده است، استفاده کند (اول قرتیان باب ۱۵ آیه ۱۰).

اعمال رسولان با دوره شکل‌گیری کلیسای اولیه سر و کار دارد که در آن قدرت‌اداری قابل توجه و حتی رشد دانش الهیاتی وجود داشت. برای مثال این مطلب را می‌توانیم در روشی که کلیسا با مسائل مربوط به زمان آمدن دوباره عیسی، وضعیت غیر یهودیان و نقش ایمان برای نجات برخورد می‌کرد را ببینیم. اگر چه، چیزی که کلیسای اولیه قادر بود در چنین زمان کوتاهی انجام دهد، یک شهادت همیشگی وجود دارد از آنچه که خدا می‌تواند از طریق کسانی که قلب‌های خود را با دعا فروتن ساخته و فرای تفاوت‌های فردی زندگی می‌کنند کار خویش را به پیش ببرد و از طریق آنهایی که اجازه می‌دهند تا توسط روح القدس برای افتخار و شکوه خدا مورد استفاده قرار گیرند.

اعمال رسولان داستان کسانی است که توسط خدا برای شروع کار فراخوانده شده‌اند. از داستان کسانی که توسط خدا فراخوانده شده بودند تا کار او را به پایان برسانند، چه چیزی می‌توانیم بیاموزیم؟

ویلسون پاروسکی استاد تفسیر عهد جدید در دانشگاه ادونتیست برزیل در انژنیرو کوئلو در شهر سائو پائولو می‌باشد. او مدرک دکترای خود را در عهد جدید در سال (۲۰۰۴) از دانشگاه اندروز اخذ نموده و مطالعات فوق دکترای خود را در دانشگاه هایدلبرگ آلمان در سال (۲۰۱۱) انجام داده است.

شما شاهدان من خواهید بود



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اعمال رسولان باب ۱ آیات ۶ تا ۸؛ لوقا باب ۲۴ آیه ۲۵؛ لوقا باب ۲۴؛ آیات ۴۴ تا ۴۸؛ تثنیه باب ۱۹ آیه ۱۵؛ اعمال رسولان باب ۱ آیات ۹ تا ۲۶؛ امثال سلیمان باب ۱۶ آیه ۳۳.

آیه حفظی: «لیکن چون روح القدس بر شما می آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان» (اعمال رسولان باب ۱ آیه ۸).

رسالت عیسی بر روی زمین به پایان رسیده بود. خدا بزودی روح القدس را می فرستاد که تلاش‌های حواریون را با نشانه‌ها و شگفتی‌های بسیاری تأیید نماید تا به آنها قدرت دهد و ایشان را در ماموریتی که تا انقضای عالم ادامه می یابد، راهنمایی کند. عیسی نمی توانست برای همیشه در جسم بشری با آنها بماند. نه تنها تجسمش، محدودیتی فیزیکی در زمینه مأموریت جهانی بر او قرار داد، بلکه معراج و رفعت وی در آسمان برای آمدن روح القدس ضروری بودند. با این وجود، تا زمان رستاخیز عیسی از مرگ، حواریون به روشنی این چیزها را نمی دانستند. وقتی آنها همه چیز را برای پیروی از او رها کردند، بر این باور بودند که او یک آزادی بخش سیاسی بود که روزی رومیان را از سرزمین بیرون خواهد کرد، سلسله داود و جلال اسرائیل را مانند گذشته باز خواهد گرداند. برایشان آسان نبود که به گونه دیگری ببانندیشند.

این موضوع اصلی دستورالعمل‌های پایانی عیسی به حواریون در باب ۱ اعمال رسولان می باشد. وعده آمدن روح القدس بر اساس این زمینه و مفهوم می باشد. این باب همچنین بازگشت عیسی به آسمان و نحوه آماده شدن کلیسای اولیه برای پنتیکاست را نیز توصیف می کند.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۶ تیر ماه برابر با July ۷ آماده شوید.

بازسازی اسرائیل خدا

دو نوع نبوت در باره مسیح موعود در عهد قدیم وجود دارد، یکی که پادشاهی مسیح را که برای همیشه حکومت خواهد کرد، پیشگویی می کند (مزمیر باب ۸۹ آیات ۳ و ۴، ۳۵ تا ۳۷؛ اشعیا باب ۹ آیات ۶ و ۷؛ حزقیال باب ۳۷ آیه ۲۵؛ دانیال باب ۲ آیه ۴۴، باب ۷ آیات ۱۳ و ۱۴)، و دیگری آن که پیش بینی می کند مسیح موعود برای گناهان مردم خواهد مرد (اشعیا باب ۵۲ آیه ۱۳ تا باب ۵۳ آیه ۱۲؛ دانیال باب ۹ آیه ۲۶). چنین پیشگویی هایی با یکدیگر در تضاد نمی باشند. آنها فقط به دو مرحله پیاپی از رسالت مسیح اشاره دارند: ابتدا او رنج خواهد کشید، و سپس پادشاه خواهد شد (لوقا باب ۱۷ آیات ۲۴ و ۲۵ و همچنین باب ۲۴ آیات ۲۵ و ۲۶). هر چند، مسئله انتظار مسیح موعود مرتبط با یهودیان قرن اول این بود که یک طرفه بود. امید به پادشاهی مسیح موعود که آزادی سیاسی را بهمراه داشته باشد، مفهوم مسیح موعودی که متحمل مرگ و رنج می شد را مبهم کرده بود.

در ابتدا، حواریون این امید پادشاهی مسیح موعود را به اشتراک گذاشتند. آنها معتقد بودند که عیسی همان مسیح موعود بود (متی باب ۱۶ آیات ۱۶ و ۲۰) و گاهی اوقات در بین خود مجادله داشتند که چه کسانی پس از به تخت نشستن عیسی در کنار او خواهند نشست (مرقس باب ۱۰ آیات ۳۵ تا ۳۷، لوقا باب ۹ آیه ۴۶). با وجود هشدار عیسی در مورد سرنوشتی که منتظرش بود، آنها واقعاً نمی توانستند منظور او را درک کنند. بنابراین، زمانی که او درگذشت، آنها سردرگم و دلسرد شوند. به گفته خودشان، «ما امیدوار بودیم که [او] همان باشد که می باید اسرائیل را نجات دهد» (لوقا باب ۲۴ آیه ۲۱).

اعمال رسولان باب ۱ آیه ۶ را بخوانید. این پرسش چه چیزی درباره آنچه همچنان درک نکرده بودند، می گوید؟ در اعمال رسولان باب ۱ آیه ۷، عیسی چگونه به ایشان پاسخ داد؟

اگر مرگ عیسی ضربه ای مهلک به امید حواریون بود، رستاخیز آن را احیا نمود و انتظارات سیاسی آنها را به سطحی غیر قابل انتظار رساند. شکل گیری پنداشت و درک رستاخیز به عنوان عاملی مهم که پادشاهی مسیح موعود در نهایت برپا خواهد شد، طبیعی به نظر می رسید.

با این وجود، عیسی در قبال سوال آنان، پاسخ مستقیمی نداد. او نه فرضیه ای را که در قفای سوال حواریون در مورد ملکوت قریب الوقوع بودرا انکار کرد، و نه اینکه آن را پذیرفت. او مسئله را بدون حل و فصل کردن باقی گذاشت، در حالی که به ایشان یادآوری نمود که زمان کارهای خدا، به خود خدا تعلق دارد و از این رو، برای انسان ها غیرقابل دسترس باشد.

بر اساس لوقا باب ۲۴ آیه ۲۵، مشکل اصلی حواریون چه بود؟ چرا آنچه را که می‌خواهیم باور کنیم، آسان است اما باور به آنچه کتاب مقدس واقعاً تعلیم می‌دهد، آسان نمی‌باشد؟ ما چگونه می‌توانیم از این دام اجتناب کنیم؟

دوشنبه

۱۱ تیر

مأموریت و رسالت حواریون

اعمال رسولان باب ۱ آیه ۸ را بخوانید. در عوض افراط درگمانه زنی های نبوی، از حواریون انتظار چه کاری می‌رفت؟

چهار اصل اساسی در آیه در مورد مأموریت حواریون وجود دارد:

۱- عطای روح القدس. روح القدس همواره در میان قوم خدا فعال بوده است. با این وجود، بر طبق گفته انبیاء، موهبت ویژه ای از روح القدس در آینده وجود خواهد داشت (اشعیا باب ۴۴ آیه ۳؛ یوئیل باب ۲ آیات ۲۸ و ۲۹). از آنجایی که عیسی خود توسط روح القدس تدهین گردید، روح القدس پیش از این در زمان مأموریت عیسی فعال بوده است (لوقا باب ۴ آیات ۱۸ تا ۲۱) اما بطور رسمی تا پس از تعالی یافتن مسیح در آسمان، فعالیت خود را آغاز نمود (یوحنا باب ۷ آیه ۳۹، اعمال رسولان باب ۲ آیه ۳۳).

۲- نقش شاهد. شهادت یک حکایت دست اول می‌باشد. حواریون به طور کامل برای دادن چنین شهادتی واجد شرایط بودند (اعمال رسولان باب ۱ آیات ۲۱ و ۲۲، باب ۴ آیه ۲۰؛ مقایسه شود با اول یوحنا باب ۱ آیات ۱ تا ۳) و اکنون مأموریت داشتند که تجربه منحصر به فرد خود با عیسی را با جهان در میان بگذارند.

۳- برنامه مأموریت. حواریون ابتدا می‌بایست به اورشلیم و سپس به یهودا و سامرا و در نهایت به دور دستها و اطراف و اکناف زمین تا انقضای عالم شهادت دهند. این یک نقشه پیشتازانه و گسترده بود. اورشلیم کانون زندگی دینی یهودی بود و مکانی که عیسی در آن محکوم و به صلیب کشیده شد. یهودا و سامرا، مناطق همسایه ای بودند که عیسی در آنها نیز خدمت کرده بود. با این وجود، حواریون نباید خود را تنها به این مکان‌ها محدود می‌کردند. محدوده مأموریت ایشان جهانی بود.

۴- جهت مأموریت. در زمان‌های عهد قدیم، این ملت‌ها بودند که باید جذب خدا می‌شدند (اشعیا باب ۲ آیات ۱ تا ۵) و نه اسرائیل که باید خدا را به سوی ملت‌ها «ببرد». چند استثنا (برای مثال یونس) قاعده کلی را نامعتبر نمی‌سازد. اکنون استراتژی متفاوت بود. اورشلیم همچنان مرکز بود، اما انتظار می‌رفت که حواریون به جای ماندن در آنجا و ساختن ریشه‌ها، تا بیشترین حد ممکن به همه جای جهان بروند.

لوقا باب ۲۴ آیات ۴۴ تا ۴۸ را بخوانید. هسته اصلی پیام که حواریون باید موعظه می کردند، چه بود؟

عیسی در چهل روزی که پس از رستاخیز از مرگ با حواریون گذراند (اعمال رسولان باب ۱ آیه ۳)، باید چنین حقیقتی درباره ملکوت خدا را به ایشان توضیح داده باشد، حتی با اینکه همچنان چیزهای زیادی بود که ایشان درک نمی کردند، همانطور که پرسش آنها در اعمال رسولان باب ۱ آیه ۶ نشان داد. آنها با نبوت ها آشنا بودند اما اکنون می توانستند آنها را در پرتو جدیدی ببینند، پرتوی که از صلیب و قبر خالی می تابد (اعمال رسولان باب ۳ آیات ۱۷ تا ۱۹).

۱۲ تیر

سه شنبه

او دوباره خواهد آمد

اعمال رسولان باب ۱ آیات ۹ تا ۱۱ را بخوانید. لوقا چگونه عروج عیسی را به تصویر می کشد؟ مفهوم اینکه دو فرشته با ایشان صحبت می کرد، چیست؟ (تثنيه باب ۱۹ آیه ۱۵ را ببینید)

حکایت لوقا از معراج عیسی به آسمان نسبتاً کوتاه می باشد. عیسی بر کوه زیتون با حواریون بود و در حالی که همچنان ایشان را برکت می داد (لوقا باب ۲۴ آیه ۵۱)، به آسمان برده شد. البته نوع گویش پدیده شناختی می باشد؛ یعنی، صحنه از نقطه نظری بشری به تصویر کشیده شده است، نه آنگونه که واقعاً بود. عیسی زمین را ترک می گفت و انجام این کار به هیچ روش قابل مشاهده دیگری غیر از بالا رفتن نبود.

عروج عیسی، عملی ماوراءطبیعی از جانب خدا بود، که در زمره بسیاری بود که در کتاب مقدس مکتوب است. این عمل بطور تلویحی توسط لوقا توصیف شده است، که با فعل مجهول *epēthē* «او بالا برده شد» بکار برده شده است (اعمال رسولان باب ۱ آیه ۹). این شکل فعلی اگر چه در عهد جدید تنها در اینجا بکار برده شده است، چندین مرتبه در نسخه یونانی عهد قدیم (سپتوجیان) یافت می شود. [سپتوجیان نسخه یونانی از ترجمه عبرانی کتاب عهد عتیق است]. که همگی، کارهای خدا را تشریح می کند، که حاکی است که این خدا بود که عیسی را به آسمان به بالا برد، درست همانطور که او را از مرگ زنده گردانید (اعمال رسولان باب ۲ آیات ۲۴ و ۳۲؛ رومیان باب ۶ آیه ۴؛ باب ۱۰ آیه ۹).

پس از اینکه عیسی توسط ابری پوشیده شد، این لوقا است که تنها در اعمال رسولان تحریر می کند — داستان فرعی از دو پیکری که به جامه سفید ملبس بودند که در کنار حواریون ایستاده بودند. این شرح، با فرشتگانی که در لباس های نورانی بودند، همخوانی دارد (اعمال رسولان باب ۱۰ آیه ۳۰، یوحنا باب ۲۰ آیه ۱۲). آنها آمدند تا به حواریون اطمینان دهند که عیسی همانگونه

که بالا رفت، باز خواهد گشت و باز هم تنها اعمال رسولان است که به ما اطلاع می دهد که عیسی «در مقابل دیدگان ایشان» بالا رفت. (اعمال رسولان باب ۱ آیه ۹).

بنابراین، عروج قابل مشاهده، تضمینی از بازگشت قابل مشاهده شده که آن نیز در ابر و «با قدرت و جلال بسیار» (لوقا باب ۲۱ آیه ۲۷) و نه دیگر رویدادی خصوصی اتفاق خواهد افتاد که «همه دیدگان او را خواهند دید» (مکاشفه یوحنا باب ۱ آیه ۷) و او تنها نخواهد بود (لوقا باب ۹ آیه ۲۶، دوم تسالونیکیان باب ۱ آیه ۷). جلال آمدن دوباره بسیار فراتر از عروج خواهد بود.

چگونه می توانیم بیاموزیم که واقعیت و وعده آمدن دوباره را همواره پیش روی خود نگه داریم؟ این حقیقت بزرگ چگونه باید بر همه جنبه های زندگی ما از جمله امور مالی، اولویت ها و انتخاب های اخلاقی تأثیر بگذارد؟

چهارشنبه

۱۳ تیر

آماده شدن برای پنطیکاست

عیسی در پاسخش در اعمال رسولان باب ۱ آیات ۷ و ۸، هیچ التزامی در خصوص زمان بازگشت ارائه نمی دهد. با این حال، مفهوم طبیعی سخنان وی این بود که پس از اینکه روح القدس آمد و حواریون مأموریت خود را به اتمام رساندند، او باز خواهد گشت (متی باب ۲۴ آیه ۱۴ را نیز ببینید). اظهار فرشتگان نیز (اعمال رسولان باب ۱ آیه ۱۱) این سوال که چه زمانی ملکوت خواهد آمد را پاسخ نمی دهد، اما قابل درک بود که زیاد به طول نخواهد انجامید. این مطلب اینگونه شرح بیان می کند که چرا حواریون «با خوشی عظیمی به اورشلیم بازگشتند» (لوقا باب ۲۴ آیه ۵۲). وعده آمدن دوباره عیسی در زمانی نامشخص، که باید دلگرمی بیشتری برای مأموریتشان به ایشان داده باشد، به این معنی برداشت شد که آخر زمان نزدیک بود. تحولات بیشتر در اعمال رسولان، نمایانگر این ایده است.

اعمال رسولان باب ۱ آیات ۱۲ تا ۱۴ را بخوانید. چه کس دیگری در بالاخانه بود و آنها چگونه خود را برای آمدن القدس آماده کردند؟

حواریون پس از بازگشت از کوه زیتون، در اتاق مهمانخانه طبقه بالا (در لاتین، cenaculum) از خانه دو طبقه خصوصی در اورشلیم گرد هم جمع شدند. برخی از پیروانی که زن بودند (لوقا باب ۸ آیات ۱ تا ۳، باب ۲۳ آیه ۴۹، باب ۲۴ آیات ۱ تا ۱۲) به همراه مادر و برادران عیسی نیز با حواریون بودند.

برادران عیسی (مرقس باب ۶ آیه ۳) یا پسران کوچکتر یوسف و مریم بودند (متی باب ۱ آیه ۲۵، لوقا باب ۲ آیه ۷) و یا به احتمال بیشتر پسران یوسف از ازدواج اولش بودند، که در زمان ازدواج با مریم، همسر اولش از دنیا رفته بود. حضور آنها در میان حواریون تعجب آور بود، زیرا آنها همیشه نسبت به عیسی شک و تردید داشتند (مرقس باب ۳ آیه ۲۱، یوحنا باب ۷ آیه ۵). با این حال، به نظر می رسد که رستاخیز و ظاهر شدن خاص عیسی به یعقوب (اول قرنثیان باب ۱۵ آیه ۷) تفاوت ایجاد کرده باشد. بعدها ظاهراً یعقوب جایگزین پطرس در رهبری جامعه مسیحیت می شد (اعمال رسولان باب ۱۲ آیه ۱۷؛ باب ۱۵ آیه ۱۳؛ باب ۲۱ آیه ۱۸؛ غلاطیان باب ۲ آیات ۹ و ۱۲).

همه آنها بدون شک با دعای دائمی (اعمال رسولان باب ۱ آیه ۱۴) و عبادت در معبد (لوقا باب ۲۴ آیه ۵۳)، در حال اعتراف، توبه و کنار گذاشتن گناه بودند. حتی اگر در ذهن هایشان، آمدن روح القدس بلافاصله به بازگشت عیسی منتهی می شد، نگرش روحانی آنها در هماهنگی کامل با آنچه قرار بود اتفاق بیافتد، بود زیرا روح القدس در پاسخ به دعا می آید.

در انتخاب های روزانه مان، به چه روش هایی می توانیم برای باز کردن راه برای کار روح القدس در زندگیمان آماده شویم؟

۱۴ تیر

پنجشنبه

دوازده حواری

اولین اقدام مدیریتی جامعه اولیه مسیحیان که شامل حدود ۱۲۰ ایماندار بود (اعمال رسولان باب ۱ آیه ۱۵)، بخاطر انتخاب جانشینی برای یهودا بود.

اعمال رسولان باب ۱ آیات ۲۱ و ۲۲ را بخوانید. جانشین یهودا باید چه شرایطی می داشت؟ چرا این شرایط مهم بودند؟

نیاز به شاهی برای رستاخیز عیسی از مرگ بود (با اعمال رسولان باب ۴ آیه ۳۳ مقایسه شود)؛ این بسیار حیاتی است زیرا زمان و بار دیگر رستاخیز به عنوان گواهی قدرتمند برای مسیح بودن عیسی و حقیقت کل اعتقاد مسیحی می باشند.

با این وجود، انتخاب باید از میان کسانی می بود که رسولان را در طول خدمت عیسی همراهی کرده بودند. بعدها پولس تاکید داشت که با وجود اینکه از همراهان عیسی در زمین نبوده است، با این حال استحقاق مقام رسولی را دارد، زیرا ملاقاتش با عیسی در مسیر دمشق او را واجد شرایط شهادت دادن از رستاخیزش می نمود (اول

قرنтіان باب ۹ آیه ۱). پولس هر چند اعتراف نمود که «طفلی نارس» بود (اول قرنتیان باب ۱۵ آیه ۸)، از پذیرفتن اینکه نسبت به سایر رسولان کمتر واجد شرایط بود، سر باز زد (اول قرنتیان باب ۹ آیه ۲؛ غلاطیان باب ۲ آیه ۶ تا ۹). بنابراین تنها دوازده نفر و پولس در بُعدی فلسفی و معتبر، «رسول» بودند (اعمال رسولان باب ۱ آیات ۲۵ و ۲۶)؛ با این حال، این واژه در مفهوم کلی و اساسی اش به عنوان نماینده و پیغام رسان همچنین می توانست برای کارکنان انجیل بکار برده شود (اعمال رسولان باب ۱۴ آیات ۴ و ۱۴؛ غلاطیان باب ۱ آیه ۱۹).

اعمال رسولان باب ۱ آیات ۲۳ تا ۲۶ را بخوانید. متیاس چگونه انتخاب شد؟

روشی که آنها برای انتخاب متیاس بکار بردند ممکن است عجیب به نظر برسد، اما قرعه انداختن روشی بود که از مدت ها قبل برای تصمیم گیری باب بود (برای مثال، لایوان باب ۱۶ آیات ۵ تا ۱۰، اعداد باب ۲۶ آیه ۵۵). علاوه بر این، انتخاب میان دو نامزد قبلاً تصدیق شده با شرایط برابر و نه قدم گذاشتن به چیزی ناشناخته بود. ایمانداران نیز همچنان نزد خدا دعا کردند، با این باور که نتیجه اراده او را منعکس خواهد نمود (مقایسه شود با امثال سلیمان باب ۱۶ آیه ۳۳). هیچ گواهی بر اینکه این تصمیم به چالش کشیده شد، وجود ندارد. پس از پنطیکاست، قرعه انداختن دیگر الزامی نبود زیرا راهنمایی مستقیم روح القدس وجود داشت (اعمال رسولان باب ۵ آیه ۳، باب ۱۱ آیات ۱۵ تا ۱۸، باب ۱۳ آیه ۲، باب ۱۶ آیات ۶ تا ۹).

اگر کسی نزد شما می آمد و می پرسید، «چگونه می توانم از اراده خدا برای زندگی خود آگاهی یابم؟» چه پاسخی می دادید و چرا؟

۱۵ تیر

جمعه

مطالعه بیشتر: «فاصله دوران موقتی بین دو واقعه پنطیکاست و [رجعت ثانی] یا آمدن دوباره، خواه کوتاه یا طولانی مدت باشد) باید با ماموریت جهانی کلیسا به قدرت روح القدس پر شود. پیروان مسیح باید همانگونه که او در اولین ظهور انجام داد و هم فراخوانی مردم به توبه و باور آمادگی برای آمدن دوباره او را اعلام کنند. آنها باید شاهدان مسیح «تا دور افتاده ترین نقاط عالم» (اعمال رسولان باب ۱ آیه ۸) و تا پایان عصر می بودند. ... ما اختیار متوقف شدن پیش از رسیدن به هر کدام از این هدف ها را نداریم.» — جان آر. دلیو. اسکات، طبق مرجع زیر:

John R. W. Stott, *The Message of Acts: The Spirit, the Church & the World* (Downers Grove: InterVarsity, 1990), p. 44

«مأموریتی که نجات دهنده به حواریون ابلاغ نمود شامل تمام ایمانداران می شود. این ماموریت شامل تمام ایمانداران به مسیح تا پایان جهان می باشد. اشتباهی مهلک خواهد بود اگر فرض شود که کار نجات جانها صرفاً به شیبانان و خادمان تدهین شده سپرده شده است تمام کسانی که الهام آسمانی را دریافت کرده اند، در قبال انجیل مسئولیت داشته و امانتی به آنان سپرده شده است. تمام کسانی که حیات مسیح را دریافت می کنند، مسئولیت یافته اند که برای نجات هموعان خود تلاش کنند. کلیسا برای انجام اینکار تأسیس شد و تمام کسانی که تعهدهای مقدس آن را می پذیرند، به موجب آن به همکاری با مسیح متعهد می شوند.» — الن جی. وایت، *آرزوی اعصار* صفحه ۸۲۲.

Ellen G. White, *The Desire of Ages*, p. 822

سوالاتی برای بحث

۱. اعمال رسولان باب ۱ آیه ۷، مرقس باب ۱۳ آیه ۳۲ را یاد آوری می کند: «از آن روز و ساعت هیچ کس خبر ندارد، نه فرشتگان آسمان و نه پسر، فقط پدر از آن آگاه است.» الن جی. وایت می گوید: «دیگر هرگز پیامی برای قوم خدا وجود نخواهد داشت که برپایه زمان باشد. ما نباید زمان قطعی بارش روح القدس یا آمدن مسیح را بدانیم.» — *Selected Messages, vol. 1, p. 188*. او چنین اضافه می کند: «هر کس که شروع به اظهار پیامی برای اعلام ساعت، روز و سال ظهور مسیح بنماید، یوغ اسارت را برداشته و پیامی که خداوند هرگز به او نداده است را اعلام می کند.» — *Advent Review and Sabbath Herald, Sept. 12, 1983*. ارتباط چنین اظهاراتی برای ما امروزه چه می باشد؟

۲. فردی زمانی گفت: «خدا بیشتر از وکلا، به شاهدان احتیاج دارد.» نظر شما در مورد این بیانیه چیست؟

۳. نقش دعا در کلیسای اولیه چه بود؟ آیا این تصادفی است که تقریباً در تمام لحظه های تعیین کننده تاریخ آن، ارجاعی به دعا می بینیم؟ (اعمال رسولان باب ۱ آیه ۲۴؛ باب ۸ آیات ۱۴ تا ۱۷؛ باب ۹ آیات ۱۱ و ۱۲؛ باب ۱۰ آیات ۴، ۹ و ۳۰؛ باب ۱۳ آیات ۲ و ۳) نقش دعا در زندگی ما چیست؟

پنطیکاست



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اعمال رسولان باب ۲ آیات ۱ تا ۴؛ یوحنا باب ۱۴ آیه ۱۶؛ اعمال رسولان باب ۲ آیات ۵ تا ۱۳؛ یوئیل باب ۲ آیات ۲۸ تا ۳۲؛ اعمال رسولان باب ۲ آیات ۲۲ تا ۳۹؛ مزامیر باب ۱۱۰ آیات ۱ تا ۳.

آیه حفظی: «پس همان عیسی را خدا برخیزانید و همه ما شاهد بر آن هستیم. پس چون به دست راست خدا بالا برده شد، روح القدس را از پدر یافته، این را که شما حال می بینید و می شنوید ریخته است» (اعمال رسولان باب ۲ آیات ۳۲ و ۳۳).

«پنطیکاست» واژه یونانی pentēkostē است که برای جشن هفته های یهودی می باشد (خروج باب ۳۴ آیه ۲۲): همچنین با عنوان عید نوبر محصولات (اعداد باب ۲۸ آیه ۲۶) شناخته شده است. این واژه به معنی «پنجاهمین» بوده و کاربرد خود را مدیون این واقعیت است که این جشن در روز پنجاهم پس از تقدیم بافته جو در روز اول پس از عید پَسَح برگزار می شد. این یک روز شادی و شکرگزاری بود، زمانی که مردم اسرائیل، «نوبر محصولات خود» را نزد خداوند می آوردند (خروج باب ۳۴ آیه ۲۲).

این جشن سپس به نمادی مناسب برای اولین برداشت روحانی کلیسای مسیحی تبدیل شد، زمانی که روح القدس بیش از قبل بخشیده شد و سه هزار نفر در یک روز غسل تعمید گرفتند (اعمال رسولان باب ۲ آیه ۴۱). پس از عروج عیسی و رفعت یافتن وی در آسمان، بارش روح القدس یک رویداد ناگهانی و ماوراء طبیعی بود که رسولان را از غیریهودیان ساده و گمنام، به مردانی با اعتقاد و شجاع تبدیل نمود که جهان را تغییر می دادند.

پنطیکاست اغلب تولد کلیسا نامیده شده است، زمانی که پیروان مسیح؛ یهودیان و (بعدها) غیریهودیان، به عنوان جامعه جدید خدا بر روی زمین مشروعیت یافتند.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۳ تیرماه - ۱۴ July آماده شوید.

آمدن روح القدس

ایمانداران در اطاعت از فرمان عیسی، در اورشلم منتظر وعده روح القدس ماندند و این کار را در میان دعای مشتاقانه، توبه صادقانه و شکرگزاری انجام دادند. هنگامی که آن روز فرارسید، همگی «به یک دل در یکجا بودند» (اعمال رسولان باب ۲ آیه ۱)، احتمالاً همان اتاق بزرگ بالاخانه در اعمال رسولان باب ۱. با این وجود، آنها خیلی زود به منطقه ای عمومی تر نقل مکان می کردند (اعمال رسولان باب ۲ آیات ۶ تا ۱۳).

اعمال رسولان باب ۲ آیات ۱ تا ۳ را بخوانید. چه عناصر ماوراء طبیعی، نزول روح القدس را همراهی نمودند؟

صحنه شدیداً پر شوری بود. نخست صدایی ناگهانی مانند غرش یک گردباد عظیم از آسمان آمد که تمام فضا را فراگرفت و سپس چیزی شبیه به شعله های آتش ظاهر شدند و بر آنچه آنجا بود نشست.

در کتاب مقدس، باد و آتش غالباً با «ظهور خدا به انسان» یا مظهر الهی در ارتباط هستند (برای مثال، خروج باب ۳ آیه ۲، باب ۱۹ آیه ۱۸؛ تثنیه باب ۴ آیه ۱۵). علاوه بر این، باد و آتش همچنین ممکن است برای نشان دادن روح خدا بکار برده شوند (یوحنا باب ۳ آیه ۸؛ متی باب ۳ آیه ۱۱). در مورد پنطیکاست، معنای دقیق چنین پدیده ای هر چه که باشد، آنها نشانه های معرفی یک لحظه منحصر به فرد در تاریخ نجات، یعنی وعده نزول روح القدس بودند.

روح القدس همواره در کار بوده است. تاثیر روح القدس بر قوم خدا در زمان های عهد قدیم، اغلب به روشی قابل توجه نمایان می شد، اما هرگز بطور کامل نبود. «در عصری که مشایخ و بزرگان طوایف قوم را رهبری می کردند، نفوذ روح القدس اغلب به شیوه ای مشخص شده نمایان می شد، اما هرگز در پُری آن نبود. اکنون، حواریون در اطاعت از کلام نجات دهنده، تضرعات خویش را برای این عطیه تقدیم نموده و مسیح در آسمان برای ایشان شفاعت نمود. او عطیه روح را مطالبه نمود تا آن را بر قوم خود نازل کند.» — الن

جی. وایت، Ellen G. White, *The Acts of the Apostles*, p. 37

یحیی تعمید دهنده، تعمید با روح را با آمدن مسیح موعود پیشگویی نمود (لوقا باب ۳ آیه ۱۶؛ مقایسه شود با اعمال رسولان باب ۱۱ آیه ۱۶) و عیسی خود نیز چندین بار به آن اشاره نمود (لوقا باب ۲۴ آیه ۴۹، اعمال رسولان باب ۱ آیه ۸). این نزول، اولین عمل شفاعت او در مقابل خدا خواهد بود (یوحنا باب ۱۴ آیات ۱۶ و ۲۶؛ باب ۱۵ آیه ۲۶). در روز پنطیکاست، آن وعده تحقق یافت.

اگر چه تعمید با روح در پنطیکاست، رویدادی منحصر به فرد مربوط به پیروزی عیسی بر صلیب و تعالی یافتن او در آسمان بود، پُر شدن با روح القدس تجربه ای تکرار شدنی در زندگی ایمانداران می باشد (اعمال رسولان باب ۴ آیات ۸ و ۳۱؛ باب ۱۱ آیه ۲۴؛ باب ۱۳ آیات ۹ و ۵۲؛ افسسیان باب ۵ آیه ۱۸).

چه شواهدی از کار کردن روح القدس در زندگیتان دارید؟

۱۸ تیر

دوشنبه

عطای زبان‌ها

در اعمال رسولان باب ۲ آیه ۴، عطای روح از طریق سخن گفتن به زبان‌ها نشان داده شده بود. با این حال، این عطیه تنها یکی از بسیاری نشانه‌های متفاوت روح القدس بود (اعمال رسولان باب ۱۰ آیات ۴۵ و ۴۶؛ باب ۱۹ آیه ۶). سایر عطایا شامل پیشگویی در باره آینده (اعمال رسولان باب ۱۱ آیه ۲۸)، رویاها (اعمال رسولان باب ۷ آیه ۵۵)، خطبه الهام بخش (اعمال رسولان باب ۲ آیه ۸، باب ۲۸ آیه ۲۵)، شفا دادن (اعمال رسولان باب ۳ آیات ۶ و ۱۲؛ باب ۵ آیات ۱۲ و ۱۶) و صلاحیت برای خدمت (اعمال رسولان باب ۶ آیات ۳ و ۵) می باشند. عطای زبان‌ها در روز پنطیکاست بخاطر ویژگی آن، یا بعنوان مهمترین گواه از موهبت روح واقع نشد. آشکار سازی روح القدس برای این بود تا مأموریت جهانی کلیسا شروع شود. یعنی، فراخوانده شدن در اعمال رسولان باب ۱ آیه ۸ مستلزم عطای زبان‌ها بود. اگر قرار بود رسولان از موانع فرهنگی عبور کنند و یا انجیل به دور افتاده ترین مکان‌های عالم برسد، آنها باید قادر می شدند تا به زبان کسانی که قرار بود سخنان ایشان را بشنوند، سخن بگویند.

اعمال رسولان باب ۲ آیات ۵ تا ۱۲ را بخوانید. چه گواهی وجود دارد مبنی بر این که رسولان در روز پنطیکاست به زبان‌های خارجی موجود صحبت کردند؟

تخمین زده شده است که در قرن اول، هشت تا ده میلیون یهودی در جهان وجود داشت و اینکه قریب به ۶۰ درصد از آنها خارج از سرزمین یهودیه زندگی می کردند. با این وجود، بسیاری که برای عید در اورشلیم بودند، اهل سرزمین‌های بیگانه بودند و به زبان آرامی که زبان یهودیان اهل یهودیه در آن زمان بود صحبت نمی کردند. شکی نیست که بسیاری از کسانی که در روز پنطیکاست تغییر کیش دادند، یهودیان اهل سرزمین‌های مختلف بودند که اکنون می‌توانستند انجیل را به زبان‌های مادری خود بشنوند.

اینکه رسولان به جای زبان های ساختگی نا مشخص، به زبان های خارجی موجود صحبت می کردند، با واژه *dialektos* (اعمال رسولان باب ۲ آیات ۶ و ۸) مشهود است، که به معنی زبان یک ملت یا منطقه می باشد (مقایسه شود با اعمال رسولان باب ۲۱ آیه ۴۰، باب ۲۲ آیه ۲، باب ۲۶ آیه ۱۴). پس واضح است که آنها به زبان های مختلف صحبت می کردند. معجزه این بود که اینک مردم عادی اهل جلیل می توانستند به زبانی صحبت کنند که چند ساعت قبل، آن را بلد نبودند. برای آن یهودیان محلی که شاهد این صحنه بودند اما با این زبان ها آشنایی نداشتند، توضیح ممکن این بود که رسولان مست بودند و اصوات عجیب از خود ادا می کردند که برای ایشان مفهومی نداشتند. «اما بعضی استهزاء کنان گفتند که، از شراب تازه مست شده اند» (اعمال رسولان باب ۲ آیه ۱۳).

تجلی قدرتمندی از خدا در مقابل چشمان ایشان در حال اتفاق افتادن است و با این حال این مردم فکر می کنند که این مستی است؟ چگونه می توانیم مراقب باشیم که از نظر روحانی اینچنین نابینا نباشیم؟

۱۹ تیر

سه شنبه

موعظه پطرس

پطرس اتهام مستی را مغتنم شمرد و از آن به عنوان فرصتی استفاده کرد تا آنچه را که در شرف وقوع بود تشریح نماید. این رسول در خطابه خویش، نخست به کتاب مقدس اشاره نمود (اعمال رسولان باب ۲ آیات ۱۶ تا ۲۱) و نزول روح به عنوان تحقق نبوت را توصیف نمود.

اعمال رسولان باب ۲ آیه ۱۷ را با یوئیل باب ۲ آیه ۲۸ مقایسه کنید. پطرس چگونه زمان تحقق نبوت یوئیل را درک می کند؟

نبوت یوئیل درباره زمان نجات آینده بود (یوئیل باب ۲ آیه ۳۲) که با نشانه های متعددی در جهان طبیعی و نزول با شکوه روح (یوئیل باب ۲ آیات ۲۸ تا ۳۱) مشخص می شد. پطرس با تفسیر نمودن رویداد پنطیکاست در پرتو چنین نبوتی، قصد داشت بر ارتباط تاریخی آن لحظه تأکید کند. اما تفاوت مهمی در نحوه نقل قول کردن او از یوئیل وجود دارد. پطرس در عوض مقدمه سخن یوئیل که با «بعد از آن» در (یوئیل باب ۲ آیه ۲۸) شروع شده بود و به طور کلی به آینده اشاره داشت، «در ایام آخر» را بعنوان پیش در آمد سخن خویش بکار برد (اعمال رسولان باب ۲ آیه ۱۷)، که حاکی از این بود که فعل ختم برنامه نجات، تازه شروع شده بود. البته این توصیف کامل رویدادهای ایام آخر

نیست، بلکه گواه ضرورتی است که کلیسای اولیه را مشخص نمود. آنها می دانستند پایان چه زمانی خواهد آمد، اما قانع شده بودند که مدت ها طول نخواهد کشید.

اعمال رسولان باب ۲ آیات ۲۲ تا ۳۲ را بخوانید. نکته اصلی ارائه انجیل توسط پطرس چه بود؟

پطرس پس از برجسته نمودن اهمیت نبوی پنتیکاست، به رویدادهای اخیر زندگی، مرگ و رستاخیز عیسی پرداخت. با این وجود، این رستاخیز است که تاکید بیشتری بر آن شده است، بطوری که نشان دهنده عامل تعیین کننده در روایت انجیل بود. برای پطرس، رستاخیز، حمایت نهایی از عیسی (اعمال رسولان باب ۲ آیات ۲۲ و ۲۷) بود، و او برای کمک به رساندن منظورش درباره معنای رستاخیز، از کتاب مقدس نقل قول نمود. از آنجایی که عیسی مسیح موعود بود، می توانست با مرگ محکوم شود. بنابراین برای پطرس و همه نویسندگان عهد جدید، رستاخیز عیسی به مدرکی قدرتمند نه تنها از عیسی به عنوان مسیح موعود، بلکه برای کل پیام نجات مسیحی تبدیل شده بود.

با وجود مرگ در اطراف ما که همواره ما و عزیزانمان را تهدید می کند، چرا رستاخیز عیسی چنین حقیقت مهمی می باشد؟

چهارشنبه

۲۰ تیر

تعالی یافتن عیسی

« او اکنون در آسمان بر عالیترین جایگاه افتخار در کنار خدا نشسته است و روح القدس موعود را از پدر دریافت کرده و او را به پیروان خود عطا فرموده است، که امروز شما نتیجه اش را می بینید و می شنوید » (اعمال رسولان باب ۲ آیه ۳۳).

پطرس در سومین بخش از خطابه خود، به مسئله زبان ها بازگشت که در وهله اول توجه مردم را در ابتدا به خود جلب کرده بود. به جای مست بودن که در ساعت ۹ صبح باید عجیب بوده باشد (اعمال رسولان باب ۲ آیه ۱۵)، ایمان داران به زبان ها صحبت می کردند، زیرا روح القدس کمی قبل، از آسمان نازل شده بود.

اعمال رسولان باب ۲ آیات ۳۳ تا ۳۶ را بخوانید. ارتباط میان تعالی یافتن عیسی با ایستادن در سمت راست خدا و بارش روح القدس چیست؟

دست راست خدا، جایگاه اقتدار است (مزامیر باب ۱۱۰ آیات ۱ تا ۳). استدلال پطرس که بر شالوده کتاب مقدس استوار است، این است که به دلیل اینکه عیسی به چنین جایگاهی در آسمان بالا برده شده بود، روح القدس را بر پیروان خود نازل نمود. متعال شدن، مقامی برای عیسی به همراه نداشت مبنی بر این که قبلاً دارای چنین جایگاهی نبوده است (یوحنا باب ۱ آیات ۱ تا ۳، باب ۱۷ آیه ۵). در عوض، نشان دهنده شناخت عالی پدر از حق او به عنوان خداوند و نجات دهنده بود (اعمال رسولان باب ۲ آیه ۳۶). این رویداد در واقع ما را به یکی از مهمترین موضوعات کتاب مقدس می رساند: نبرد کیهانی میان خوب و بد. نکته این است که اگر عیسی رفعت نمی یافت (یوحنا باب ۷ آیه ۳۹)، و عبارت دیگر اگر عیسی بر روی صلیب پیروز نمی شد (یوحنا باب ۱۷ آیات ۴ و ۵)، روح القدس به طور کامل نمی آمد. به عبارت دیگر، تعالی یافتن عیسی، شرط آمدن روح القدس بود، زیرا بر تأیید خدا از دستاوردهای عیسی بر روی صلیب از جمله شکست کسی که بزور حکومت بر این جهان را ربوده است (یوحنا باب ۱۲ آیه ۳۱)، دلالت داشت.

ورود گناه به این جهان، سایه ای بر خدا افکند. مرگ عیسی الزامی بود تا نه تنها انسان ها را نجات دهد، بلکه همچنین از خدا حمایت کند و شیطان را به عنوان متقلب افشاء نماید. در مأموریت عیسی، دوره نجات پیش از آن در کار بود (لوقا باب ۴ آیات ۱۸ تا ۲۱). زمانی که او شیاطین را بیرون راند و یا گناهان را بخشید، اسرای شیطان را آزاد می نمود. با این حال، این صلیب بود که اقتدار کامل برای انجام آن کار را به او داد. از این رو، هنگامی که از خود گذشتگی عیسی در آسمان تصدیق شد، شیطان یک ضربه مهلک دریافت نمود و روح القدس به منظور آماده کردن مردم برای آمدن مسیح نازل می شد.

۲۱ تیر

پنجشنبه

نوبر محصولات

مخاطبان پطرس با سخنان او، متوجه موضوع مهمی شدند. برخی از آنها ممکن است در میان کسانی بودند که چند هفته قبل خواستار به صلیب کشیده شدن عیسی بودند (لوقا باب ۲۳ آیات ۱۳ تا ۲۵). اما اکنون، آنها که متقاعد شده بودند که عیسی ناصری حقیقتاً مسیح منصوب خدا بود، در اندوه فریاد برآوردند: «ای برادران چه کنیم؟» (اعمال رسولان باب ۲ آیه ۳۷).

اعمال رسولان باب ۲ آیه ۳۸ را بخوانید. دو شرط اساسی برای آمزش کدامند؟

توبه به معنای یک تغییر جهت ریشه ای در زندگی و روی برگرداندن از گناه می باشد (اعمال رسولان باب ۳ آیه ۱۹، باب ۲۶ آیه ۲۰)، و تنها احساس ناراحتی یا ندامت نمی

باشد. توبه واقعی به همراه ایمان، محبتی از خداست، اما مانند همه موهبت‌ها، می‌تواند رد بشود (اعمال رسولان باب ۵ آیات ۳۱ تا ۳۳، باب ۲۶ آیات ۱۹ تا ۲۱، رومیان باب ۲ آیه ۴). از زمان یحیی تعمید دهنده، توبه با تعمید در ارتباط بود (مرقس باب ۱ آیه ۴). یعنی، غسل تعمید ابرازی از توبه شد، مراسمی نمادین از شست‌گناهان و بازسازی اخلاقی بوجود آمده توسط روح القدس (اعمال رسولان باب ۲ آیه ۳۸، باب ۲۲ آیه ۱۶؛ مقایسه شود با تیطس باب ۳ آیات ۵ تا ۷).

اعمال رسولان باب ۲ آیات ۳۸ و ۳۹ را بخوانید. به کسانی که توبه می‌کنند و غسل تعمید می‌گیرند، چه وعده ویژه‌ای داده شده است؟

در پنطیکاست به مردم نه تنها بخشش از گناهان ارائه شد بلکه روح القدس بطور کامل برای رشد شخصی، خدمت در کلیسا و بویژه مأموریت بشارتی را دریافت نمودند. این شاید بزرگ‌ترین برکت‌ها بود، زیرا دلیل اصلی وجود کلیسا، به اشتراک گذاشتن مژده نیک انجیل می‌باشد (اول پطرس باب ۲ آیه ۹). بنابراین، از این نقطه به بعد، آنها تضمین نجات و قدرت روح القدس را خواهند داشت که ایشان را به مأموریتی که کلیسا به آن فراخوانده شده بود، قادر می‌ساخت.

چرا این درک که ما «بخشش از گناهان» را داریم، برای همه کسانی که می‌خواهند انجیل را انتشار دهند، بسیار مهم می‌باشد؟ گذشته از هر چیز شما چه امیدی می‌توانید به کسانی که در عیسی هستند ارائه دهید اگر خود آن را نداشته باشید؟

۲۲ تیر

جمعه

مطالعه بیشتر: فراریزش روح القدس در روز پنطیکاست، حقیقتی بسیار مهم را درباره آنچه در آسمان اتفاق افتاد نمایان ساخت و اینکه چگونه خدای پدر، قربانی مسیح برای گناهان جهان را پذیرفت. نزول روح القدس همچنین نشان داد که کار مسیح در آسمان بجای ما بر اساس قربانی اش بر روی زمین، اکنون شروع شده بود. این رویدادهای شگفت‌آور، آشکارسازی‌های بیشتری از این حقیقت شگرف هستند که آسمان و زمین به طریق‌هایی با هم در ارتباط هستند که ما اکنون قادر به درک آن نمی‌باشیم.

«عروج مسیح به آسمان، نشانه‌ای بود که پیروانش باید وعده برکت را دریافت می‌کردند ... هنگامی که مسیح از دروازه‌های آسمانی گذشت، در میان تمجید و تسبیح فرشتگان به تخت نشست. به محض اینکه مراسم به پایان رسید، روح القدس به وفور

بر حواریون نازل شد و مسیح حتی با وجود جلالی که از ابدیت با پدر داشت، رفعت یافت. نزول روح القدس در روز پنطیکاست، برقراری ارتباط و مکالمه آسمان بود که مراسم تحلیف و تعالی یافتن نجات دهنده کامل شده بود. بر اساس وعده اش، او روح القدس را از آسمان به عنوان نشانه ای از اینکه او در مقام کاهن و پادشاه تمام اقتدار زمین و آسمان را دریافت نمود و مسح شده یگانه قوم خویش گردید» — الن جی.

وایت، Ellen G. White, The Acts of the Apostles, pp. 38, 39

سوالاتی برای بحث

۱. کلیسا می تواند انتظار داشته باشد که چه چیزی از پنطیکاست را امروزه در زندگی اش تجربه کند؟ چه چیزی تکرار شدنی و چه چیزی غیر قابل تکرار می باشد؟

۲. در مورد این واقعیت که پطرس رستاخیز عیسی را بخش مهمی از پیام پنطیکاست خود کرد، بیشتر بیاندیشید. آنچه رستاخیز را حتی شگفت آورتر نمود این است که انتظارات از مسیح موعود برای یهودیان در آن زمان هر چه که بود، هیچ کس انتظار نداشت که مسیح موعود از مرگ زنده شود. این در رادار روحانی کسی قرار نداشت؛ این چیزی نبود که منتظران آمدن مسیح موعود پیش بینی کرده بودند. ما چه درس هایی می توانیم از این درباره اینکه باید آموزه های کتاب مقدس را در مقابل آنچه تعالیم محبوب اخیر ارائه می دهند، بشناسیم، بیاموزیم؟

۳. اعمال رسولان باب ۲ آیه ۳۸ درباره نیاز به غسل تعمید صحبت می کند. آیا این بدین معناست که هر کس که عیسی را باور داشت اما قبل از غسل تعمید گرفتن درگذشت، باید ضرورتاً نجات نیابد؟ پاسخ خود را توضیح دهید.

زندگی در کلیسای اولیه



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اعمال رسولان باب ۲ آیات ۴۲ تا ۴۶؛ اعمال رسولان باب ۴ آیات ۳۴ و ۳۵؛ اعمال رسولان باب ۳ آیات ۱ تا ۲۶؛ اعمال رسولان باب ۴ آیات ۱ تا ۱۸؛ اعمال رسولان باب ۵ آیات ۱ تا ۱۱؛ اعمال رسولان باب ۵ آیات ۳۴ تا ۳۹.

آیه حفظی: «و هر روزه در هیکل به یکدل پیوسته می‌بودند و در خانه‌ها نان را پاره می‌کردند و خوراک را به خوشی و ساده دلی می‌خوردند. و خدا را حمد می‌گفتند و نزد تمامی خلق عزیز می‌گردیدند و خداوند هر روزه ناجیان را بر کلیسا می‌افزود» (اعمال رسولان باب ۲ آیات ۴۶ و ۴۷).

احساس اضطراب کلیسای اولیه نمی‌توانست قوی تر بوده باشد. شیوه ای که عیسی به پرسش مربوط به برپایی پادشاهی در خصوص مسیح موعود پاسخ داد و مسئله زمان را باز گذاشت (اعمال رسولان باب ۱ آیات ۶ تا ۸) می‌توانست به این مفهوم درک شود که همه چیز به آمدن روح القدس و کامل شدن مأموریت رسالتی بستگی داشت. بنابراین، هنگامی که پنطیکاست فرا رسید، ایمانداران اولیه گمان کردند همه چیز تحقق یافت: آنها روح القدس را دریافت کرده بودند و انجیل را با تمام جهان به اشتراک گذاشتند. نه اینکه رسولان اورشلیم را ترک کرده و به سایر نقاط جهان رفته بودند بلکه جهان نزد ایشان آمده بود (اعمال رسولان باب ۲ آیات ۵ تا ۱۱).

آنچه که بعداً بوقوع پیوست این بود که کلیسا خود را از متاع دنیوی جدا ساخت. با این حس که زمان کوتاه بود، هر چه داشتند را فروخته و خود را وقف یادگیری و مشارکت نمودند در حالی که به شهادت دادن درباره عیسی البته تنها در اورشلیم ادامه دادند. زندگی اشتراکی که آنها توسعه دادند، اگر چه در کمک به فقرا موثر بود اما خیلی زود به مشکلی تبدیل شد و خدا برای متحد نگه داشتن کلیسا مجبور به مداخله شد. چنین مشکلی مقارن با زمانی شد که با مخالفت و ضدیت مواجه گردیدند. اما در میان همه اینها، ایمان ایشان تزلزل ناپذیر باقی ماند.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۳۰ تیر — ۲۱ July آماده شوید.

آموزش و مشارکت

پس از پنطیکاست، لوقا روایت را به یک توصیف کلی درباره زندگی درونی کلیسا در اورشلیم تغییر جهت می دهد. «و در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می نمودند» (اعمال رسولان باب ۲ آیه ۴۲). چهار مورد اشاره شده به نظر می رسد اساساً آموزش و مشارکت باشد. طبق آیه ۴۶، آموزش در معبد انجام می شد، در حالی که مشارکت در خانه های خصوصی صورت می پذیرفت.

صحن معبد با ایوان های مسقف احاطه شده بود که اغلب برای آموزش معلمین یهود استفاده می شد. اینکه ایمان داران خود را وقف آموزه های رسولان کردند، نشان می دهد که عطای روح القدس آنها را به یک تفکر مذهبی منتهی نکرد، بلکه به یک روند شدید یادگیری تحت نظر رسولان رهنمود شدند که اعتبار تعلیم توسط نشانه ها و شگفتی ها تصدیق شده بود (اعمال رسولان باب ۲ آیه ۴۳).

مشارکت روحانی، نشانه شاخص پارسائی مسیحیان اولیه بود. ایمان داران پیوسته با هم بودند، نه تنها در معبد بلکه همچنین در خانه هایشان، جایی که غذا را به هم قسمت می کردند، شام خداوند را جشن می گرفتند و دعا می کردند (اعمال رسولان ۲ آیات ۴۲ و ۴۶). مسیحیان اولیه با داشتن چنین جشن های روزانه ای، امیدشان به بازگشت زود هنگام عیسی را بیان می کردند، زمانی که مشارکت او با ایشان در ملکوت مسیحایی تکرار می شد (متی باب ۲۶ آیه ۲۹).

خانه های شخصی، نقشی کلیدی در حیات کلیسای اولیه داشتند. ایمان داران همچنان در مراسم روزانه معبد شرکت می کردند (اعمال رسولان باب ۳ آیه ۱) و در روز سبت، احتمالاً با دوستان یهودی خود در کنیسه بودند (بعقوب باب ۲ آیه ۲)، اما ارکان و مولفه های شاخص عبادت مسیحی در خانه ها انجام می شد.

اعمال رسولان باب ۲ آیات ۴۴ و ۴۵؛ باب ۴ آیات ۳۴ و ۳۵ را بخوانید. یکی از جنبه های مهم مشارکت مسیحی اولیه چه بود؟

آنها با اعتقاد به اینکه زمان پایان نزدیک است، تصمیم گرفتند که دارایی های مادی ایشان، «مالکیت خصوصی» (واژه بروز شده تر)، دیگر چندان دارای اهمیتی نبود. از این رو، استفاده مشترک از منابع مادی ایشان مناسب به نظر می رسید. دلیلی برای نگرانی در باره فردا وجود نداشت، زیرا که مسیح موعود خود نیازهای آنها را در ملکوتی که مسیح موعود در شرف برپایی آن است، برآورده می نمود (لوقا باب ۲۲ آیات ۲۹ و ۳۰). این به

اشتراک گذاری آنها را قادر ساخت مفهوم عمیق تری از اتحاد را در کنار الگوهای خارق العاده سخاوتمندانه مسیحی، تجربه کنند.

شما در مورد آنچه توسط خدا به شما بخشیده شده است، چقدر سخاوتمند هستید؟

۲۵ تیر

دوشنبه

شفای مرد علی

در اعمال رسولان باب ۳ آیه ۱، پطرس و یوحنا برای مراسم دعای ساعت سه به معبد رفتند. این نشان دهنده اساس مشخصه یهودی باور کلیسا در این دوره ابتدایی می باشد. یعنی، رسولان تنها برای آموزش و یا بخاطر شاگردسازی به معبد نمی رفتند، بلکه از آنجایی که پطرس و یوحنا همچنان یهودی بودند و در نتیجه همچنان به رسوم دینی یهودی دست کم تا آن زمان پایبند بودند (اعمال رسولان باب ۲۰ آیه ۱۶، باب ۲۱ آیات ۱۷ تا ۲۶). آنها در آنجا یک معجزه حیرت انگیز انجام دادند (اعمال رسولان باب ۳ آیات ۱ تا ۱۰) که به پطرس فرصتی داد تا خطبه دیگری را موعظه کند.

اعمال رسولان باب ۳ آیات ۱۲ تا ۲۶ را بخوانید. برخی از تأکیدهای اصلی پطرس در موعظه اش چه بودند؟

پنج نکته اصلی، موعظه های مسیحیت اولیه را مشخص می نمود: عیسی، مسیح رنج کشیده بود (اعمال رسولان باب ۳ آیه ۱۸)؛ خدا او را از مرگ زنده ساخت (اعمال رسولان باب ۳ آیه ۱۵)؛ عیسی در آسمان تجلیل شد (اعمال رسولان باب ۳ آیه ۱۳)؛ او بار دیگر خواهد آمد (اعمال رسولان باب ۳ آیه ۲۰)؛ و توبه برای بخشیده شدن گناهان ضروری می باشد (اعمال رسولان باب ۳ آیه ۱۹).

از بسیاری جهات، این همان پیامی است که ما با جهان به اشتراک می گذاریم، حتی اگر زمینه و بستر فرهنگی تغییر کرده باشد. رسولان همچنان در محیطی یهودی بودند، زمانی که در عوض تغییر دین ها، مردم باید اساساً فقط از عهد قدیم به عهد جدید «کوچ» می کردند. آنها به عنوان بخشی از قوم خدا، باید مسیح موعود را می پذیرفتند و حیات تازه ای را که به دنبال آن پذیرش حقیقی عیسی می باشد، تجربه می کردند.

اکنون، اگر چه شرایط متفاوت است، پیام همچنان در اصل یکی می باشد: مسیح برای گناهان ما مرد، از مرگ زنده شد و بار دیگر باز خواهد گشت. پس این بدین معناست که ما می توانیم در او نجات را بیابیم. حتی در زمینه پیام سه فرشته در باب ۱۴ مکاشفه

یوحنا، عیسی مسیح مصلوب، عیسی مسیح قیام کرده و بازگشت عیسی مسیح باید در کانون نحوه انتشار آن پیام ها توسط ما باشد.

«از میان تمام فرقه های مسیحی، ادونتیست های روز هفتم باید در متعال ساختن مسیح در مقابل جهانیان پیشرو باشند. انتشار پیام فرشته سوم نیازمند ارائه حقیقت سبت می باشد. این حقیقت به همراه دیگر حقیقت هایی که در این پیام می باشد، باید انتشار یابند اما مرکز بزرگ توجه، عیسی مسیح نباید فرانش بشود. بر روی صلیب مسیح می باشد که رحمت و حقیقت یکی می شوند و عدالت و صلح به یکدیگر می پیوندند. گناهکار باید راهنمایی شود که به جلجتا بنگرد و با ایمان ساده طفلی کوچک، باید به شایستگی های نجات دهنده اعتماد کند، عدالت او را بپذیرد و رحمت او را باور کند.» —

الن جی. وایت، Ellen G. White, Gospel Workers, pp. 156, 157

۲۶ تیر

سه شنبه

ظهور مخالفت

پس از موفقیت کلیسا بود که مخالفینی از میان رهبران اورشلیم برخاستند. معبد اورشلیم توسط کاهن اعظم و دستیارانش اداره می شد که اکثر ایشان صدوقیان بودند. کاهن اعظم همچنین رئیس شورای سنهدرین نیز بود که در آن روزها بیشتر متشکل از صدوقیان و فریسیان بود. از آنجایی که صدوقیان رستاخیز را باور نداشتند، به شدت پریشان بودند که پطرس و یوحنا تعلیم می دادند که عیسی از مرگ زنده شده است. رسولان توسط نگهبانان معبد دستگیر شدند و تا روز بعد در بازداشت نگه داشته شدند، تا زمانی که در مقابل شورا آورده شدند (اعمال رسولان باب ۴ آیات ۱ تا ۷).

اعمال رسولان باب ۴ آیات ۱ تا ۱۸ را بخوانید. پطرس چگونه به پرسش آنها در مورد اینکه بر اساس چه اقتداری عمل می کردند، پاسخ داد؟ پیام اساسی در آنچه پطرس گفت چه بود که رهبران بسیار آن را تهدیدآمیز یافتند؟

چالش در باره اقتدار که توسط رهبران یهودی مطرح شد، حاکی از نگرانی برای حفظ قدرت بود. با این وجود، پطرس اعلام نمود که نه تنها معجزه در نام عیسی انجام شده بود، بلکه نجات تنها از جانب او می آید. رسولان در برابر بالاترین نهاد یهودی قرار داشتند؛ با این حال، آنها در خدمت مقام بالاتری بودند. این مردان، ماهیگیران اهل جلیل آموزش ندیده و ساده ای بودند؛ از این رو، شجاعت و فصاحت آنها به کسانی که در آنجا بودند ضربه زدند. اگر چه رهبران متوجه آن نشدند، نکته این بود که رسولان درست همانطور که عیسی پیشگویی کرده بود، از روح القدس پر بودند (متی باب ۱۰ آیات ۱۶ تا ۲۰).

با قادر نبودن در تکذیب معجزه — مرد شفا یافته نیز حاضر بود تا همه بتوانند او را ببینند — سنهدرین فرمان داد که رسولان دست از موعظه بردارند. آنها به یک اندازه از پیام و افزایش محبوبیت این جنبش وحشت داشتند. آنها که از ارزیابی درست شواهد قاصر ماندند، به تعصب و میل به دفاع از خود اجازه دادند که بر اعمال ایشان تأثیر بگذارد. سخنان پایانی پطرس در میان با ارزش‌ترین گوهرهای کتاب اعمال رسولان می باشد: «اگر نزد خدا صواب است که اطاعت شما را بر اطاعت خدا ترجیح دهیم، حکم کنید. زیرا که ما را امکان آن نیست که آنچه دیده و شنیده‌ایم، نگوییم» (اعمال رسولان باب ۴ آیات ۱۹ و ۲۰).

در مورد تمایل به قدرت و اینکه می‌تواند در هر زمینه و سطحی بطور بالقوه خطرناک باشد، بیاندیشید. از آنجایی که مسیحیان فراخوانده شده‌اند که خدمتگزار باشند، چرا ما باید مراقب دام و تطمیع قدرت باشیم؟

چهارشنبه

۲۷ تیر

حنانیا و سفیره

ادغام کالاها یا منابع با مالکیت مشترک در کلیسای اولیه اجباری نبود؛ یعنی یک شرط رسمی عضویت نبود. با این وجود، قطعاً چندین نمونه سخاوت داوطلبانه وجود داشت که الهام بخش کل جامعه بود. یکی از چنین نمونه‌هایی برنابا بود (اعمال رسولان باب ۴ آیات ۳۶ و ۳۷)، که بعدها در کتاب نقش مهمی ایفا خواهد نمود. با این وجود، نمونه‌های منفی نیز وجود داشت که اتحاد کلیسا را از داخل، درست در زمانی که حمله‌ها از بیرون آغاز شده بود، تهدید می‌کرد.

اعمال رسولان باب ۵ آیات ۱ تا ۱۱ را بخوانید. چه درس‌هایی در این داستان وجود دارد؟

اگر چه لوقا تمام جزئیات را به ما ارائه نداده است، شکی نیست که مشکل اساسی حنانیا و سفیره تلاش برای نگاه داشتن پول نبود بلکه عمل فریبکاری در میان اجتماع بود. گناه آنها نتیجه یک اقدام ناگهانی نبود بلکه نقشه با دقت طرح شده، یک تلاش عمدی «برای امتحان نمودن روح خدا» بود (اعمال رسولان باب ۵ آیه ۹). آنها ملزم به فروش اموال خود و دادن پول به کلیسا نبودند. از این رو، زمانی که خود را به انجام این کار متعهد نمودند، شاید تنها بر اساس منافع شخصی عمل می‌کردند، شاید حتی برای بدست آوردن نفوذ در میان برادران با آنچه عمل خیریه ستودنی به نظر می‌رسید، بود. این احتمال ممکن است توضیح دهد که چرا خدا آنها را چنان شدید مجازات نمود.

حتی اگر زندگی اجتماعی کلیسا از اعتقاد به اینکه آمدن عیسی نزدیک بود، ناشی شد، اعمالی مانند عمل حنانیا و سفیره در چنین مرحله ابتدایی می توانست اهمیت وفاداری به خدا را کمزنگ کند و به تأثیری بد میان ایمان داران تبدیل شود. این واقعیت که هیچ اشاره ای به داده شدن فرصت توبه به حنانیا و همچنین سفیره وجود ندارد (اعمال رسولان باب ۵ آیه ۸)، ممکن است تنها به دلیل کم بودن مقدار باشد.

نکته مهم این است که از ابتدا تا انتها، آنها گناهکارانه رفتار می کردند و گناه در نظر خداوند مسئله ای جدی می باشد (حزقیال باب ۱۸ آیه ۲۰، رومیان باب ۶ آیه ۲۳)، حتی اگر همیشه آن را بلافاصله مجازات نکند. در واقع، اینکه مجازات اغلب به تعویق می افتد، باید همواره به ما یادآوری کند که خدا چقدر بخشنده است (دوم پطرس باب ۳ آیه ۹).

چرا ما باید در مورد عبور از مرزهای فیض و رحمت، آنگونه که این دو عضو اولیه کلیسا انجام دادند، مراقب باشیم؟

۲۸ تیر

پنجشنبه

دستگیری دوم

اگر می شد از رسولان برای آوردن داوری خدا بر گناه استفاده شود، مانند مورد حنانیا و سفیره، همچنین می شد برای آوردن فیض بر گناهکاران از ایشان استفاده شود. خدمت شفا دهنده قدرتمند ایشان (اعمال رسولان باب ۵ آیات ۱۲ تا ۱۶)، شاهدی ملموس بود که روح خدا از طریق ایشان عمل می کرد. اینکه این باور وجود داشت که حتی سایه پطرس می توانست مردم را شفا دهد، قابل توجه می باشد. نزدیک ترین روایت مشابه در انجیل، روایت زنی بود که با لمس نمودن جامه عیسی شفا یافت (لوقا باب ۸ آیات ۴۳ و ۴۴). با این وجود لوقا نمی گوید که سایه پطرس حقیقتاً قدرت شفا دهنده داشت بلکه مردم اینگونه فکر می کردند. با این حال، حتی اگر خرافات متداول در جریان بود، خدا همچنان فیض خود را ارزانی می داشت.

با وجود این، هر چه رسولان بیشتر از روح پر می شدند، و نشانه ها و شگفتی ها بیشتر می شدند، رهبران دینی بیشتر از حسادت پر می شدند. این باعث شد که آنها رسولان را برای بار دوم دستگیر کنند (اعمال رسولان باب ۵ آیات ۱۷ و ۱۸). تنها پس از فرار معجزه آسای آنها (اعمال رسولان باب ۵ آیات ۱۹ تا ۲۴) و سخنرانی جسورانه دیگری از پطرس مبنی بر اینکه «خدا را می باید بیشتر از انسان» اطاعت نمود (اعمال رسولان باب ۵ آیه ۲۹) بود که برخی از مقامات شروع به در نظر گرفتن احتمال در کار بودن تأثیرات ماوراء طبیعی نمودند.

اعمال رسولان باب ۵ آیات ۳۴ تا ۳۹ را بخوانید. غملائیل چگونه برای منصرف نمودن سنهدرین از کشتن رسولان تلاش نمود؟

سنهدرین یا همان شورای عالی یهود توسط صدوقیان اداره می شد و فریسیان اقلیتی با نفوذ کمتر بودند. غملائیل یک فریسی و مجتهد قانون دان بود. او به شدت در میان یهودیان مورد احترام بود که به عنوان «ربان یا ربا» («معلم ما») به جای صرفاً «ربی» («معلم من») در نظر گرفته می شد. پولس یکی از شاگردان او بود (اعمال رسولان باب ۲۲ آیه ۳).

غملائیل بانی و تدوین گر دو جنبش طغیان گر دیگر در تاریخ معاصر اسرائیل بود که پیروانی را جذب نمود و باعث آشفتگی شد. با این وجود، رهبران کشته شدند و پیروان ایشان کاملاً پراکنده گشتند. درسی که او استنتاج کرده بود این بود که جنبش مسیحی منشاء انسانی داشت که به زودی محو می شد. از سوی دیگر، اگر این جنبشی الهی بود، همانطور که رسولان ادعا کردند، چگونه آنها امید به مقاومت در برابر آن داشتند؟ ریزنی غملائیل سودمند واقع شد. رسولان شلاق خوردند و بار دیگر به ایشان فرمان داده شد که در نام عیسی صحبت نکنند.

این داستان درباره اینکه مشاوره خوب اغلب می تواند ضروری و مفید باشد، چه چیزی به ما می گوید؟ ما چگونه می توانیم پیاموزیم که در برابر دریافت مشاوره حتی زمانی که ممکن است شامل چیزی باشد که لزوماً مایل به شنیدنش نیستیم، سعه صدر داشته باشیم؟

۲۹ تیر

جمعه

تفکری فراتر: «ما مباشرینی هستیم که مورد اعتماد سرور غایب خود می باشیم تا از خانواده و منافعش که برای خدمت به آنها به این جهان آمد، مراقبت کنیم. او به آسمان بازگشته است و ما را مسئول نموده است و انتظار دارد هوشیار و منتظر بازگشتش باشیم. بیایید در برابر این اعتماد وفادار باشیم تا مبدا ناگهان او ما را در خواب بیابد.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, Testimonies for the Church, vol. 8, p. 37

«مردم باید با تقدس عهدهایشان تحت تأثیر قرار بگیرند و در امور خدا متعهد شوند. چنین تعهداتی معمولاً مانند قرارداد بین انسانها الزام آور نمی باشد. اما اگر وعده ای با خدا بسته شود، آیا تقدس آن کمتر خواهد بود؟ از آنجایی که فاقد برخی اصطلاحات فنی است و نمی تواند توسط قانون قابل اجرا باشد، آیا یک فرد مسیحی باید تعهد آن را که برایش قول داده است، نادیده بگیرد؟ هیچ سند یا تعهد قانونی الزامی تر از تعهد بسته

سوالاتی برای بحث

۱. در میان بسیاری چیزهای دیگر، عیسی دو ارث برای حواریون بجا گذاشت: انتظار بازگشت زود هنگامش و مأموریت جهانی. این دو عامل چگونه باید بر حس مأموریت ما و فراخوانده شدن به موعظه انجیل به تمام جهان تأثیر بگذارد؟

۲. فردی زمانی چنین گفت: «ما باید چنان آماده باشیم که گویا عیسی امروز می آید، اما چنان به کار کردن [در مأموریت کلیسا] ادامه دهیم که گویا آمدنش صدها سال دیگر به طول خواهد انجامید.» در این نظریه چه حکمتی دیده می شود و ما چگونه می توانیم آن را در فراخوان زندگی خود اعمال کنیم؟

۳. چرا باید زندگی، مرگ، رستاخیز و بازگشت عیسی در مرکزیت تمام موعظه های ما باشند؟ یا اینگونه به آن بنگرید: موعظه ما بدون این رویدادها چه ارزشی خواهد داشت؟

۴. روایت حنانیا و سفیره باید چه چیزی درباره دشوار بودن آگاهی از قلب های دیگران، چه در خوبی و چه در بدی، به ما بیاموزد؟

۵. برخی از غملائیل های امروزی که می شناسید، نام ببرید. یا شاید، آیا شما در موقعیتی هستید که این نقش را برای دیگران ایفا کنید؟ در هر صورت، در کلاس در مورد آن زمانها صحبت کنید و نمونه هایی از به خوبی مؤثر بودن دادن یا دریافت نصیحت عاقلانه را به اشتراک بگذارید. از این روایات چه درس هایی می توانیم بیاموزیم؟

نخستین رهبران کلیسا



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اعمال رسولان باب ۶؛ اعمال رسولان باب ۷ آیه ۴۸؛ عبرانیان باب ۵ آیات ۱۱ تا ۱۴؛ میکا باب ۶ آیات ۱ تا ۱۶؛ اعمال رسولان باب ۷؛ اعمال رسولان باب ۸ آیات ۴ تا ۲۵.

آیه حفظی: «و کلام خدا ترقی نمود و عدد شاگردان در اورشلیم بغایت می‌افزود و گروهی عظیم از کهنه مطیع ایمان شدند» (اعمال رسولان باب ۶ آیه ۷).

بسیاری از ایمان آورندگان در پنطیکاست یهودی هلنیستی [یهودیان با فرهنگ یونانی] بودند، یعنی، از تمدن یونانی — رومی که اکنون در اورشلیم زندگی می‌کردند (اعمال رسولان باب ۲ آیات ۵، ۹ تا ۱۱). آنها با وجود یهودی بودن، با یهودیان اهل یهودیه — که در اعمال رسولان باب ۶ آیه ۱، «عبرانیان» اشاره شده اند — در بسیاری جهات متفاوت بودند، که بارزترین تفاوت این بود که آنها اغلب با زبان آرامی، که در یهودیه صحبت می‌شد، آشنایی نداشتند.

چندین تفاوت دیگر فرهنگی و مذهبی وجود داشت. آنها به این دلیل که در کشورهای خارجی به دنیا آمده بودند، هیچ ریشه‌ای در سنت‌های یهودی یهودیه نداشتند یا دست کم ریشه‌های آنها به عمیقی یهودیان یهودیه نبود. آنها احتمالاً چندان به مراسم معبد و آن جنبه‌های احکام موسوی که تنها در سرزمین اسرائیل قابل اجرا بودند، وابسته نبودند. همچنین از آن جایی که بیشتر زندگی خود را در یک محیط یونانی — رومی گذرانده بودند و در ارتباط نزدیک با غیر یهودیان بودند، به طور طبیعی تمایل بیشتری برای درک شخصیت فراگیر ایمان مسیحی داشتند. در واقع، خدا از بسیاری از مؤمنان هلنیستی برای به انجام رساندن فرمان شهادت دادن به سرتاسر جهان استفاده نمود.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۶ مرداد — July آماده شوید.

انتصاب هفت نفر

اعمال رسولان باب ۶ آیه ۱ را بخوانید. شکایت ایمانداران هلنیستی چه بود؟

«علت شکایت به قولی، بی توجهی به بیوه زنان یونانی در توزیع روزانه کمک ها بود. هر نوع نابرابری با روح و نص انجیل در تضاد بود، با این وجود شیطان در ایجاد تردید موفق شد. اقدامات فوری اکنون باید برای تمام موارد نارضایتی انجام می شد تا مبدا دشمن در تلاش برای تفرقه انداختن در میان ایمانداران پیروز شود.» — الن جی.

Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 88

راه حل پیشنهاد شده توسط رسولان این بود که یهودیان هفت مرد را از میان خود انتخاب کنند تا برای diakoneō «خدمت برای میزها» یا اطعام کمک کنند (اعمال رسولان باب ۶ آیه ۲)، در حالی که وقت خود را باید صرف دعا و diakonia «خدمت بشارت کلام خدا» می نمودند (اعمال رسولان باب ۶ آیه ۴). از آن جایی که diakoneō و diakonia به یک گروه — واژه تعلق دارند، تنها تفاوت واقعی میان «میزها» در اعمال رسولان باب ۶ آیه ۲ و «کلام» در اعمال رسولان باب ۶ آیه ۴ می باشد. این همراه با صفت «روزانه/یومیه» (اعمال رسولان باب ۶ آیه ۱)، به نظر می رسد به دو عنصر اصلی زندگی روزانه کلیسای اولیه اشاره داشته باشد: اولی تعلیم («کلام») و دومی همنشینی در اطراف («میزها»/سفره ها)، که دومی شامل خوردن غذای دسته جمعی، شام خداوند و دعا می باشد (اعمال رسولان باب ۲ آیات ۴۲ و ۴۶؛ باب ۵ آیه ۴۲).

یعنی رسولان به عنوان متولیان امین و قابل اعتماد آموزه های عیسی، بیشتر وقت خود را صرف تعلیم اصول اعتقادی به ایمانداران می کردند که توام با دعا بود در حالی که آن هفت نفر متصدی امور معاشرت و اخوت در چند کلیسای خانگی بودند. با این وجود وظایف آنها به امورخادمان و شماسان کلیسا محدود نمی شد، آنگونه که این واژه امروزه معنا می دهد. آنها در واقع نخستین رهبران جماعت کلیسا بودند.

اعمال رسولان باب ۶ آیات ۲ تا ۶ را بخوانید. آن هفت نفر چگونه انتخاب و به مأموریت گمارده شدند؟

نامزدها باید از نظر ویژه گی های اخلاقی، روحانی و عملی ممتاز می بودند: آنها باید شهرتی مورد احترام می داشتند و از روح القدس و حکمت پر می بودند. آن هفت نفر با

تأیید جامعه انتخاب شدند و سپس از طریق دعا و دست گذاری شدن، به خدمت منصوب می شدند. این آداب و تشریفات حاکی از به رسمیت شناختن در میان عموم و تفویض اختیار برای ایفای وظیفه به عنوان خادمین می باشد.

ایجاد تفرقه در میان صفوف کلیسا آسان می باشد، اینطور نیست؟ برخی از خادمان آنچنان بر انجام وظیفه و تصدی خود تمرکز دارند که برقراری و حفظ صلح و آرامش در میان جمع را به فراموشی سپرده و فقط انجام کار محول شده به خودشان را در سرلوحه امور قرار می دهند. با کدام قدرت خدادادی می توانیم بر این مشکل فائق شویم؟

دوشنبه

۱ مرداد

مأموریت استیفان

هفت مرد پس از انتصاب، نه تنها در خدمت کلیسا بلکه همچنین در شهادت دادن مؤثر مشارکت نمودند. نتیجه این بود که انتشار انجیل ادامه یافت و بر شمار ایمانداران افزوده می شد (اعمال رسولان باب ۶ آیه ۷). با شروع این رشد، البته مخالفان را نیز به کلیسای اولیه آورد. این روایت سپس بر استیفان، که مردی با ویژگی های روحانی نادر است تمرکز می کند.

اعمال رسولان باب ۶ آیات ۸ تا ۱۵ را بخوانید. این آیات چه چیزی درباره استیفان، ایمان و شخصیت او به ما می آموزند؟ همچنین، استیفان چه چیزی موعظه می کرد که موجب برانگیخته شدن خشم مخالفانش شد؟

استیفان به عنوان یک یهودی هلنیستی، انجیل را در کنیسه هلنیستی اورشلیم به اشتراک می گذاشت. چندین نوع از این کنیسه ها در شهر وجود داشت؛ اعمال رسولان باب ۶ آیه ۹ احتمالاً به دو تا از آنها اشاره دارد، یکی متعلق به مهاجرین جنوبی (یهودیان اهل قیروان و اسکندریه) و دیگری متعلق به مهاجرین شمالی (افراد اهل قلیقیه و آسیا). عیسی بدون شک موضوع اصلی بحث ها بود، اما اتهامات مطرح شده علیه استیفان نشان دهنده درک او از بخشی از انجیل و دلالت های آن می باشد که شاید از ایمانداران یهودیه پیشی گرفته بود. استیفان به کفر گفتن علیه موسی و خدا متهم شد؛ یعنی، علیه شریعت و معبد. حتی اگر از برخی نقطه نظرات سخنان او درست فهمیده نشده بود — یا سخنانش عمدهً تحریف شده بودند — و شاهدان کذاب تحریک شده بودند تا بر علیه او صحبت کنند، اتهامات ممکن است کاملاً کذب نبوده باشد همانگونه که عیسی متهم

شده بود (مرقس باب ۱۴ آیه ۵۸، یوحنا باب ۲ آیه ۱۹). محکومیت صریح استیفان در برابر شورای عالی یهود سنهدرین بخاطر اینکه معبد را ساخته دست بشر خوانده بود [که یهودیان سخن او را اینگونه تعبیر کرده بودند که معبد را بتکده تلقی کرده است] (اعمال رسولان باب ۷ آیه ۴۸)، نمایان می‌سازد که او از مرگ عیسی و اینکه دست کم در رابطه با معبد و آداب و تشریفات آن که به چه چیزی اشاره می‌نمود، درک عمیق تری داشت. به عبارت دیگر، در حالی که احتمالاً بسیاری از ایمانداران یهودی اهل یهودیه همچنان تا حد زیادی به معبد و سایر اعمال تشریفاتی علاقمند بودند (اعمال رسولان باب ۳ آیه ۱؛ باب ۱۵ آیات ۱ و ۵؛ باب ۲۱ آیات ۱۷ تا ۲۴) و رها کردن آنها برایشان دشوار بود (غلاطیان باب ۵ آیات ۲ تا ۴؛ عبرانیان باب ۵ آیات ۱۱ تا ۱۴)، استیفان و شاید دیگر ایمانداران هلنیستی نیز به سرعت درک نمودند که مرگ عیسی نمایانگر پایان تمامی آئین و مراسم معبد بود. [زیرا که عیسی با مصلوب شدن، کار قربانی برای فدیة را به اتمام رسانده بود].

چرا ما باید مراقب باشیم که گرفتار برخی از مفاهیم عامه پسند نشویم که از دریافت نور جدید باز بمانیم؟

۲ مرداد

سه شنبه

در برابر شورای عالی یهود سنهدرین

اعمال رسولان باب ۷ آیات ۱ تا ۵۳ را بخوانید. استیفان به اتهام زندگان خود چه می‌گفت؟

اتهامات مطرح شده علیه استیفان منجر به دستگیری وی و محاکمه شدنش توسط سنهدرین شد. بر طبق سنت یهودی، شریعت و خدمات معبد دو تا از سه ارکانی بودند که کلام بر آنها استوار است — آخرین آنها کردار نیک است. اشاره محض به اینکه مراسم وابسته به موسی منسوخ شده بودند، واقعاً توهینی به آنچه که در یهودیت مقدس شمرده می‌شد، بود؛ از این رو، یعنی توهین به مقدسات (اعمال رسولان باب ۶ آیه ۱۱). پاسخ استیفان، طولانی‌ترین سخنرانی در اعمال رسولان می‌باشد، که خود نشانه‌ای از اهمیت آن است. اگر چه در نگاه اول چیزی بیش از یک قرائت خسته کننده از تاریخ اسرائیل به نظر نمی‌رسد، باید این سخنرانی را در رابطه با پیمان عهد قدیم و شیوه‌ای که انبیاء در زمانی که برای بازگرداندن اسرائیل به الزامات آن به عنوان اصلاح‌کنندگان دینی برخوردارند، درک کنیم. هنگامی که این اتفاق افتاد، آنها گاهی از واژه عبری *rib* استفاده می‌کردند که بهترین ترجمه‌اش احتمالاً «دَعْوِی عهد»، می‌باشد، یعنی بیان این ایده که خدا بر علیه قومش بدلیل قصور ایشان در نگه داشتن عهد، اقدامات قانونی انجام می‌دهد.

برای مثال در میکاه باب ۶ آیات ۱ و ۲، واژه *rîb* سه مرتبه دیده می شود. سپس میکاه با پیروی از الگوی عهد سینا (خروج باب های ۲۰ تا ۲۳)، به مردم، اعمال قدرتمندانه خدا را به جای ایشان یادآوری می کند (میکاه باب ۶ آیات ۳ تا ۵)، مقررات و تخلف از عهد (میکاه باب ۶ آیات ۶ تا ۱۲) و در نهایت لعنت ها برای نقض عهد ها (میکاه باب ۶ آیات ۱۳ تا ۱۶). این احتمالاً پیش زمینه نُطق استیفان است. هنگامی که از او خواسته شد اعمال خود را تشریح کند، او هیچ تلاشی برای انکار اتهامات یا دفاع از ایمان خود نکرد. در عوض، صدایش را مانند انبیاء باستان در زمان آوردن *rîb* خدا بر علیه اسرائیل، بلند کرد. بررسی طولانی او از رابطه پیشین خدا با اسرائیل برای نشان دادن ناسپاسی و نافرمانی آنها بود.

در واقع، با توجه به اعمال رسولان باب ۷ آیات ۵۱ تا ۵۳، استیفان دیگر متهم نیست، بلکه وکیل نبوی خداست، که ارائه دهنده دادخواهی عهد خدا علیه این رهبران می باشد. اگر پدران ایشان مجرم به قتل انبیاء بودند، آنها حتی بیشتر در این زمینه مجرم بودند. تغییر از «پدران ما» (اعمال رسولان باب ۷ آیات ۱۱، ۱۹، ۳۸، ۴۴ و ۴۵) به «پدران شما» (اعمال رسولان باب ۷ آیه ۵۱) قابل توجه است: استیفان همبستگی خود را با قومش شکست و موضعی مشخص در دفاع از عیسی گرفت. بهای آن سنگین می بود؛ اما با این حال، این سخنان هیچ ترس یا پشیمانی در بر ندارند.

آخرین باری که نیاز بود شما موضعی قاطع برای عیسی داشته باشید، چه زمانی بود؟ آیا موفق شدید یا شکست خوردید؟ در صورت شکست، چه چیزی باید تغییر کند؟

۳ مرداد

چهارشنبه

عیسی در دادگاه آسمانی

از آنجایی که با توجه به معنی، نبی (به عبری، *nābî*) به کسی اطلاق می شود که از طرف خدا سخن می گوید، استیفان همان لحظه ای که *rîb* دَعَوِی خدا را بر علیه اسرائیل آورد، نبی شد. رسالت نبوی او با این وجود کوتاه بود.

اعمال رسولان باب ۷ آیات ۵۵ و ۵۶ را بخوانید. مفهوم رؤیای استیفان چه بود؟

«هنگامی که استیفان به این مرحله رسید، جنجالی در میان مردم به پا بود. زمانی که او مسیح را با نبوت ها مرتبط نمود و بگونه ای صحبت کرد که گویا از معبد سخن می گوید، کاهن تظاهر به وحشت زده شدن نمود و جامه خود را درید. این عمل در نظر

استیفان نشانه ای بود که صدایش بزودی برای همیشه خاموش خواهد شد. او مقاومت در برابر سخنانش را دید و می دانست که آخرین شهادت خود را بیان می کند. با این وجود در میان خطبه خود، ناگهان آنرا ختم نمود.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 100

در حالی که استیفان در برابر رهبران یهودی ایستاد و دعوی خدا را بر علیه آنها اعلام نمود، عیسی در دادگاه آسمانی ایستاده بود — یعنی در معبد آسمانی، در کنار پدر، نشان دهنده اینکه داوری بر روی زمین در واقع جلوه ای از داوری واقعی بود که در آسمان صورت خواهد پذیرفت. خدا معلمان دروغین و رهبران اسرائیل را داوری خواهد نمود. این توضیح می دهد که چرا فراخوانده شدن به توبه، که عملی متداول در سخنرانی های قبلی در اعمال رسولان است (باب ۲ آیه ۳۸، باب ۳ آیه ۱۹، باب ۵ آیه ۳۱) در اینجا دیده نمی شود. حکومت دینی اسرائیل در حال پایان یافتن بود، به این معنی که نجات جهان دیگر از طریق وساطت قوم اسرائیل آنگونه که به ابراهیم وعده داده شد، انجام نخواهد شد (پیدایش باب ۱۲ آیه ۳، باب ۱۸ آیه ۱۸، باب ۲۲ آیه ۱۸)، بلکه از طریق پیروان عیسی، یهودی و غیر یهودی که اکنون انتظار می رفت اورشلیم را ترک کنند و به جهانیان شهادت دهند، انجام می شد (اعمال رسولان باب ۱ آیه ۸).

اعمال رسولان باب ۷ آیه ۵۷ تا باب ۸ آیات ۱ و ۲ را بخوانید. لوقا چگونه مرگ استیفان را بازگو می کند؟

مجازات توهین به مقدسات سنگسار بود (لاویان باب ۲۴ آیه ۱۴)، اگر چه مشخص نیست که آیا استیفان به اعدام محکوم شده بود یا جفا دیدن اوتوسط گروهی از افراد متعصب بود. در هر حال، او نخستین ایماندار به عیسی است که برای ایمانش کشته شد. اینکه شاهدان جامه های خود را بر پای شائول گذاشتند نشان می دهد که او رهبر مخالفین استیفان بود؛ با این حال، هنگامی که استیفان برای جلا دادن خود دعا کرد، برای شائول نیز دعا نمود. تنها فردی با شخصیت برتر و ایمانی تزلزل ناپذیر می توانست چنین کاری انجام دهد، جلوه قدرتمندی از ایمانش و واقعیت مسیح در زندگی اش.

۵ مرداد

پنجشنبه

انتشار انجیل

غلبه بر استیفان، موجب شعله ور شدن جفای گسترده ای بر علیه ایمانداران در اورشلیم شد. که بدون شک توسط گروهی از مخالفان برانگیخته شد. رهبر گروه، شائول

بود که خسارت کمی به کلیسا وارد نیاورد (اعمال رسولان باب ۸ آیه ۳، باب ۲۶ آیه ۱۰).
با این وجود جفا به خیریت مبدل شد.

در واقع، ایمانداران که در سرتاسر یهودیه و سامره پراکنده شده بودند، به موعظه انجیل پرداختند. فرمان برای شهادت انجیل در آن مناطق (اعمال رسولان باب ۱ آیه ۸) از این رو تحقق یافت.

اعمال رسولان باب ۸ آیات ۴ تا ۲۵ را بخوانید. چه درس هایی در این حکایت نمایان شده اند؟

سامریان دو رگه یا نیمه اسرائیلی بودند، حتی از نقطه نظر دینی، نیمه محسوب می شدند. آنها انسان هایی موحد بودند که پنج کتاب اول موسی را پذیرفتند (تورات)، عمل ختنه را انجام می دادند و در انتظار مسیح موعود بودند. با این حال، دین سامری برای یهودیان فاسد بود، که بدین معناست که سامریان هیچ سهمی در رحمت های عهد اسرائیل نداشتند.

ایمان آوردن غیر منتظره سامریان، کلیسای اورشلیم را شگفت زده کرد، از این رو رسولان، پطرس و یوحنا را برای ارزیابی موقعیت فرستادند. خودداری خدا از فرستادن روح القدس تا آمدن پطرس و یوحنا (اعمال رسولان باب ۸ آیات ۱۴ تا ۱۷) احتمالاً به منظور متقاعد ساختن رسولان بود که سامریان باید به عنوان اعضای کامل جامعه ایمانی پذیرفته می شدند (اعمال رسولان باب ۱۱ آیات ۱ تا ۱۸ را ببینید).

با این وجود، این در اینجا متوقف نشد. در اعمال رسولان باب ۸ آیات ۲۶ تا ۳۹، ما روایت فیلیپس و فرد حبشی، یک خواجه که پس از مطالعه کتاب مقدس، درخواست غسل تعمید را نمود را داریم. «فیلیپس با خواجه داخل آب رفتند و فیلیپس او را تعمید داد» (اعمال رسولان باب ۸ آیه ۳۸).

نخست سامریان و سپس یک فرد حبشیکه خارجی بود و برای عبادت به اورشلیم آمده بود و اکنون در راه بازگشت به خانه بود. انجیل در حال عبور از مرزهای اسرائیل و رسیدن به جهان بود، درست همانطور که پیشگویی شده بود. اگر چه همه این ها تنها آغاز بود، زیرا این ایمانداران اولیه یهودی بزودی به تمام جهان شناخته شده مسافرت می کردند و خبر بزرگ مرگ عیسی را موعظه می کردند، که جریمه گناهان ایشان را پرداخت و به همه در همه جا امید نجات را ارائه می دهد.

پطرس به شمعون گفت که «زندگی تو تلخ و زهر آگین است و در زنجیرهای شرارت گرفتاری» (اعمال رسولان باب ۸ آیه ۲۳). راه حل مشکل او و هر کسی که ممکن است در وضعیتی مشابه باشد، چه بود؟

مطالعه بیشتر: «جفائی که در اورشلیم بر کلیسا واقع شد، انگیزه ای بزرگ به کار انجیل داد. ماموریت کلام در آن مکان با موفقیت روبرو شده بود و این خطر وجود داشت که حواریون برای مدتی طولانی در آنجا بمانند و فرمان نجات دهنده مبنی بر رفتن به سرتاسر جهان را فراموش کنند. آن‌ها که فراموش کرده بودند قدرت ایستادگی در برابر بدی، به بهترین شکل از طریق خدمت مجدانه و با پشتکار حاصل می‌شود، شروع به فکر کردن نمودند که کاری مهم‌تر از محافظت از کلیسای اورشلیم در برابر حملات دشمن نداشتند. آن‌ها به جای آموزش دادن به ایمانداران جدید برای رساندن انجیل به کسانی که آن را نشنیده بودند، در خطر انتخاب روشی بودند که منجر به رضایت همه از آنچه تحقق یافته بود، می‌شد. خدا برای پراکنده نمودن نمایندگانش در خارج، جایی که بتوانند برای دیگران خدمت کنند، اجازه داد که جفا به ایشان روا گردد. ایمانداران که از اورشلیم رانده شده بودند، برای موعظه کلام به همه جا رفتند.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 105

سوالاتی برای بحث

۱. نقل قول از الن جی. وایت در بالا درباره خطرات پیش رو کلیسای اولیه در رابطه با رضایتمندی از خودشان و آنچه که از طریق ایشان تحقق یافته بود را بدقت بخوانید. نخست، این بدین معناست که برخلاف تصورات رایج، بسیاری از یهودیان در واقع عیسی را به عنوان مسیح موعود پذیرفتند. اما حتی مهم‌تر اینکه ما مردم چه هشدار باید امروزه از آن بدست آوریم؟ چگونه می‌توانیم مطمئن باشیم که بیش از حد گرفتار محافظت از آنچه که داریم، در برابر آنچه که باید واقعاً انجام بدهیم یعنی — بشارت دادن به جهان — نشویم؟
۲. در زمان رسولان، روابط میان یهودیان و سامریان با قرن‌ها خصومت شدید مشخص شده بود. ما از این واقعیت که فلیپس که به احتمال زیاد یهودی بود، در سامره از عیسی شهادت داد، چه چیزی می‌توانیم بیاموزیم؟ ما حتی به عنوان ادونتیسست‌های روز هفتم، در برابر تعصبات فرهنگی و قومی مصون نیستیم. صلیب باید چه چیزی درباره برابری همه ما در برابر خدا، به ما بیاموزد؟ همچنین، جهان شمولی مرگ مسیح باید چه چیزی درباره ارزش بی‌نهایت همه انسان‌ها، به ما بیاموزد؟
۳. فلیپس چگونه به فرد حبشی نزدیک شد (اعمال رسولان باب ۸ آیات ۲۷ تا ۳۰)؟ ما چگونه می‌توانیم نسبت به فرصت‌های به اشتراک گذاشتن انجیل با دیگران گشاده رو باشیم؟
۴. چه چیزی از اعمال رسولان باب‌های ۶ تا ۸ آموختیم که ممکن است به ما در تحقق مؤثرتر ماموریت کلیسا کمک کند؟

ایمان آوردن پولس



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اعمال رسولان باب ۲۶ آیات ۹ تا ۱۱؛ تثنیه باب ۲۱ آیه ۲۳؛ اعمال رسولان باب ۹ آیات ۱ تا ۲۰؛ اول قرنتیان باب ۹ آیه ۱؛ غلاطیان باب ۱ آیه ۱؛ اعمال رسولان باب ۹ آیات ۲۰ تا ۳۰.

آیه حفظی: «برو زیرا که او ظرف برگزیده من است تا نام مرا پیش امت‌ها و سلاطین و بنی اسرائیل ببرد» (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۱۵).

ایمان آوردن شائول طرسوسی (که پولس شد) یکی از قابل توجه ترین رویدادها در تاریخ کلیسای وابسته به رسولان بود. با این وجود اهمیت پولس بسیار فراتر از تنها ایمان آوردن می باشد زیرا پولس قطعاً تنها دشمن کلیسا نبود که به یک مسیحی واقعی تبدیل شد. در عوض مسئله مربوط می شود به آنچه که او در نهایت برای انجیل انجام داد. پولس دشمنی اصلاح‌ناپذیر برای ایمانداران اولیه بود و آسیبی که می توانست به کلیسای نوپا بزند، عظیم بود. او هم عزم و هم حمایت رسمی برای نابودی کلیسا را داشت. با این حال، او صادقانه به دعوت خدا در راه دمشق پاسخ داد و به یکی از بزرگ ترین رسولان تبدیل شد. «از میان تلخ‌ترین و بی‌رحم ترین شکنجه‌گران کلیسای مسیح، لایق‌ترین مدافع و موفق‌ترین قاصد انجیل بوجود آمد.» — الن جی.

وایت، Ellen G. White, Sketches from the Life of Paul, p. 9

اقدامات پیشین پولس در جفای کلیسای اولیه، همواره به او احساس عمیق بی ارزشی می داد، اگر چه با احساسی عمیق تر از قدردانی می توانست بگوید که فیض خدا به او بیهوده نبوده است. با ایمان آوردن پولس، مسیحیت برای همیشه تغییر نمود.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۳ مرداد آماده شوید.

شکنجه گر کلیسا

پولس یک یهودی هلنیستی بود. زادگاه او طرسوس، پایتخت قلیقیه بود (اعمال رسولان باب ۲۱ آیه ۳۹). با این وجود، او از رفتار کلیشه ای هلنیستی به میزان زیادی فاصله گرفت، زیرا به اورشلیم آورده شده بود، جایی که زیر نظر غملائیل (اعمال رسولان باب ۲۲ آیه ۳)، با نفوذ ترین معلم فریسی آن زمان آموزش دید. پولس به عنوان یک فریسی به شدت (ارتدوکس) سنتی و تعصبی بود، اگر چه شور و حرارت او مرز تعصب کور کشیده شده بود (غلاطیان باب ۱ آیه ۱۴). به این دلیل است که او استیفان را به سوی مرگ کشانید و تبدیل به چهره ای کلیدی در جفا های پس از آن شد.

اعمال رسولان باب ۲۶ آیات ۹ تا ۱۱ را بخوانید. پولس چگونه اقدامات خود بر علیه کلیسا را توصیف می کند؟

پولس در جایی دیگر می گوید که انجیل مانعی بر سر راه یهودیان بود (اول قرنتیان باب ۱ آیه ۲۳). در کنار این واقعیت که عیسی شرایط انتظارات سنتی یهودی از پادشاهی مسیح موعود را نداشت، آنها به هیچ وجه نمی توانستند این ایده را بپذیرند که کسی که بر روی صلیب مرد بتواند مسیح موعود خدا باشد، زیرا کتاب مقدس می گوید که هر کس به صلیب کشیده شود، تحت لعنت خداست (تثنیه باب ۲۱ آیه ۲۳). بنابراین، به صلیب کشیده شدن برای یهودیان یک تناقض عجیب و غریب بود، روشن ترین شاهی که می گفت ادعای کلیسا در مورد عیسی نادرست بود.

اعمال رسولان باب ۹ آیات ۱ و ۲ نشان می دهند که شائول طرسوسی در اقدام علیه ایمانداران بود. دمشق شهری بسیار مهم در حدود دویست کیلومتری شمال اورشلیم بود و جمعیت یهودی زیادی داشت. یهودیانی که در خارج از یهودیه زندگی می کردند، به صورت نوعی شبکه ارتباطی سازماندهی شده بودند که مرکزشان در اورشلیم (سنهدرین) بود و کنیسه به عنوان مرکز حمایتی اجتماع های محلی عمل می کرد. رابطه ای مداوم میان سنهدرین و چنین اجتماع هایی از طریق نامه هایی که معمولاً توسط shaliah قاصد حمل می شد، وجود داشت، «کسی که فرستاده شده است» (از واژه عبری shalah، «فرستادن»). یک قاصد shaliah، مأموری رسمی برگزیده توسط سنهدرین بود تا به ایفای چندین وظیفه دینی بپردازد.

هنگامی که پولس از کاهن اعظم، رئیس سنهدرین نامه های خطاب شده به کنیسه دمشق را در خواست نمود، او به یک shaliah قاصد با قدرت دستگیر نمودن پیروان عیسی

و آوردنشان به اورشلیم تبدیل شد (مقایسه شود با اعمال رسولان باب ۲۶ آیه ۱۲). در زبان یونانی، کلمه معادل shaliah، لغت apostolos می باشد که از آن واژه رسول مشتق می شود. از این رو، پولس پیش از آن که رسول عیسی مسیح باشد، رسول سنهدرین بود.

آخرین باری که شما برای چیزی که بعدها نظرتان درباره آن تغییر نمود، متعصب (یا مخالف) بودید، چه زمانی بود؟ از آن تجربه باید چه درس هایی فرا گرفته باشید؟

۸ مرداد

دوشنبه

در مسیر دمشق

اعمال رسولان باب ۹ آیات ۳ تا ۹ را بخوانید. هنگامی که پولس به دمشق نزدیک می شد، چه اتفاقی افتاد؟ مفهوم سخنان عیسی در اعمال رسولان باب ۹ آیه ۵ چیست (اعمال رسولان باب ۲۶ آیه ۱۴ را نیز ببینید)

همانطور که پولس و همراهانش به دمشق نزدیک می شدند، اتفاقی غیر منتظره رخ داد: در حوالی ظهر، آنها با نوری شدید و صدایی از سوی آسمان مواجه شدند. این صرفاً یک رویا در مفهوم نبوی نبود، بلکه تجلی الهی در نظر گرفته شده بطور ویژه برای پولس بود. همراهان او نور را مشاهده کردند؛ اما با این حال، تنها پولس نابینا شد؛ آنها صدا را شنیدند؛ اما با این وجود، تنها پولس آن را درک نمود. نور، شکوه الهی عیسای ظهور کرده بود که در آن لحظه شخصاً بر پولس ظاهر شده بود (اعمال رسولان باب ۲۲ آیه ۱۴). پولس در جایی دیگر اصرار می کند که عیسی را دیده بود، که او را با دوازده حواریون به عنوان شهادت دهنده رستاخیز و قدرت رسالتی عیسی، برابر می ساخت (اول قرنطیان باب ۹ آیه ۱، باب ۱۵ آیه ۸).

گفت و گوی متعاقب آن با عیسی، پولس را بی نهایت بیشتر از نور تحت تأثیر قرار می دهد. پولس کاملاً متقاعد شده بود که با حمله به پیروان عیسی ناصری، در واقع کار خدا برای پاک نمودن یهودیت از آن ارتداد خطرناک و وحشتناک را انجام می داد. با این وجود، او با ترس، فهمید که نه تنها عیسی زنده بود، بلکه او با رنجاندن پیروان عیسی، در واقع به خود او حمله می کرد.

عیسی وقتی با شائول صحبت می کرد، از یک ضرب المثل ظاهراً از ریشه یونانی استفاده نمود که پولس قطعاً با آن آشنا بود: «تو را بر میخ ها لگد زدن دشوار است» (اعمال رسولان باب ۲۶ آیه ۱۴). تصویر این است که یک گاو نر که به یوغ بسته شده تلاش می کند تا به جهت های مختلفی برود ولی کسی که گاو را هدایت می کند با

مهمیزی تیز به او ضربه ای میزند تا به مسیری برود که آنرا هدایت می کند. هنگامی که آن اتفاق بیافتد، حیوان حتی بیشتر به خود آسیب می رساند.

این سخن ممکن است به کشمکش در ذهن پولس اشاره داشته باشد — کتاب مقدس از این مطلب به عنوان کار روح القدس یاد می کند (یوحنا باب ۱۶ آیات ۸ تا ۱۱) — که می توانست به آنچه برای استیفان اتفاق افتاد، برگردد. «شائول نقش برجسته ای در محاکمه و محکومیت استیفان داشت و شواهد قابل توجه وجود داشت که خدا در کنار آن شهید حضور داشت، باعث شد تا شائول به درست بودن رفتار خود بر علیه پیروان عیسی، تردید کند. ذهن او شدیداً مغشوش شده بود. او در پریشانهالی خویش از کسانی که به حکمت و داوری ایشان اعتماد داشت، درخواست کمک نمود. استدلال های کاهنان و حاکمان در نهایت او را متقاعد نمود که استیفان یک کفرگو بود و اینکه آن مسیح که شاگرد شهید در باره وی موعظه می نمود، یک فریبکار بود و اینکه حق با کسانی است که در در تصدی امور روحانی هستند.» —
الن جی. وایت، Ellen G. White, The Acts of the Apostles, pp. 112, 113

چرا خردومندان است که به وجدان خود توجه و اعتنا کنید؟

۹ مرداد

سه شنبه

ملاقات حنایا

شائول وقتی متوجه شد که در حال صحبت کردن با شخص عیسی می باشد، سؤالی مطرح نمود که به عیسی فرصتی بخشید که به دنبالش بود: «خداوند چه کنم؟» (اعمال رسولان باب ۲۲ آیه ۱۰). پرسش او، حاکی از ندامت از اعمالی بود که تا آن زمان مرتکب شده بود، اما مهم تر اینکه تمایلی بی قید و شرط برای اجازه دادن به عیسی در راهنمایی زندگی اش از آن لحظه به بعد را ابراز می کند. شائول که به دمشق برده شد، باید منتظر دستورالعمل های بعدی می ماند.

کتاب مقدس در اعمال رسولان باب ۹ آیات ۱۰ تا ۱۹ نمایان می سازد که خداوند چگونه برای آماده کردن شائول طرسوسی برای زندگی جدیدش به عنوان پولس رسول کار می کرد. عیسی در رویایی، به حنایا مأموریت داد تا با شائول ملاقات نموده و دستانش را برای بازبایی بینایی بر او بگذارد. با این وجود، حنایا قبلاً می دانست شائول که بود و اینکه چه تعداد از برادرانش به خاطر او رنج دیده و یا حتی زندگی خود را از دست داده بودند. او همچنین به خوبی دلیل در دمشق بودن شائول را می دانست، و در نتیجه مطمئناً نمی خواست نخستین قربانی شائول در آنجا باشد. تأمل او قابل درک بود.

با این حال، آنچه حنایا نمی دانست این بود که شائول کمی قبل برخوردی شخصی با عیسی داشت که زندگی اش را برای همیشه تغییر داد. او نمی دانست که شائول به جای

اینکه همچنان برای سنهدرین کار کند — باعث حیرت حنانیا بود — توسط عیسی برای کار او فراخوانده شده بود که بدین معناست که شائول دیگر رسول سنهدرین نبود بلکه مهره انتخابی عیسی برای رساندن انجیل به یهودیان و غیر یهودیان بود.

غلاطیان باب ۱ آیات ۱، ۱۱ و ۱۲ را بخوانید. پولس در رابطه با مأموریت رسالتی خود چه ادعای خاصی ارائه می دهد؟

پولس در غلاطیه اصرار می ورزد که پیام و رسالت خود را مستقیماً از عیسی مسیح و نه منبع انسانی دریافت نموده است. این لزوماً نقشی که حنانیا در این فراخوانده شدن بجا آورد را نقض نمی کند. حنانیا هنگامی که با شائول ملاقات نمود، تنها مأموریتی که قبلاً او در مسیر دمشق از شخص عیسی دریافت کرده بود را تأیید نمود. در واقع، تغییر در زندگی شائول چنان چشم گیر بود که نمی توان سبب انسانی برای آن قائل شد. تنها مداخله الهی می تواند توضیح دهد که چگونه شدیدترین مخالف عیسی ناگهان او را به عنوان نجات دهنده می پذیرد و همه چیز را رها می کند — اعتقادات، شهرت، حرفه — و به فداکارترین و مؤثرترین رسول او تبدیل می شود.

ایمان آوردن شائول به چه روش هایی عملکرد فیض فوق العاده خدا را نشان می دهد؟ شما از این روایت در مورد کسانی که در زندگیتان هستند و تردید دارید هرگز واقعاً ایمان بیاورند، چه چیزی می توانید بیاموزید؟

۱۰ مرداد

چهارشنبه

آغاز مأموریت پولس

اعمال رسولان باب ۹ آیات ۱۹ تا ۲۵ این گونه القا می کنند که پولس پس از ایمان آوردن و پیش از بازگشت به اورشلیم، برای مدتی در دمشق ماند (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۲۶). با این وجود پولس در غلاطیان باب ۱ آیه ۱۷ اضافه می کند که پیش از رفتن به اورشلیم به سرزمین اعراب رفت، جایی که ظاهراً برای مدتی در انزوا زندگی نمود. «پولس در اینجا در تنهایی بیابان، فرصت کافی برای مطالعه و تعمق داشت.» — الن جی. وایت،

Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 125

اعمال رسولان باب ۹ آیات ۲۰ تا ۲۵ را بخوانید. لوقا چگونه مأموریت پولس را در دمشق توصیف می کند؟ تا چه میزان بخوبی پیش رفت؟

هنگامی که پولس اورشلیم را با نامه هایی از کاهن اعظم ترک نمود، هدف اصلی اش ایمانداران یهودی تبار بودند که احتمالاً به کنیسه دمشق پناه آورده بودند (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۲). اکنون، پس از بازگشتن به عربستان، در نهایت به کنیسه رسید اما نه برای دستگیر کردن ایمانداران بلکه برای افزایش تعداد ایشان؛ نه برای تهمت زدن به عیسی به عنوان فریب کار بلکه برای ارائه او به عنوان مسیح موعود اسرائیل. در ذهن کسانی که تنها او را به عنوان شکنجه‌گر می شناختند و اکنون می شنیدند که از عیسی شهادت می دهد، چه چیزی باید گذشته باشد؟ آنها نسبت به آنچه شائول طرسوسی به آن تبدیل شده بود و آنچه برای کلیسا انجام می داد، چه کاری جز تعجب می توانستند انجام دهند؟ (آنها احتمالاً هیچ ایده ای نداشتند که این ایماندار جدید در نهایت چه‌تاثیر بسزائی خواهد داشت!)

برخی از مخالفان پولس که قادر به انکار او نبودند، پیمان بستند که جان او را بگیرند. روایت پولس از این قسمت (دوم قرن‌تیمان باب ۱۱ آیات ۳۲ و ۳۳) نشان می دهد که مخالفان او برای رسیدن به اهدافشان او را به مقامات محلی معرفی کردند. با این وجود، پولس با کمک ایمانداران توانست در یک سبد بزرگ احتمالاً از طریق پنجره خانه ای که بر فراز دیوار شهر ساخته شده بود بگریزد.

پولس از ابتدا می دانست که با چالش هایی روبرو خواهد شد (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۱۶). ضدیت، جفا و رنج کشیدن از منابع مختلف در مأموریتش ثابت خواهند بود اما هیچ چیز ایمان و یا حس وظیفه شناسی او را با وجود سختی ها و مشکلاتی که عملاً در زندگی جدیدش در عیسی با آنها روبرو بود، متزلزل نمی کرد (دوم قرن‌تیمان باب ۴ آیات ۸ و ۹).

پولس با وجود مشکلات و مخالفت ها دلسرد نشد. هنگامی که به ایمان مربوط می شود، چگونه می‌توانیم بیاموزیم که ما نیز همان کار را انجام دهیم — یعنی چگونه در میان دلسردی و مخالفت، استقامت داشته باشیم؟

۱۱ مرداد

پنجشنبه

بازگشت به اورشلیم

پولس که از دمشق فرار کرده بود، برای نخستین بار پس از اینکه به عنوان جفا رسان، اورشلیم را ترک کرده بود، به آنجا بازگشت. این سه سال پس از ایمان آوردن او اتفاق افتاد (غلاطیان باب ۱ آیه ۱۸). این بازگشتی آسان نبود زیرا هم از درون و هم از بیرون کلیسا با مشکلاتی مواجه بود.

اعمال رسولان باب ۹ آیات ۲۶ تا ۳۰ را بخوانید. هنگامی که پولس به اورشلیم رسید، چه اتفاقی برایش افتاد؟

در اورشلیم، پولس تلاش نمود که به رسولان بپیوندد. اگر چه در آن زمان او به مدت سه سال مسیحی بود، خبر ایمان آوردنش چنان باور نکردنی بود که رسولان مانند حنانيا پيش از همه، نسبتاً مردد بودند. آنها می ترسیدند که این فقط بخشی از توطئه ای زیرکانه باشد. این برنابا یک لای اهل قبرس بود (اعمال رسولان باب ۴ آیات ۳۶ و ۳۷) که با وجود هلنیستی بودن مقاومت رسولان را شکست و پولس را به ایشان معرفی نمود. آنها نیز باید از آنچه خدا برای پولس انجام داده بود تعجب کرده باشند؛ یعنی، زمانی که متوجه شدند که ایمان او حقیقی و اصیل است.

با این حال چنین مقاومتی هرگز از بین نمی رفت، که اگر به دلیل اقدامات گذشته پولس در جفا رساندن به کلیسا نبود، دست کم برای موعظه انجیل بود. درست مانند مورد استیفان، ایمانداران یهودیه از جمله رسولان، در درک حوزه جهانی ایمان مسیحی بسیار کند بودند، ایمانی که دیگر برپایه نظام تشریفاتی عهد قدیم نبود، بویژه نظام قربانی کردن که پس از مرگ عیسی بر روی صلیب اعتبار خود را از دست داد. نزدیک ترین حوزه رابطه پولس درون کلیسا در یهودیه همیشه ایمانداران هلنیستی بودند: علاوه بر برنابا شامل فلیپس، یکی از هفت نفر (اعمال رسولان باب ۲۱ آیه ۸) و مناسون او نیز اهل قبرس (اعمال رسولان باب ۲۱ آیه ۱۶) می شد. چندین سال بعد، رهبران کلیسای اورشلیم همچنان پولس را به موعظه اصول عقاید مشابه با استیفان متهم می نمودند (اعمال رسولان باب ۲۱ آیه ۲۱).

در طول پانزده روزی که پولس در اورشلیم ماند (غلاطیان باب ۱ آیه ۱۸)، او ظاهراً تصمیم گرفت انجیل را با همان یهودیان بی ایمانی که زمانی قبل علیه استیفان برانگیخته بود، درمیان بگذارد. با این وجود درست مانند استیفان، تلاش هایش با مخالفت شدید روبرو شد و زندگی اش به خطر افتاد. عیسی در رؤیایی به او گفت که برای ایمنی خود اورشلیم را ترک کند (اعمال رسولان باب ۲۲ آیات ۱۷ تا ۲۱). او با کمک برادران به بندر قیصریه و از آنجا به زادگاه خود قیلیقیه جایی که پیش از شروع سفر بشارتی خود چندین سال می ماند، رفت.

۱۲ مرداد

جمعه

تفکری فراتر: «یک ژنرال در اثر شکست قوای نظامی اش کشته می شود ولی مرگ او باعث افزوده شدن قدرت اضافی به قوای دشمن نمی شود. اما هنگامی که مردی برجسته به نیروی مخالف می پیوندد، نه تنها خدماتش از دست می روند

بلکه کسانی که او به ایشان پیوسته است مزیتی قطعی بدست آورده و از او بهره مند می شوند. شائول طرسوسی در مسیرش به دمشق می توانست به راحتی توسط خداوند کشته شود و قدرت بسیاری از نیروی جفا برداشته می شد. اما خدا در آینده نگری اش نه تنها از کشتن شائول چشم پوشی نمود بلکه او را به یک ایماندار تبدیل نمود تا از این رو مبارزی از سمت دشمن را به سمت مسیح آورده باشد.» — الن جی.

وایت، Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 124

«مسیح به حواریونش فرمان داد بروند و به همه ملت ها آموزش بدهند؛ اما آموزه های پیشینی که آنها از یهودیان دریافت کرده بودند درک کامل سخنان اربابشان را برایشان دشوار می نمود و بنابراین به کندی در مورد آنها عمل می کردند. آنها خود را فرزندان ابراهیم می خواندند و خود را وارثان وعده الهی می دانستند. تنها چندین سال پس از عروج خداوند بود که ذهن های ایشان به اندازه کافی رشد نمود تا منظور سخنان مسیح را درک نموده و برای ایمان آوردن غیر یهودیان در کنار یهودیان تلاش کنند.» — الن جی.

وایت، Ellen G. White, Sketches From the Life of Paul, p. 38

سوالاتی برای بحث

۱. در مورد سوال عیسی از پولس در راه دمشق بیشتر تأمل کنید: «برای چه بر من جفا می کنی؟» (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۴). برای پولس این سؤال نشان از این بود که عیسی ناصری حقیقتاً از مرگ زنده شده بود. اما بیشتر از آن همچنین نشان دهنده شناخت روحانی بود که میان عیسی و کلیسایش وجود دارد (متی باب ۲۵ آیات ۳۴ تا ۴۵ را نیز ببینید). مفهوم واضح است: هر آسیبی به کلیسا در واقع آسیب رساندن به شخص عیسی می باشد. در عمل این امروزه برای ما به چه معناست؟

۲. شهادت دادن برای عیسی شامل رنج کشیدن برای عیسی می باشد. این بر حسب بخت و اقبال نیست که واژه یونانی «شاهد» (martyrs) در ارتباط با «شهید» است. رنج کشیدن برای عیسی به چه معناست؟

۳. یک ضرب المثل قدیمی لاتین وجود دارد، Credo ut intelligam که به معنی «ایمان می آورم تا به شناخت و معرفت نائل آیم». این ایده چگونه به ما در درک آنچه برای شائول طرسوسی اتفاق افتاد، کمک می کند؟ یعنی پیش از ایمان آوردن پولس قبل از اینکه به عیسی اعتقاد پیدا کند او فهم و شناخت نداشت. تنها پس از تجربه اش بود که توانست به معرفت نائل گردد. ما از این مطلب چه درسی بیاموزیم هنگامی که با افرادی مواجه می شویم که حقایق شفاف را باور نکرده و مایوس می شویم؟

کار بشارتی پطرس



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اعمال رسولان باب ۹ آیات ۳۲ تا ۴۳؛ اعمال رسولان باب ۱۰ آیات ۹ تا ۱۶؛ افسسیان باب ۲ آیات ۱۱ تا ۱۹؛ اعمال رسولان باب ۱۱ آیات ۱ تا ۲۶؛ اعمال رسولان باب ۱۲ آیات ۱ تا ۱۸.

آیه حفظی: «پطرس زبان را گشوده، گفت: فی الحقیقت یافته‌ام که خدا را نظر به ظاهر نیست، بلکه از هر امتی، هر که از او ترسد و عمل نیکو کند، نزد او مقبول گردد» (اعمال رسولان باب ۱۰ آیات ۳۴ و ۳۵).

با عزیمت پولس به طرسوس، پطرس بار دیگر شخصیت اصلی حکایت لوقا از روزهای ابتدایی کلیسای مسیحی می‌شود. پطرس به نوعی به عنوان خادم بشارتی سیار در سرتاسر یهودیه و مناطق اطراف آن به تصویر کشیده شده است. اعمال رسولان در اینجا بصورت مجمل حکایت دو معجزه را بیان می‌کند، اول شفا یافتن اینیاس و دوم زنده شدن طیبیتا (دورکاس)، که سپس با داستان کورنلیوس در باب ۱۰ ادامه می‌یابند.

ایمان آوردن غیر یهودیان بحث برانگیزترین مسئله در کلیسای وابسته به رسولان بود. اگر چه بحث‌هایی که در پی غسل تعمید کورنلیوس بوجود آمده‌اند، قادر به حل تمام مشکلات نبودند، نزول روح القدس به یادبود آنچه در پنطیکاست اتفاق افتاد، به متقاعد ساختن پطرس و برادران در اورشلیم در مورد اینکه برکات انجیل به یهودیان محدود نمی‌شدند، کمک نمود. در همین حال، کلیسا در انطاکیه پیش از این جذب غیر یهودیان را نیز آغاز کرده بود.

مطالعه این هفته نیز شامل ظهور جفای جدید و کوتاه مدت است — این بار تحت پادشاهی هیرودیسیس — و تأثیر آن بر رسولان که توسط جفاهای پولس ادامه یافت ولی من بعداً از این کار دست کشید.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۰ مرداد — ۱۱ August آماده شوید.

در لده و یافا

پطرس در حال بازدید از جوامع مسیحی در اطراف مناطق ساحلی یهودیه بود. هدف او احتمالاً دادن آموزش‌های اصول اعتقادی به ایشان بود (اعمال رسولان باب ۲ آیه ۴۲)، اما خدا از او برای انجام معجزاتی درست همچون معجزات عیسی استفاده نمود.

اعمال رسولان باب ۹ آیات ۳۲ تا ۳۵ را بخوانید. چه شباهت‌هایی در معجزه عیسی در لوقا باب ۵ آیات ۱۷ تا ۲۶ و شفا یافتن اینیاس می‌بینید؟

با وجود کوتاه بودن حکایت، این معجزه ما را به یاد داستان معروف شفای فرد مفلوج کفرناحوم توسط عیسی می‌اندازد (لوقا باب ۵ آیات ۱۷ تا ۲۶). حتی جزئیات درباره تخت خواب نیز مشابه هستند. با این وجود مهم‌تر اینکه تأثیر درمان شدن اینیاس نه تنها در لده بلکه همچنین در دشت ساحلی شارون نیز دیده می‌شد. بسیاری از مردم پس از تأیید واقعیت معجزه برای خود، روی به خداوند آوردند.

اعمال رسولان باب ۹ آیات ۳۶ تا ۴۳ را بخوانید. داستان زنده شدن طیبیتا را بررسی کنید. چه چیز خاصی در مورد او وجود داشت؟

طیبیتا — واژه آرامی زبان برای «غزال»، در یونانی *dorcas* می‌باشد — او ایمان‌داری بود که به دلیل کارهای خیرخواهانه مسیحی، مورد تفقد و مهربانی همسایگانش بود. روایت از مرگ برخوردارانش نیز مشابه معجزه‌ای انجام شده توسط عیسی، زنده کردن دختر یائروس از مرگ بود (لوقا باب ۸ آیات ۴۱، ۴۲ و ۴۹ تا ۵۶) که پطرس شاهد آن بود. او با پیروی از الگوی عیسی، از همه خواست که اتاق را ترک کنند (مرقس باب ۵ آیه ۴۰ را ببینید). سپس زانو زده و دعا کرد، که پس از آن زن مرده را صدا زد، «ای طیبیتا، برخیز!» (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۴۰).

رسولان معجزات بسیاری انجام دادند: با این وجود، در واقع این‌ها اعمال خدا بود که از طریق دست‌ان رسولان انجام می‌شد (اعمال رسولان باب ۵ آیه ۱۲). شباهت‌ها با معجزات عیسی شاید برای یادآوری به کلیسا و همچنین امروز ما بود که آنچه بیشترین اهمیت را دارد، عامل انجام کار نمی‌باشد، بلکه معیار، تسلیم بودن وی در برابر خدا می‌باشد (یوحنا باب ۱۴ آیه ۱۲ را ببینید). هنگامی که ما کاملاً به خدا اجازه دهیم که برای

هدف انجیل از ما استفاده کند، اتفاق های خیلی خوبی خواهد افتاد. پطرس نه تنها طبیعتا را از مرگ زنده نمود، بلکه این معجزه منجر به ایمان آوردن بسیاری در یافا شد (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۴۲).

برخی از مردم فکر می کنند که تنها اگر می توانستند یک معجزه واقعی، مانند آنچه در اینجا اتفاق افتاد را ببینند، آنوقت اعتقاد پیدا خواهند کرد. و اگر چه در زمان هایی معجزات به هدایت مردم به سوی ایمان کمک کردند، کتاب مقدس مملو از روایات کسانی است که شاهد معجزات بودند و با این وجود ایمان نیاوردند. پس ایمان ما باید بر پایه چه چیزی باشد؟

دوشنبه

۱۵ مرداد

در خانه کرنلیوس

پطرس در یافا نزد دباغی شمعون نام ماند (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۴۳). در همین حال، در قیصریه حدود چهل کیلومتری یافا، یک فرمانده نظامی به نام کرنلیوس زندگی می کرد. او و خانواده اش عبادت کنندگان مؤمن خدا بودند، اگر چه هنوز به طور رسمی به یهودیت نپیوسته بودند، یعنی کرنلیوس همچنان یک غیریهودی نامختون بود. در روایای خدادادی، به او دستور داده شد پیام رسانی را به یافا بفرستد و پطرس را برای بازدید دعوت کند (اعمال رسولان باب ۱۰ آیات ۱ تا ۸).

اعمال رسولان باب ۱۰ آیات ۹ تا ۱۶، ۲۸، ۳۴ و ۳۵ را بخوانید. پطرس چه چیزی تجربه نمود و چگونه آن را تفسیر نمود؟

مهم است که بدانیم رویای پطرس درباره غذا نبود، بلکه در مورد مردم بود. آری، حدود ظهر بود، پطرس گرسنه بود، و صدایی به او گفت که ذبح کند و تناول نماید؛ با این حال، خدا نه برای حذف تمایز میان حیوانات پاک و ناپاک، بلکه برای آموختن ویژگی فراگیر انجیل به پطرس، از این رؤیا استفاده نمود.

این رؤیا به صراحت برای شکست مقاومت پطرس در برابر غیر یهودیان در نظر گرفته شده بود. نظر پطرس این بود که اگر او وارد خانه کرنلیوس می شد و با او هم نشینی می کرد، خود را بی حرمت کرده و برای عبادت در معبد یا آمدن در حضور خدا، ناشایسته می شد. یهودیان قرن اول اهل یهودیه و مناطق اطراف با غیر یهودیان نامختون معاشرت نمی کردند.

مشکل با الهیات شناسی معاصر بود که غیر یهودیان را از رفاه عمومی اسرائیل محروم کرده بود، با اینکه این نظریه به یک انحراف از نکته کلی وجود اسرائیل به عنوان یک ملت تبدیل شده بود که آن رساندن دانش خدای حقیقی به جهانیان بود. از آنجایی که ختنه نشانه عهد ابراهیمی بود، غیر یهودیان نامختون متمایز می شدند و با ایشان با تحقیر رفتار می شد. آنها می توانستند هیچ سهمی در برکات عهد داشته باشند مگر اینکه ختنه شدن را می پذیرفتند و یهودی می شدند. اگر چه چنین مفهومی با دامنه جهانی مرگ عیسی ناسازگار بود، همچون ایمانداران اولیه که بهرور با گذشت زمان این قضیه را درک نمودند.

تیتس باب ۲ آیه ۱۱، غلاطیان باب ۳ آیات ۲۶ تا ۲۸ و افسسیان باب ۲ آیات ۱۱ تا ۱۹ را بخوانید. این آیات چه چیزی درباره جهانشمولی بودن پیام انجیل به ما می آموزند؟ آنها باید چه چیزی در مورد اینکه داشتن تعصب در برابر گروهی بر اساس قومیت برای مسیحیان اشتباه است، به ما بگویند؟

۱۶ مرداد

سه شنبه

عطای روح القدس

اعمال رسولان باب ۱۰ آیات ۴۴ تا ۴۸ لحظه ای بحرانی در تاریخ کلیسای اولیه را نمایان می سازند. این اولین بار بود که انجیل توسط یکی از رسولان به غیر یهودیان نامختون موعظه می شد. رسولان و سایر ایمانداران یهودیه بر خلاف ایمانداران هلنیستی، آماده پذیرفتن غیر یهودیان در کلیسا نبودند. از آنجایی که عیسی، مسیح موعود اسرائیل بود، آنها فکر می کردند که انجیل باید تنها با یهودیان دور و نزدیک به اشتراک گذاشته شود. غیر یهودیان ابتدا باید یهودی می شدند و سپس در جامعه ایمانی پذیرفته می شدند. به عبارت دیگر، قبل از اینکه غیر یهودیان بتوانند مسیحی شوند، آنها ابتدا باید یهودی می شدند. این تفکری بود که باید در میان این ایمانداران یهودی اولیه تغییر می کرد. عطای زبان ها که به کرنلیوس و خانواده اش داده شد به عنوان نشانه ای واضح و قابل مشاهده بود که چنین برداشتی اشتباه بود و اینکه خدا تفاوت قائل نمی شد و شرایط نجات برای یهودیان و غیر یهودیان از نظر او یکسان بودند.

اعمال رسولان باب ۱۱ آیات ۱ تا ۱۸ را بخوانید. کلیسای اورشلیم چگونه نسبت به تجربه پطرس در قیصریه عکس العمل نشان داد؟

تعصب یهودی در مورد غیر یهودیان که از زمان های مدید گذشته وجود داشت، ایمانداران را در اورشلیم به انتقاد از پطرس برای غذا خوردن با مردم نامختون سوق داد. به نظر می رسد که آنها بیش از آنچه که نگران نجات کرنلیوس و خانواده اش باشند، نگران وسواس های تشریفاتی یهودی بودند. آنها ممکن است بیم داشتند که اگر این شیوه های کلیسا شکسته شوند، نشانه ای از انکار ایمان اسرائیل خواهد بود؛ آنها لطف خدا را از دست می دادند و خود از سوی یهودیان هم مسلک خویش متقبل چنین اتهاماتی می شدند — که باعث مرگ استیفان شدند.

«زمان آن رسیده بود که مرحله کاملاً جدیدی از کار وارد کلیسای مسیح شود. دربی که بسیاری از ایمانداران یهودی تبار بر روی غیر یهودیان بسته بودند، اکنون باید گشوده می شد. و غیر یهودیانی که انجیل را پذیرفته بودند باید با شاگردان یهودی برابر در نظر گرفته می شدند، بدون ضرورت رعایت مراسم ختنه.» — الن جی. وایت،

Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 136

درست مانند پنطیکاست در اینجا نیز آنها به زبان هایی که قبلاً با آنها آشنایی نداشتند صحبت کردند، به جای آنکه به زبان های آسمانی یا افسانه ای صحبت کنند. تنها هدف متفاوت بود: در حالی که هدف این عطا برای رسولان مأموریت جهانی کلیسا بود، برای کرنلیوس به عنوان تأییدی بود که فیض خدا حتی در میان غیر یهودیان نیز وجود داشت.

چهارشنبه

۱۷ مرداد

کلیسای انطاکیه

لوقا که با ایمان آوردن کرنلیوس انگیزه یافته بود، بطور خلاصه روایتش از مأموریت پطرس را برای نشان دادن پیشرفت اولیه انجیل در میان غیر یهودیان، قطع می کند.

اعمال رسولان باب ۱۱ آیات ۱۹ تا ۲۶ را بخوانید. هنگامی که تعدادی از پناهندگان اورشلمی به انطاکیه آمدند، چه اتفاقی افتاد؟

این بخش از باب ۱۱ اعمال رسولان به جفاکاری پولس در باب ۸ اشاره دارد. بنابراین، در حالی که تحولات قبلی در یهودیه و جاهای دیگر در حال وقوع بود، برخی از ایمانداران هلنیستی که مجبور به ترک اورشلیم شده بودند، انجیل را فراتر از مرزهای یهودیه انتشار می دادند.

لوقا توجهی ویژه به شهر بزرگ انطاکیه در سوریه دارد، جایی که پناهندگان شروع به بشارت دادن به سایر یهودیان و هلنیستی ها کردند و بسیاری از آنها ایمان می آوردند. ماموریت عیسی در اعمال رسولان باب ۱ آیه ۸ سپس از طریق تلاش های این مسیحیان

هلنیستی یهودی درک می شد. آنها کسانی بودند که به بنیان گذاران واقعی کاربشارت برای غیر یهودیان تبدیل شدند.

به دلیل موفقیت کلیسای انطاکیه، رسولان در اورشلیم تصمیم گرفتند برنابا را برای بررسی وضعیت اعزام نمایند. برنابا که متوجه فرصت های بزرگ برای پیشرفت انجیل شد، فردی را به دنبال پولس در طرسوس فرستاد زیرا احساس می کرد که می تواند مددکاری حیاتی باشد. حق با برنابا بود. در طول سال که او و پولس با هم کار کردند، جمعیت زیادی اکثراً غیر یهودی توانستند انجیل را بشنوند. شور و اشتیاقی که آنها در صحبت کردن درباره عیسی مسیح داشتند، باعث شد ایمانداران در آنجا برای اولین بار به عنوان «مسیحیان» شناخته شوند (اعمال رسولان باب ۱۱ آیه ۲۶). اینکه آنها «مسیحی» نامیده شدند نشان می دهد که این واژه توسط کسانی خارج از کلیسا، احتمالاً به عنوان نوعی تمسخر ابداع شد، در حالی که ایمانداران ترجیح می دادند از خود به عنوان «برادران» (اعمال رسولان باب ۱ آیه ۱۶)، «شاگردان» (اعمال رسولان باب ۶ آیه ۱) و یا حتی «مقدسین» (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۱۳) یاد کنند. در زمانی که رساله اعمال رسولان نوشته شد، «مسیحی» به یک اسم رایج تبدیل شده بود (اعمال رسولان باب ۲۶ آیه ۲۸) و به نظر می رسید لوقا با آن موافق است. «مسیحی» به معنی پیرو یا طرفدار مسیح می باشد.

«مسیحی» نامیده شدن برای شما چه معنایی دارد؟ چه چیزی در مورد زندگی شما واقعاً مسیحی است؟ یعنی، در زمینه چیزهایی که واقعاً اهمیت دارند چگونه متفاوت از غیر مسیحیان زندگی می کنید؟

۱۸ مرداد

پنجشنبه

جفاکاری هیروودیس

با بازگشتن به یهودیه، ما اکنون با روایت اعدام یعقوب، برادر یوحنا و پسر زبدي توسط پادشاه هیروودیس روبرو هستیم (مرقس باب ۱ آیه ۱۹). او همچنین می خواست همین کار را با پطرس انجام دهد.

اعمال رسولان باب ۱۲ آیات ۱ تا ۴ را بخوانید. این چه چیزی درباره چالش هایی که کلیسای اولیه با آنها روبرو بود، به ما می آموزد؟

پادشاه هیروودیس اشاره شده در اینجا اغریپاس اول، نوه هیروودیس بزرگ است (متی باب ۲ آیه ۱)؛ او از سال ۴۰ تا ۴۴ پس از میلاد مسیح بر یهودیه حکومت می کرد. او در

نتیجه نشان دادن تقوا و پاکدامنی، در میان یهودیان بویژه فریسیان محبوبیت کسب نمود. تلاش او در حمله به برخی از رسولان برای بدست آوردن التفات یهودیان، کاملاً با آنچه ما درباره او از سایر منابع می دانیم، همخوانی دارد.

از آنجایی که اعدام یعقوب در تحقق یافتن دستور کار اغریپاس مؤثر بود، او برنامه ریزی کرد که پطرس را نیز اعدام کند. پطرس دستگیر شد و به چهار جوخه هر کدام متشکل از چهار سرباز تحویل داده شد تا هر جوخه به مدت چهار ساعت از شب، او را نگهداری دهند. پطرس در هر زمان چهار سرباز همراه خود داشت: او به دو سرباز، در طرفینش زنجیر بود و دو نفر از ورودی محافظت می کردند. چنین احتیاط شدیدی قطعاً برای جلوگیری از آنچه قبلاً برای پطرس (و یوحنا) اتفاق افتاده بود، در نظر گرفته شده بود (اعمال رسولان باب ۵ آیات ۱۷ تا ۲۰).

اعمال رسولان باب ۱۲ آیات ۵ تا ۱۸ را بخوانید. در پاسخ به دعای برادران چه اتفاقی افتاد؟

شب قبل از روزی که اغریپاس قصد محاکمه و اعدام پطرس را داشت، پطرس بار دیگر به گونه ای معجزه آسا توسط فرشته ای آزاد شد.

سپس ما داستان مرگ اغریپاس در قیصریه را می بینیم (اعمال رسولان باب ۱۲ آیات ۲۰ تا ۲۳). تلاش هایی برای یافتن علت مرگ او انجام شد (التهاب پرده شکم، زخم معده، حتی سم)؛ با این وجود، لوقا به وضوح می گوید که پادشاه به دلیل داوری الهی مرد.

یعقوب کشته شده است، پطرس آزاد شده است و هیروودیس با داوری الهی روبرو می شود. در برخی موارد ما عدالت را می بینیم؛ در موارد دیگر، به این شکل نمایان نمی شود. این باید چه چیزی درباره اینکه ما تمام پاسخ ها به پرسش هایمان را نداریم و اینکه چرا باید در رابطه با آنچه که درک نمی کنیم، با ایمان زندگی کنیم، به ما بیاموزد؟

۱۹ مرداد

جمعه

تفکری فراتر: «در دهمین باب اعمال رسولان ما همچنان نمونه دیگری از عمل فرشتگان آسمانی را داریم که به ایمان آوردن کررنلیوس و همراهانش منجر می شود. بیابید این باب ها [۸ تا ۱۰] را بخوانیم و توجه ویژه ای به آنها داشته باشیم. ما در آنها می بینیم که آسمان به مسیحیانی نزدیک تر است که در کار نجات افراد مشارکت دارند، بیش از آنچه دیگران می پندارند. ما باید از طریق ایشان همچنین درس مربوط به توجه خدا به همه انسان ها را بیاموزیم و اینکه همه باید هم نوعان خود را به عنوان یکی از

عاملان خداوند برای تحقق کارش بر روی زمین در نظر بگیریم. « — الن جی. وایت، Ellen

G. White Comments, The SDA Bible Commentary, vol. 6, p. 1059

«هنگامی که کلیسا دعا می کند، هدف خدا پیش خواهد رفت و دشمنانش نابود خواهند شد حتی اگر این باعث جلوگیری از رنج کشیدن و شهید دادن کلیسا نشود؛ باور لوقا در پیروزی انجیل کاملاً واقع بینانه است و تصدیق می کند که اگر چه کلام خدا به زنجیر کشیده نشده است، خدمتگزاران آن ممکن است متحمل رنج و حدت بشوند.» —

آی. هوارد مارشال، The Acts of the Apostles (Grand Rapids: Eerdmans, 1980), pp. 206, 207

سوالاتی برای بحث

۱. کرنلیوس به عنوان «مردی مومن که به همراه تمام خانواده اش از خدا می ترسید، توصیف شده است؛ او سخاوتمندانه به مردم صدقه می داد و دائماً نزد خدا دعا می کرد» (اعمال رسولان باب ۱۰ آیه ۲). بدیهی است که روح خدا پیش از این بسیار قبل از اینکه با پطرس ملاقات کند، در او کار می کرد. آیا ممکن است این طور باشد که زندگی عبادی او فرصتی برای خدا بود تا پیام انجیل را به او برساند؟ این داستان چه درسی به ما می آموزد؟

۲. در کلاس، بار دیگر به پرسش پایانی روز دوشنبه پردازید و این سؤال را از خود پرسید: زمینه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی که در آن زندگی می کنید چیست که این نوع تنش قومی که مسیحیان نباید داشته باشند را بوجود می آورد؟ به عبارت دیگر، در هنگام نیاز، همه ما مسیحیان چگونه می توانیم فراتر از فرهنگ و ریشه هایمان برویم؟

۳. تلاش های پولس در جفا رساندن با وجود آسیبی که داشتند، به تأثیری خوب تبدیل شدند: پناهندگانی که به انطاکیه آمدند، شروع به موعظه برای یهودیان و هلنیستی ها نمودند. در کلاس، تجربه ای شخصی از رنج و دردی را که خدا به برکت تبدیل نموده است، بیان کنید.

۴. یعقوب یکی از نزدیک ترین شاگردان عیسی بود (مرقس باب ۵ آیه ۷۳، باب ۹ آیه ۲، باب ۴۱ آیه ۳۳)؛ با این حال، او اولین نفر در بین دوازده شاگرد بود که رنج شهادت را کشید. از افراد وفاداری که ناعادلانه رنج کشیدند، چه نمونه های دیگری را در کتاب مقدس می یابیم؟ ما از این حکایت ها باید چه درس هایی درباره مسئله کلی رنج کشیدن بیاموزیم؟

نخستین سفر بشارتی پولس



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اعمال رسولان باب ۱۳؛ دوم قرنیتان باب ۴ آیات ۷ تا ۱۰؛ رومیان باب ۱۰ آیات ۱ تا ۴؛ رومیان باب ۳ آیه ۱۹؛ اعمال رسولان باب ۱۴ آیات ۱ تا ۲۶؛ رومیان باب های ۹ تا ۱۱.

آیه حفظی: «پس ای برادران عزیز، شما را معلوم باد که به وساطت او به شما از آموزش گناهان اعلام می‌شود. و به وسیله او هر که ایمان آورد، عادل شمرده می‌شود، از هر چیزی که به شریعت موسی نتوانستید عادل شمرده شوید» (اعمال رسولان باب ۱۳ آیات ۳۸ و ۳۹).

مسلماً، انجیل باید مانند یهودیان به غیر یهودیان نیز می‌رسید. این پیامی بود که به آرامی اما مطمئناً، مسیحیان یهودی تبار شروع به درک آن می‌کردند.

اولین گزارش مربوط به پیوستن غیر یهودیان به عقیده مسیحی در مقیاس بزرگ مربوط به انطاکیه می‌شود. به عبارت دیگر، در انطاکیه بود که نخستین کلیسای غیر یهودی تباران تاسیس شد با اینکه ایمانداران یهودی تبار نیز در آن حضور پیدا می‌کردند (غلاطیان باب ۲ آیات ۱۱ تا ۱۳). به دلیل شور مذهبی بنیان گذاران و انگیزه‌های جدید ارائه شده توسط ورود برنابا و پولس، کلیسا در آنجا به سرعت رشد نمود و به نخستین مرکز مهم مسیحی خارج از یهودیه تبدیل شد. در واقع، از برخی جهات از کلیسای اورشلیم پیش افتاد.

با وجود استقرار رسولان همچنان در اورشلیم، انطاکیه زادگاه ماموریت‌های بشارتی مسیحی شد. از آنجا و با حمایت اولیه ایمانداران محلی بود که پولس به سه سفر رسالتی خود رفت. به دلیل تعهد آنها بود که مسیحیت تبدیل به آنچه عیسی در نظر داشت، شد: دین جهانی، که در آن انجیل به «همه ملت‌ها، قوم‌ها، زبان‌ها و مردم» منتشر می‌شد (مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۶).

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۷ مرداد — August ۱۸ آماده شوید.

سلامیس و پافس

لوقا در اعمال رسولان باب ۱۳، صحنه را به منظور معرفی اولین سفر بشارتی پولس که دو باب کامل را دربر می‌گیرد، تغییر می‌دهد (اعمال رسولان باب های ۱۳ و ۱۴). از اینجا تا پایان کتاب، تمرکز بر پولس و مأموریت‌هایش برای غیر یهودیان می‌باشد. این اولین تلاش و مجاهدت بشارتی در اعمال رسولان است که با قصد و دقت توسط یک کلیسا طراحی شد؛ با این وجود لوقا در برجسته کردن اینکه چنین تلاشی از خدا سرچشمه می‌گیرد و ابتکار ایمانداران نمی‌باشد، مراقب است. با این وجود نکته این است که خدا تنها وقتی می‌تواند عمل کند که ما با میل و علاقه خود را در موقعیتی قرار دهیم که او بتواند از ما استفاده کند.

اعمال رسولان باب ۱۳ آیات ۱ تا ۱۲ را بخوانید. لوقا می‌خواهد بر چه نکاتی در مورد فعالیت‌های برنابا و پولس در قبرس تأکید کند؟

یک دوره دعا و روزه قبل از خروج بشارت دهندگان صورت پذیرفت؛ در این زمینه، دست‌گذاری عمل تقدیس یا تمجید فیض خدا برای کار در دست بود (اعمال رسولان باب ۱۴ آیه ۲۶). جزیره قبرس در گوشه شمال شرقی دریای مدیترانه نزدیک به انطاکیه قرار دارد. نه تنها به این دلیل که برنابا اهل قبرس بود بلکه از آنجایی که انجیل پیش از این به این جزیره رسیده بود، مکانی طبیعی برای شروع بود. با این حال، قطعاً کارهای زیادی برای انجام وجود داشت. یکبار در قبرس، برنابا و پولس — و مرقس پسر عموی برنابا (اعمال رسولان باب ۱۵ آیه ۳۹، کولسیان باب ۴ آیه ۱۰) که با آنها بود — در کنیسه‌های سلامیس موعظه کردند. این عمل همیشگی پولس بود: ابتدا موعظه در کنیسه‌ها پیش از روی آوردن به غیر یهودیان. از آنجایی که عیسی، مسیح موعود اسرائیل بود، طبیعی بود که ابتدا انجیل با یهودیان به اشتراک گذاشته شود.

پس از سلامیس، آنها به سمت غرب رفتند و (می‌توانیم فرض کنیم) در مسیر موعظه می‌کردند تا به پایتخت پافس رسیدند. روایت سپس حول محور دو فرد می‌چرخد: یک جادوگر یهودی به نام باریشوع که همچنین با نام علیما نیز معروف بود و سرجیوس پولس، فرماندار محلی رومی. روایت مثال خوبی از اینکه چگونه انجیل با پاسخ‌هایی متضاد مواجه می‌شد، ارائه می‌دهد: از یک طرف، مخالفت آشکار؛ از سوی دیگر، پذیرش وفادارانه حتی توسط با اعتبارترین غیر یهودیان. زبان اعمال رسولان باب ۱۳ آیه ۱۲ به وضوح این تبدیل را نشان می‌دهد.

فکر کنید که در این مورد این یک یهودی بود که در برابر حقیقت مقاومت نمود در حالی که یک غیر یهودی آن را پذیرفت. این چگونه ممکن است به ما در درک اینکه چرا گاهی اوقات بشارت دادن با «حقیقت حاضر» به برخی از فرقه های دیگر مسیحی از کسانی که اصلاً ایمان ندارند، دشوارتر می باشد، کمک کند؟

دوشنبه

۲۲ مرداد

پسیدیه انطاکیه: بخش اول

پولس و همراهانش از قبرس با قایق به پرجه در پمفیلیه واقع در ساحل جنوبی ترکیه امروزی رفتند. پیش از آنکه به پسیدیه انطاکیه نقل مکان کنند، لوقا دو تغییر قابل توجه را بیان می کند: پولس شخصیتی هدایتگر می شود (تا اینجا، به برنابا همیشه در اول اشاره می شد) و لوقا استفاده از نام یهودی (شائول) را متوقف می کند و او را به عنوان «پولس» خطاب می کند (اعمال رسولان باب ۱۳ آیه ۹). این احتمالاً بدین دلیل است که از این زمان به بعد پولس بیشتر خود را در محیط یونانی رومی خواهد یافت. اعمال رسولان باب ۱۳ آیه ۱۳ به بازگشتن یوحنا مرقس به اورشلیم اشاره می کند. در آیات ما هیچ اشاره ای به دلیل رفتن مرقس نمی بینیم. الن جی. وایت نوشت که «مرقس که به دلیل مشکلات پیش رویشان با ترس و دلسردی مواجه شد، وحشت کرد و تمام شجاعت خود را از دست داد، از ادامه دادن سر باز زد و به اورشلیم بازگشت» — *The Acts of the Apostles, p. 170*. خدا هرگز وعده نداد که این آسان خواهد بود. در مقابل، پولس از همان ابتدا می دانست که خدماتش برای عیسی شامل رنج کشیدن های بسیار خواهد بود (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۱۶)، اما یاد گرفت که به طور کامل بر قدرت خدا تکیه کند و راز قدرتش را از آن بگیرد (دوم قرن تیان باب ۴ آیات ۷ تا ۱۰).

اعمال رسولان باب ۱۳ آیه ۳۸ را بخوانید. اساس پیام پولس در کنیسه انطاکیه چه بود؟

اعمال رسولان باب ۱۳ آیات ۱۶ تا ۴۱ شامل نخستین موعظه های پولس می باشد که در عهد جدید ثبت شده. البته این اولین موعظه پطرس نبود و شکی نیست که تنها نشان دهنده خلاصه ای از آنچه گفت، می باشد.

این موعظه به سه بخش اصلی تقسیم شده است. با باورهای مشترک درباره انتخاب شدن اسرائیل توسط خدا و پادشاهی داود آغاز می شود (اعمال رسولان باب ۱۳ آیات ۱۷ تا ۲۳)؛ این بخش در نظر دارد که نقطه تماسی با مخاطبان یهودی او برقرار سازد. سپس،

عیسی را به عنوان تحقق وعده های خدا از کسی از نسل داود که توانست نجات را برای اسرائیل به همراه آورد، ارائه می دهد (اعمال رسولان باب ۱۳ آیات ۲۴ تا ۳۷). بخش پایانی، یک هشدار در برابر انکار نجات ارائه شده از طریق عیسی می باشد (اعمال رسولان باب ۱۳ آیات ۳۸ تا ۴۱).

اوج این خطبه آیات ۳۸ و ۳۹ می باشند که هسته پیام پولس در مورد عدالت را در بر دارند. بخشش و عدالت تنها از طریق عیسی در دسترس هستند و نه از طریق احکام موسی. این آیات نمی گویند که شریعت منسوخ شده است. تنها ناتوانی آن در انجام دادن آنچه یهودیان انتظار داشتند، یعنی عدالت را برجسته می سازد (رومیان باب ۱۰ آیات ۱ تا ۴). چنین امتیازی تنها به عیسی مسیح تعلق دارد (غلاطیان باب ۲ آیه ۱۶).

اینکه نجات تنها از طریق عیسی میسر می باشد، به چه معناست؟ شما چگونه با ضرورت نگه داشتن احکام اخلاقی خدا کنار می آید، با این واقعیت که شریعت قادر به تبرئه نمودن نمی باشد؟

۲۳ مرداد

سه شنبه

پسیدیه انطاکیه: بخش دوم

اعمال رسولان باب ۱۳ آیات ۳۸ و ۳۹، مسئله ناتوانی شریعت در تبرئه نمودن، یک مفهوم اصول اعتقادی مهم را ارائه می دهند. شریعت با وجود ویژگی الزام آور فرامین اخلاقی آن، قادر به تبرئه نمودن نمی باشد، زیرا اطاعت عالی در کسانی که آن را نگه می دارند، بوجود نمی آورند (اعمال رسولان باب ۱۵ آیه ۱۰، رومیان باب ۸ آیه ۳). حتی اگر شریعت می توانست اطاعت عالی در ما بوجود آورد، آن اطاعت عالی نمی تواند کفاره گناهان گذشته ما را بدهد (رومیان باب ۳ آیه ۱۹؛ غلاطیان باب ۳ آیات ۱۰ و ۱۱). به این دلیل است که تبرئه شدن حتی تا حدی هم قابل دستیابی نمی باشد. ما تنها می توانیم آن را با ایمان به قربانی شدن کفاره ای عیسی دریافت کنیم (رومیان باب ۳ آیه ۲۸؛ غلاطیان باب ۲ آیه ۱۶)، موهبتی که ما استحقاق آن را نداریم. اطاعت هر چقدر هم که ممکن است در زندگی مسیحی مهم باشد، نمی تواند برای ما نجات بدست آورد.

اعمال رسولان باب ۱۳ آیات ۴۲ تا ۴۹ را بخوانید. واکنش کنیسه از برابر پیام پولس چه بود؟

باوجود کلام تندی که پولس در خاتمه پیام خود داشت، واکنش اکثر افراد در کنیسه بسیار مطلوب بود. با این وجود، در سبت بعدی، همه چیز به شدت تغییر نمود. بسیار

محتمل است که «یهودیانی» که پیام انجیل را انکار می کردند، رهبران کنیسه بودند که نشان دهنده یهودیت رسمی بودند. لوقا برخورد بی رحمانه آنها در برابر پولس را به حسادت نسبت می دهد.

در دنیای کهن، چندین جنبه یهودیت، مانند توحید، شیوه زندگی و حتی روز سبت، جذابیتی قوی میان غیریهودیان بوجود آوردند و بسیاری از آنها با عنوان نو ایمان به یهودیت پیوستند. با این حال، مختون شدن مانعی جدی بود، زیرا عملی وحشیانه و نفرت انگیز در نظر گرفته می شد. در نتیجه بسیاری از غیریهودیان برای عبادت خدا بدون اینکه رسماً به یهودیت بپیوندند، به کنیسه می رفتند. آنها به «خدا ترسان» معروف بودند و ممکن است این خدا ترسان به همراه نو ایمانان کنیسه انطاکیه (اعمال رسولان باب ۱۳ آیات ۱۶ و ۴۳) بودند که به انتشار خبر در مورد پیام پولس در میان مردم به طور کلی کمک کردند و تعدادشان زیاد شد. احتمال تجربه نجات بدون اینکه ابتدا به یهودیت بپیوندند، بدون شک برای بسیاری بویژه جذاب بود.

این ممکن است به توضیح حسادت رهبران یهودی کمک کند. در بسیاری موارد، آنها با انکار انجیل، نه تنها خود را از نجات خدا محروم می کردند، بلکه پولس و برناباس را رهایی می دادند که توجه کاملشان را به غیریهودیان اختصاص دهند که خدا را برای دخیل نمودن آنها در نقشه نجات، حمد و سپاس می گفتند.

چهارشنبه

۲۴ مرداد

قونیه

مقامات محلی تحت تحریک رهبران یهودی در انطاکیه، گروهی از مردم را بر ضد پولس و برنابا برانگیختند و آنها را از شهر فراری دادند (اعمال رسولان باب ۱۳ آیه ۵۰). با این وجود، حواریون با شادی و روح القدس پر شده بودند (اعمال رسولان باب ۱۳ آیه ۵۲). مبلغان سپس به شهر قونیه رسیدند.

اعمال رسولان باب ۱۴ آیات ۱ تا ۷. نتیجه فعالیت های پولس و برنابا در قونیه چه بود؟

در قونیه، پولس و برنابا به فعالیت هایشان در ابتدا یهودیان را قبل از غیر یهودیان مخاطب خود قرار دادند. موعظه پولس در انطاکیه (اعمال رسولان ۱۳ آیات ۱۶ تا ۴۱)، دلیل اصلی اولویت داشتن یهودیان در مأموریت آنها را ارائه می دهد: انتخاب اسرائیل با تمام آنچه در بر داشت (رومیان باب ۳ آیه ۲، باب ۹ آیات ۴ و ۵)، و تحقق وعده خدا از آمدن نجات دهنده ای از نسب داود. با وجود این واقعیت که بسیاری از یهودیان انجیل

را انکار می کردند، پولس هرگز توجه اساسی به تغییر کیش یهودیان را از دست نداد. در رومیان باب های ۹ تا ۱۱، پولس به وضوح بیان می کند که «از نسل یعقوب بودن دلیل نمی شود که همه، اسرائیلی حقیقی باشند» (رومیان با ۹ آیه ۶) و اینکه این تنها بدلیل رحمت خداست که بطور کلی برخی از یهودیان ایمان دارند. خدا قوم خود را طرد نکرد، اما «در حال حاضر تعداد کمی که خدا بر اثر فیض خود برگزیده است، وجود دارد» (رومیان باب ۱۱ آیه ۵). پولس به موعظه انجیل به غیر یهودیان ادامه داد، اگر چه بر این باور بود که روزی، یهودیان بیشتری به عیسی ایمان خواهند آورد.

«استدلال پولس در باب های ۹ تا ۱۱ رومیان، توضیح بیشتری ارائه می دهد از بشارت راهبردی که او در روایت اعمال رسولان دنبال می کند و همه نسل های مسیحی را با اهمیت الهی شهادت دادن به ناباوران یهودی روبرو می سازد.» — دیوید جی. پترسون، David G. Peterson, *The Acts of the Apostles* (Grand Rapids: Eerdmans, 2009), p. 401

شرایط آنچنان با انطاکیه متفاوت نبود. اولین واکنش یهودیان و غیر یهودیان به انجیل پولس به شدت مثبت بود، اما باز هم ناباوران یهودی، احتمالاً رهبران محلی جامعه یهودی، جلوی غیر یهودیان را گرفتند و ذهن های خود را علیه مبلغان پر کردند، که باعث ایجاد تفرقه میان مردم شد. همچنانکه مخالفان نقشه حمله به پولس و برنابا و بدنام کردن آنها را می کشیدند، دو مبلغ مسیحی تصمیم گرفتند شهر را ترک کنند و به شهر بعدی بروند.

مردم یهودی بیش از شنیدن انجیل بطور صرف، نیاز داشتند آن را در زندگی کسانی که نام عیسی را اظهار می کردند، ببینند. اگر شما آشنایان یهودی دارید، چه نوع شهادتی به ایشان ارائه می دهید؟

۲۵ مرداد

پنجشنبه

لستره و دربه

مکان بعدی که پولس و برنابا از آن بازدید نمودند، لستره، یک روستای گمنام در تقریباً ۲۹ کیلومتری جنوب غربی قونیه بود. اگر چه آنها در آنجا زمانی را گذراندند (اعمال رسولان باب ۱۴ آیات ۶ و ۷ و ۱۵)، لوقا تنها یک روایت و تحولات آن را بیان می کند: شفا یافتن مرد لنگ، احتمالاً یک گدا که از زمان تولد از آن بیماری رنج می برد.

اعمال رسولان باب ۱۴ آیات ۵ تا ۱۹ را بخوانید. واکنش آنها نسبت به پولس، چه چیزی درباره عمق غرق شدن این مردم در جهل را نمایان می سازد؟

جمعیت چنان تحت تأثیر معجزه قرار گرفته بود که پولس و برنابا را به جای خدا گرفتند — برنابا برای ژئوس، خدای عالی مرتبه زیارتگاه یونانی و پولس برای هرمس، همراه و سخنگوی ژئوس. در واقع، مردم می خواستند برای آنها قربانی ارائه کنند. اُوید (Ovid)، شاعر لاتین در گذشته افسانه ای از این دو رب النوع بیان کرده است که به انسان تبدیل شده و از شهری در همان منطقه بازدید کردند («تپه های فریگیا») و به دنبال جایی برای استراحت بودند. بر اساس این افسانه، یک زوج سالخورده فروتن آنها را با مهربانی و مهمان نوازی میزبانی نمودند؛ سایر مردم بی تفاوت بودند. این زوج بدلیل مهربانی و مهمان نوازشان نسبت به بازدید کنندگان ناشناس، خانه خود را به یک معبد و خود را به کاهن تبدیل نمودند، در حالی که بقیه شهر کاملاً ویران شد (Metamorphoses 611—724).

با وجود متداول بودن چنین روایتی در منطقه، واکنش مردم به معجزه پولس جای تعجب ندارد. این روایت همچنین به توضیح اینکه چرا جمعیت فرض نمودند که مبلغان، آن دو رب النوع بودند و نه برای مثال اسقلیبوس، خدای شفا، کمک می کند. با این وجود پولس و برنابا توانستند آنها را از پرستش نادرست خود متوقف کنند. در پایان، برخی از مخالفان از انطواکیه و قونیه وضعیت را بطور کامل تغییر دادند و پولس سنگسار شد و مرده تصور شد.

اعمال رسولان باب ۱۴ آیات ۲۰ تا ۲۶ را بخوانید. پولس و برنابا در کجا سفر خود را به پایان رساندند؟ و آنها در مسیر بازگشت چه کاری انجام دادند؟

پولس گفت: «برای داخل شدن به پادشاهی خدا ما باید از راه های بسیار سختی بگذریم» (اعمال رسولان باب ۱۴ آیه ۲۲). معنای این چیست؟ شما احتمالاً چگونه آنچه او در اینجا می گوید را تجربه کرده اید؟ مهم تر از همه اینکه، چگونه می توانید از هر گونه «سختی» که با آن روبرو هستید، پیاموزید که در ایمان رشد کنید؟

۲۶ مرداد

جمعه

تفکری فراتر: «مسیح در طول زندگی اش بر روی زمین، بدنبال هدایت یهودیان به خارج از انحصار طلبی شان بود. ایمان آوردن یوزباش و زن، نمونه هایی از کار مستقیم او خارج از دانش مردم اسرائیل بودند. اکنون زمان کار فعال و مستمر میان غیر یهودیان رسیده بود که همه اجتماع های آنها با کمال میل انجیل را دریافت کردند و خدا را برای نور ایمانی هوشمند جلال دادند. بی ایمانی و کینه توزی یهودیان باعث نشد که هدف خدا انجام نشود؛ زیرا که اسرائیلی جدید به

درخت زیتون قدیمی پیوند خورد. کنیسه‌ها بر روی رسولان بسته بودند؛ اما خانه‌های خصوصی برای استفاده ایشان باز بود و ساختمان‌های عمومی غیر یهودیان نیز برای موعظه کلام خدا مورد استفاده قرار می‌گرفت.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, Sketches From the Life of Paul, p. 51

«پولس و برنابا در تمام تلاش‌های تبلیغی خود بدنبال پیروی از الگوی مسیح در تمایل برای فداکاری و قربانی شدن و کار مشتاقانه برای انسان‌ها بودند. آنها کاملاً هوشیار، با غیرت و خستگی‌ناپذیر بدنبال راحتی شخصی و یا سهولت نبودند بلکه با دعای مشتاقانه و فعالیت پایان‌ناپذیر بذر حقیقت را کاشتند. و با کاشتن این بذر، رسولان مراقب بودند به تمام کسانی که جای ایشان را در تلاش برای انجیل می‌گرفتند، آموزش‌های عملی که بسیار گرانبها بود، بدهند. این روحیه با حرارت و ترس خدایی، بر ذهن شاگردان جدید تأثیری ماندگار در مورد اهمیت پیام انجیل به جا گذاشت.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 186

سوالاتی برای بحث

۱. در مورد روایت فرار مرقس زمانی که شرایط دشوار شد، بیشتر تفکر کنید. پولس و برنابا بعدها مشاجره‌ای بر سر مرقس داشتند زمانی که برنابا می‌خواست بار دیگر از او استفاده کند اما پولس مایل نبود (اعمال رسولان باب ۱۵ آیه ۳۷ را ببینید). با این وجود سال‌ها بعد، پولس چنین نوشت: «مرقس را بردار و با خود بیاور، چون برای کارم مفید است» (دوم تیموتائوس باب ۴ آیه ۱۱). در اینجا چه درس‌هایی برای ما در مورد کسانی که در شرایط خاص، نسبت به فراخوانده شدنشان بی‌ایمان می‌شوند، وجود دارد؟
۲. پاسخ پولس و برنابا به مردم اهل لستره زمانی که آنها را با خدایان اشتباه گرفتند، بررسی کنید (اعمال رسولان باب ۱۴ آیات ۱۴ تا ۱۸). زمانی که ما وسوسه می‌شویم برای آنچه خدا انجام داده است اعتبار یابیم، چگونه می‌توانیم واکنش نشان دهیم؟
۳. اعمال رسولان باب ۱۴ آیات ۲۱ تا ۲۳ را بخوانید. بر اساس نمونه پولس و برنابا، ما به صورت فردی و به عنوان یک کلیسا برای تقویت نمودن و یا پرورش ایمان نوکیشان چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟
۴. چگونه می‌توانیم اطمینان یابیم که اجازه ندهیم رسوم ساخته دست انسان و یا حتی باورهایی که برای مدت‌های طولانی داشتیم، در مسیر پیشرفت حقیقت قرار نگیرند، مانند آنچه رهبران دینی مخالف پولس انجام دادند؟

شورای اورشلیم



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اعمال رسولان باب ۱۵؛ غلاطیان باب ۲ آیات ۱۱ تا ۱۳؛ خروج باب ۱۲ آیات ۴۳ تا ۴۹؛ رومیان باب ۳ آیه ۳۰؛ لائویان باب ۱۸ آیه ۳۰؛ مکاشفه یوحنا باب ۲ آیات ۱۴ و ۲۰.

آیه حفظی: «بلکه اعتقاد داریم که محض فیض خداوند عیسی مسیح نجات خواهیم یافت، همچنان که ایشان نیز» (اعمال رسولان باب ۱۵ آیه ۱۱).

با گذشت بیش از دو سال، پولس و برنابا به انطاکیه سوریه بازگشتند. به این دلیل که کل کلیسای آنجا در فرستادن آنها به عنوان مبلغ نقش داشت، طبیعی بود که آنها به کلیسا گزارش دهند. با این وجود، تأکید گزارش بر آنچه آنها انجام داده بودند نبود بلکه بر آنچه خدا از طریق ایشان انجام داده بود، اشاره داشت.

البته هدف گزارش، موفقیت مأموریت در میان غیر یهودیان بود، اگر چه بسیاری از یهودیان نیز ایمان آوردند. با این وجود، از زمان حادثه کرنلیوس، ایمان آوردن غیر یهودیان نامختون به یک موضوع مورد بحث تبدیل شده بود (اعمال رسولان باب ۱۱ آیات ۱ تا ۱۸)، اما اکنون که گروهی زیادی از آنها به عضویت کلیسا پذیرفته می شدند، شرایط بویژه پیچیده تر می شد. بسیاری از ایمانداران در اورشلیم خوشحال نبودند. برای ایشان، غیر یهودیان باید ابتدا مختون می شدند، یعنی به نو ایمانانی یهودی تبدیل می شدند تا بتوانند جزیی از قوم خدا بشوند و با آنها هم نشینی و اخوت داشته باشند.

اعمال رسولان باب ۱۵ بطور کامل در مورد رسیدن مشکل غیر یهودیان به سطحی بحرانی و کار کلیسا برای پیدا کردن یک راه حل می باشد. شورای اورشلیم نقطه عطفی در تاریخ کلیسای وابسته به رسولان در رابطه با مأموریت جهانی آن بود.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۳ شهریور - ۲۵ August آماده شوید.

نکته ای در باره موضوع مورد بحث

از همان ابتدا، کلیسای انطاکیه شامل یهودیان (هلنیستی) و غیر یهودیان نامختون (اعمال رسولان باب ۱۱ آیات ۱۹ تا ۲۱، غلاطیان باب ۲ آیات ۱۱ تا ۱۳) بود که ظاهراً در مشارکتی مسالمت آمیز با یکدیگر زندگی می کردند. با این وجود این مشارکت با ورود گروهی از ایمانداران از اورشلیم از هم پاشید.

اعمال رسولان باب ۱۵ آیات ۱ تا ۵ را بخوانید. کلیسا با چه مشکلی روبرو بود؟

آن دسته از اهالی یهودیه که بطور سنتی یهودی مسلک نامیده می شدند، احتمالاً همان هایی هستند که در آیه ۵ به عنوان فرقه فریسیان مشخص شده بودند. حضور فریسیان در کلیسا نباید باعث شگفت زدگی ما بشود، زیرا پولس خود قبل از ایمان آوردن یک فریسی بود (فیلیپیان باب ۳ آیه ۵). به نظر می رسد این گروه با ابتکار عمل خود به انطاکیه رفته بود (اعمال رسولان باب ۱۵ آیه ۲۴)، اگر چه حادثه دیگری که کمی بعد در انطاکیه اتفاق افتاد، نشان می دهد که اکثر یهودیان از جمله رسولان با حضور غیر یهودیان نامختون در کلیسا راحت نبودند (غلاطیان باب ۲ آیات ۱۱ تا ۱۳).

پولس در رساله خود به غلاطیان در باره یهودی مسلکان که آنان را بعنوان آشوبگر خطاب می کند نظر مثبتی ارائه نمی کند (غلاطیان باب ۱ آیه ۷ و باب ۵ آیه ۱۰) و برادران کذب (غلاطیان باب ۲ آیه ۴)، که انگیزه اصلی ایشان تضعیف آزادی روحانی انجیل و به اسارت گرفتن غیر یهودیان ایماندار به بردگی قانون گرایی بود.

به بیان دقیق تر نقطه نظر ایشان ساده بود: اگر غیر یهودیان ختنه نمی شدند و احکام تشریفاتی یهودی را رعایت نمی کردند، نمی توانستند نجات یابند. نجات — چنانچه آنها باور داشتند — تنها باید در جامعه عهد خدا یافت می شد و بر طبق عهد قدیم، راه دیگری برای پیوستن به قوم منتخب خدا به جز از طریق ختنه شدن وجود نداشت (پیدایش باب ۱۷ آیات ۹ تا ۱۴، خروج باب ۱۲ آیه ۴۸). بطور خلاصه اگر غیر یهودیان ابتدا به مسلک یهودی وارد نمی شدند، نمی توانستند نجات یابند.

البته پولس و برنابا نمی توانستند با چنین شرایطی که بر خلاف ماهیت انجیل بود، موافقت کنند. با این وجود، رویکرد تهاجمی بازدید کنندگان اهل یهودیه یک بحث داغ بوجود آورد؛ واژه در اعمال رسولان باب ۱۵ آیه ۲ (مناظره)، مفهوم «درگیری» و «اختلاف نظر» دارد. با این حال، مسئله مهم تر این بود که در سطح محلی به آن رسیدگی شود.

اتحاد کلیسا در خطر بود. آنگاه برادران انطاکیه تصمیم گرفتند تا تعدادی نماینده از جمله پولس و برنابا را برای یافتن راه حل به اورشلیم راهی کنند.

خود را به جای یهودی مسلکان بگذارید. چه استدلال هایی برای دعوی خود می توانستید بیاورید؟

۲۹ شهریور

دوشنبه

ختنه

یکی از مسائل بزرگ در این درگیری، ختنه بود. این یک نهاد انسانی نبود (با متی باب ۱۵ آیات ۲ و ۹ مقایسه کنید). بلکه توسط خدا به عنوان نشانه عهدش با فرزندان ابراهیم به عنوان قوم برگزیده خود داده شد (پیدایش باب ۱۷ آیات ۹ تا ۱۴).

خروج باب ۱۲ آیات ۴۳ تا ۴۹ را بخوانید. علاوه بر اسرائیلی زاده بودن، چه افراد دیگری باید ختنه می شدند؟

برکات عهد تنها به اسرائیلی زادگان محدود نمی شد، بلکه به هر برده یا غریبه ساکن آنجا که مایل به تجربه آن بود تعمیم می یافت، مشروط بر اینکه آن فرد ذکور ختنه می شد. فرد غریبه پس از مختون گشتن، وضعیتی مشابه با اسرائیلی زادگان در برابر خدا پیدا می کرد: «او مانند اهالی آنجا خواهد بود» (خروج باب ۱۲ آیه ۴۸).

بنابراین مختون شدن برای عضویت کامل در جامعه عهد خدا، (برای مردان) ضروری بود. و از آنجایی که عیسی، مسیح موعود اسرائیل بود، طبیعی به نظر می رسید که یهودی مسلکان بر این تأکید کنند که هیچ غیر یهودی بدون اینکه ابتدا یهودی شود، بتواند از نجات او بهرمنند گردد.

رومیان باب ۳ آیه ۳۰، اول قرنیتیان باب ۷ آیه ۱۸، غلاطیان باب ۳ آیه ۲۸ و باب ۵ آیه ۶ را بخوانید. درک پولس از ختنه چه بود؟

این مردان با گفتن اینکه هیچ غیر یهودی نمی توانست بدون اینکه ابتدا به یهودیت بپیوندد، نجات یابد، دو مفهوم مجزا را با هم در می آمیختند: عهد و نجات. عضویت در جامعه عهد

خدا نجات را تضمین نمی کرد (ارمیا باب ۴ آیه ۴، باب ۹ آیه ۲۵). علاوه بر این، ابراهیم خود بواسطه ایمان نجات یافت (عادل شمرده شد). که قبلاً اتفاق افتاد و بدلیل مختون بودن او نبود (رومیان باب ۴ آیات ۹ تا ۱۳). نجات همواره از طریق ایمان بوده است، در حالی که عهد شرطی سخاوتمندانه بود که خدا از طریق آن خود و نقشه نجاتش را به تمام جهان می شناساند. اسرائیل برای این منظور انتخاب شده بود (پیدایش باب ۱۲ آیات ۱ تا ۳).

با این وجود مشکل این بود که این ایمانداران با مرتبط ساختن بیش از حد عهد و نجات، ختنه را به عنوان یک عمل شایسته می دیدند. با این حال، فضل نجات بخش خدا جایی که کارهای انسان عمل می کند، فعالیت نمی کند. بنابراین تحمیل نمودن ختنه بر ایمانداران غیر یهودی به عنوان وسیله ای برای نجات، تحریف از حقیقت انجیل (غلاطیان باب ۱ آیه ۷، باب ۲ آیات ۳ تا ۵)، باطل نمودن فیض خدا (غلاطیان باب ۲ آیه ۲۱) و سودمند نبودن عیسی (غلاطیان باب ۵ آیه ۲) بود. بعلاوه، این انکار ویژگی جهانی نجات بود (کولسیان باب ۳ آیه ۱۱، تیتس باب ۲ آیه ۱۱). پولس هرگز نمی توانست با چنین طرز تفکری موافقت کند.

این اندیشه چه خطری در بر دارد، که نجات صرفاً از عضویت در کلیسای مناسب حاصل می شود؟

۳۰ مرداد

سه شنبه

مناظره

اعمال رسولان باب ۱۵ آیات ۷ تا ۱۱ را بخوانید. پطرس در مناظره اورشلیم چه گفت؟

البته لوقا به شرح تمام مراحل جلسه نمی پردازد. برای مثال دانستن استدلال های حمایتی یهودی مسلکان (اعمال رسولان باب ۱۵ آیه ۵) و پاسخ های پولس و برنابا (اعمال رسولان باب ۱۵ آیه ۱۲) جالب توجه خواهد بود. واقعیت این است که ما تنها سخنان پطرس و یعقوب را داریم، حاکی از این که این مردان در میان رسولان از اهمیت ویژه ای برخوردار بودند.

پطرس در سخنرانی خود، رسولان و بزرگان را خطاب قرار داد و تجربه خود با کرنلیوس در سال ها قبل را به ایشان یادآوری نمود. استدلال او در اصل همانی بود که در برابر برادران در اورشلیم بکار برده بود (اعمال رسولان باب ۱۱ آیات ۴ تا ۱۷). تایید خدا از ایمان آوردن کرنلیوس (اگرچه ختنه نشده بود)، با همان عطای روح که در روز پنطیکاست به رسولان داده بود، نشان داده شد.

خدا در مشیت الهی خویش، هیچ کس را بیش از پطرس برای متقاعد ساختن ایمانداران یهودیه بکار نبرد زیرا که او در رابطه با نجات، هیچ تمایزی میان یهودیان و غیریهودیان

قائل نبود. حتی اگر ایمانداران غیریهودی تبار فاقد مزایای پاک کننده قوانین و مقررات عهد قدیم بودند، دیگر نباید ناپاک تلقی می شدند، زیرا شخص خدا قلب های ایشان را تظهير نموده بود. بیانیه پایانی پطرس بسیار شبیه به آنچه از پولس انتظار می داشتیم، بود: «اعتقاد داریم که محض فیض خداوند عیسی مسیح نجات خواهیم یافت، همچنان که ایشان نیز» (اعمال رسولان باب ۱۵ آیه ۱۱).

اعمال رسولان باب ۱۵ آیات ۱۳ تا ۲۱ را بخوانید. یعقوب چه راه حل هایی را برای مشکل غیریهودیان پیشنهاد نمود؟

سخنرانی یعقوب حاکی از اقتدار بود (با اعمال رسولان باب ۱۲ آیه ۱۷، باب ۲۱ آیه ۱۸ و غلاطیان باب ۲ آیات ۹ تا ۱۲ مقایسه کنید). صرف نظر از آنچه یعقوب ممکن است بواسطه بازسازی خیمه داود درک کرده باشد، که در پیشگویی عاموس به بازگرداندن دودمان داود اشاره دارد (عاموس باب ۹ آیات ۱۱ و ۱۲)، هدف اصلی او نشان دهنده این بود که خدا به نوعی شرایط را برای پیوستن غیریهودیان به قوم احیا شده خود مهیا ساخته بود و از این رو، آنها می توانستند با اسرائیل متحد شوند. به این دلیل، تصمیم او این بود که محدودیت بیشتری نباید به ایمان آورندگان غیر یهودی تحمیل شود به غیر از مقرراتی که معمولاً نسبت به بیگانگانی که مایل بودند تا در سرزمین اسرائیل زندگی کنند اعمال می شد.

۳۱ مرداد

چهارشنبه

حکم رسالتی

اعمال رسولان باب ۱۵ آیات ۲۸ و ۲۹ را بخوانید. چهار ممنوعیتی که شورا برای به ایمان آوران غیریهودی ملزم کرده بود، چه بودند؟

مسئله اصلی که شورا برای آن گرد هم آمد، به طور رضایت بخشی حل و فصل شد. از آنجایی که نجات از طریق فیض است، ایمانداران غیریهودی در زمان پیوستن به کلیسا از ختنه معاف شدند. با این حال، آنها باید از چهار چیز پرهیز می کردند: (۱) گوشت ارائه شده در قربانی به بت ها در آیین های بت پرستی که در جشن های معبد ارائه می شد و یا در بازار فروخته می شد؛ (۲) مصرف خون؛ (۳) گوشت حیوانات خفه شده، یعنی گوشت حیواناتی که خون آنها ریخته نشده بود؛ (۴) و فساد جنسی در اشکال مختلف.

اکثر مسیحیان امروزه ممنوعیت های غذایی را (ممنوعیت های ۱ تا ۳) به عنوان توصیه های موقت در نظر می گیرند. از آنجایی که آن چیزها بویژه برای یهودیان منفور بودند، ممنوعیت ها — آنها چنین استدلال می کنند — تنها برای از بین بردن شکاف میان ایمانداران یهودی تبار و غیر یهودی تبار در نظر گرفته شده بودند. همچنین اغلب ادعا می شود که تمام احکام دیگر عهد قدیم، از جمله احکام غذایی لایوان (لایوان باب ۱۱) و فرمان سبت (خروج باب ۲۰ آیات ۸ تا ۱۱) که در فهرست وجود ندارند، دیگر برای مسیحیان الزام آور نمی باشند. با این وجود، حکم به اصطلاح رسالتی نه موقتی و نه یک برنامه جدید اخلاقی مسیحی بود که همه چیز دیگر مربوط به عهد قدیم را مانع شود. در واقع، رسولان و بزرگان کلیسا تحت هدایت روح القدس، مقررات لایوان باب های ۱۷ و ۱۸ که تنها مربوط به بیگانگان مقیم اسرائیل بودند را کاهش دادند.

در متن لایوان، این ممنوعیت ها به معنی چشم پوشی از بت پرستی می باشند. و هر بیگانه ای که مایل به زندگی کردن در اسرائیل بود باید آن اعمال بت پرستانه را که با آنها بزرگ شده بود، ترک می کرد (لایوان باب ۱۸ آیه ۳). به همین ترتیب، هر ایماندار غیر یهودی تبار که مایل به پیوستن به کلیسا بود، باید موضعی محکم در برابر بت پرستی اتخاذ می نمود. با این وجود این تنها اولین گام بود. فرد هنگامی که وارد کلیسا می شد، بطور طبیعی انتظار می رفت که اراده خدا را انجام دهند، با اطاعت کردن از آن فرمان هایی که جهانی و قبل از موسی داده شده بودند و ذاتاً تشریفاتی نبودند مانند سبت (پیدایش باب ۲ آیات ۱ تا ۳) و پیروی از تمایز قائل شدن میان غذای پاک و ناپاک (پیدایش باب ۷ آیه ۲). برای مثال، اینکه فرمان موقتی نبود از مکاشفه یوحنا باب ۲ آیات ۱۴ و ۲۰ مشخص است، جایی که نخستین و آخرین ممنوعیت ها تکرار شدند و بطور ضمنی دو ممنوعیت دیگر را نیز در بر دارند. در حقیقت، شواهد تاریخی نشان می دهند که فرمان همچنان مدت ها پس از دوره عهد جدید به عنوان یک هنجار در نظر گرفته می شد.

هنگامی که اختلافات بوجود می آید، چگونه می توانیم بیاموزیم که گرد هم آییم و به یکدیگر گوش بدهیم و با روحیه احترام و تواضع مسائل را حل کنیم؟

۱ شهریور

پنجشنبه

نامه ای از اورشلیم

اعمال رسولان باب ۱۵ آیات ۲۲ تا ۲۹ را بخوانید. چه اقدامات دیگری در رابطه با تصمیم شورا توسط کلیسای اورشلیم گرفته شد؟

نخستین اقدام، نوشتن یک نامه به ایمانداران غیر یهودی تبار به منظور اطلاع دادن تصمیم گرفته شده به ایشان بود. نامه که در نام رسولان و بزرگان اورشلیم نوشته شد، مدرکی رسمی بود که رهبری کلیسای اورشلیم را که مطمئناً بدلیل رهبری رسولان بود بر سایر اجتماع های مسیحی نشان می داد. این نامه که در سال ۴۹ پس از میلاد مسیح که محتمل ترین تاریخ شورا می باشد، نوشته شد یکی از ابتدایی ترین اسناد مسیحی موجود می باشد.

کلیسای اورشلیم همچنین تصمیم گرفت دو نماینده، یهودا و سیلاس را برای همراهی کردن پولس و برنابا به انطاکیه انتخاب کنند؛ انتصاب ایشان برای رساندن نامه و تأیید محتوای آن بود.

اعمال رسولان باب ۱۵ آیات ۳۰ تا ۳۳ را بخوانید. کلیسای انطاکیه چگونه به این نامه واکنش نشان داد؟

هنگامی که نامه خوانده شد، کلیسا بدلیل پیام دلگرم کننده از غرق در شادی شد: ایمان آوران غیر یهودی ملزم به ختنه شدن نبودند. آنها همچنین هیچ اعتراضی به مطالبات نامه نکردند (چهار فرمان رسالتی). نخستین تفرقه جدی در کلیسای اولیه دست کم در حد نظریه، از این رو از میان رفت.

در پایان شورا، انجیل پولس به صورت کامل توسط رهبران کلیسای اورشلیم به رسمیت شناخته شد، کسانی که به او و برنابا به نشانه پذیرش و اطمینان، دست راست مشارکت را به ایشان سپردند (غلاطیان باب ۲ آیه ۹). با این وجود، آن مسیحیان یهودی که به زندگی کردن با احکام یهودی ادامه دادند، همچنان همنشینی با غیر یهودیانی که به هر صورت از نظر رسوم ناپاک باقی ماندند، برایشان بسیار دشوار بود.

برای مثال، این مسئله توسط حادثه مربوط به پطرس در غلاطیان باب ۲ آیات ۱۱ تا ۱۴ نشان داده شده است. الن جی. وایت می گوید، «حتی حواریون همگی برای پذیرش تصمیم شورا راغب نبودند.» — The Acts of the Apostles, p. 197

با خودتان صادق باشید: برای شما همنشینی با ایمانداران از نژادها، فرهنگ ها و حتی طبقات اجتماعی دیگر تا چه حد دشوار است؟ چگونه می توانید از این نگرش قطعاً ضد انجیل رهایی یابید؟

۲ شهریور

جمعه

تفکری فراتر: «ایمان آوران یهودی بطور کلی مایل به پیشرفت با سرعت مشیت های الهی نبودند. از نتیجه کارهای رسولان در میان غیر یهودیان مشخص بود که ایمان

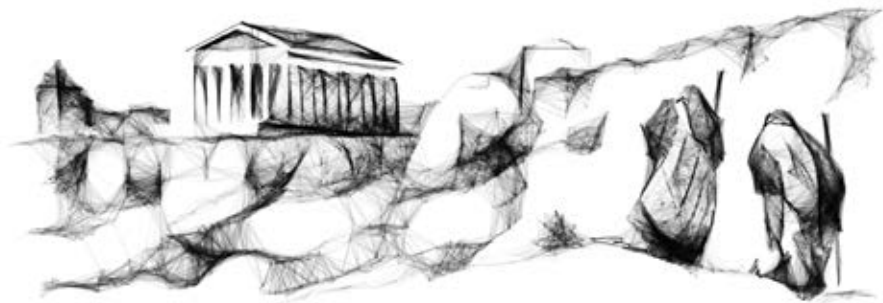
آوران میان غیر یهودیان تعدادشان از ایمان آوران یهودی بسیار بیشتر می شد. یهودیان می ترسیدند که اگر محدودیت ها و مراسم احکامشان برای غیر یهودیان به عنوان شرط مشارکت در کلیسا الزامی نشود، ویژه گی های ملی یهودیان که تاکنون ایشان را از سایر مردم مجزا نموده بودند، در نهایت از میان کسانی که پیام انجیل را دریافت می کردند، ناپدید شوند.» الن جی. وایت، Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 189

«مسیحیان یهودی که در اطراف معبد زندگی می کردند بطور طبیعی اجازه می دادند که ذهن هایشان امتیازهایی ویژه برای ملت یهودی در نظر بگیرند. هنگامی که ایشان جدا شدن کلیسای مسیحی از تشریفات و سنت های یهودی را دیدند و احساس کردند که تقدس خاصی که رسوم یهودی بواسطه آنها بوجود آمده بودند در رابطه با ایمان جدید بی اهمیت می شدند، بسیاری نسبت به پولس به عنوان کسی که تا حد زیادی باعث این تغییر شده بود، خشمگین شدند. حتی تمام حواریون با کمال میل آماده پذیرش تصمیم شورا نبودند. برخی در مورد احکام تشریفاتی متعصب بودند و آنها از پولس خشمگین بودند زیرا فکر می کردند که اصول او در رابطه با تعهدات احکام یهودی سهل انگاری بودند.» — Page 197

سوالاتی برای بحث

۱. در کلاس، پرسش پایانی روز دوشنبه را مطرح کنید. ما این واقعیت را چگونه درک می کنیم که متعلق بودن به کلیسای «حقیقی» نجات را تضمین نمی کند؟ برای مثال، قطعاً اسرائیل کهن «کلیسای حقیقی» بود، اما به این معنی نیست که همه افراد در آن نجات یافتند. اگر عضویت در کلیسای حقیقی نجات را تضمین نمی کند، پس جزیی از آن بودن چه مزیتی دارد؟
۲. چگونه پذیرفته شدن غیر یهودیان نامختون به جامعه ایمانی، یکی از مهم ترین مسائل اجرایی کلیسای اولیه بود. برخی از مسائل مشابه امروزه در کلیسای ما ممکن است چه باشند و مثال اعمال رسولان باب ۱۵ چه چیزی در مورد مقابله با آنها به ما می آموزد؟
۳. در کلاس، برخی از افراد موضع یهودیانی را بگیرند که اسرار داشتند غیر یهودیان ابتدا پیش از پیوستن به کلیسا باید به دین یهودیت بگرایند، که آنها (به درستی) به عنوان گسترش وعده های عهد با اسرائیل می دیدند. استدلال های آنها کدامند و چگونه می توانید به آنها پاسخ بدهید؟ بحثی مانند این چگونه می تواند به ما نشان دهد که چرا مسائلی که امروزه بسیار روشن به نظر می رسند، در زمانی مختلف، بسیار دشوارتر به نظر برسند؟

دومین سفر بشارتی



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اعمال رسولان باب ۱۶؛ رومیان باب ۳ آیه ۲۸؛ غلاطیان باب ۲ آیه ۱۶؛ اعمال رسولان باب ۱۷؛ اول قرنتیان باب ۱ آیه ۲۳؛ اعمال رسولان باب ۱۸ آیات ۱ تا ۱۰.

آیه حفظی: «شبی خداوند در رویا به پولس گفت: «ترسان مباش، بلکه سخن بگو و خاموش مباش زیرا که من با تو هستم و هیچ کس تو را آزار نخواهد رسانید زیرا که مرا در این شهر خلق بسیار است» (اعمال رسولان باب ۱۸ آیات ۹ و ۱۰).

پولس و برنابا پس از بازگشت به انطاکیه، کلیسا را پرورش و کارهای بشارتی بیشتری انجام دادند. این ظاهراً آخرین باری بود که آنها با یکدیگر کار می کردند، زیرا یک اختلاف نظر شدید باعث جدایی آنها شد. دلیل اختلاف آنها مرقس، پسر عموی برنابا بود (کولسیان باب ۴ آیه ۱۰). هنگامی که پولس از برنابا دعوت نمود تا به مکانی که در سفر قبلی خود بشارت داده بودند باز گردد، برنابا می خواست پسر عمویش را به همراه بیاورد اما پولس بدلیل عدم موفقیت گذشته مرقس مخالف آن بود (اعمال رسولان باب ۱۳ آیه ۱۳).

جدایی پولس و برنابا به هر حال، به یک برکت تبدیل شد، زیرا در تفکیک تلاش هایشان آنها توانستند منطقه گسترده تری از آنچه در ابتدا برنامه ریزی کرده بودند پوشش دهند. برنابا با مرقس به قبرس، سرزمین مادری اش بازگشت (اعمال رسولان باب ۴ آیه ۳۶). در همین حال، پولس که از سیلاس دعوت نموده بود به وی پیوندد، از سوریه و قیلیقیه گذشت و کلیساهای آنها را تقویت نمود. پولس پیش از آنکه به انطاکیه بیاید، چندین سال را در طرسوس گذرانده بود (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۳۰، باب ۱۱ آیات ۲۵ و ۲۶). او اکنون فرصت بازدید مجدد از اجتماعی که در آنجا برپا نموده بود را داشت. با این وجود، نقشه خدا برای او بسیار بزرگ تر از آنچه پولس در ابتدا می پنداشت، بود.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۰ شهریور — ۱ September آماده شوید.

بازگشت به لستره

وقایع انتخاب شده توسط لوقا اکنون پولس را مستقیماً به دربه و لستره می آورد. تنها چیزی که او درباره سوریه و قیلیقیه می گوید این است که پولس برای تأیید نمودن کلیساها از آن مناطق گذشت (اعمال رسولان باب ۱۵ آیه ۴۱).

اعمال رسولان باب ۱۶ آیات ۱ تا ۱۳ را بخوانید. اقدام پولس در اینجا چه چیزی درباره حساس بودن او در تلاش برای بشارت دادن به دیگران به ما می آموزد؟

اگر چه پدر تیموتائوس غیر یهودی بود، اما مادرش یک مسیحی یهودی بود؛ نام او اِفنیکی^۱ بود. تیموتائوس با وجود نامختون بودن، از کودکی کتاب مقدس را می شناخت (دوم تیموتائوس باب ۳ آیه ۱۵)، که نشان می دهد او فردی با ایمان بود. او به عنوان یک مسیحی پیش از آن مورد احترام و تحسین همه ایمانداران محلی بود.

۱. Eunice بکار برده شده در زبان انگلیسی، از زبان یونانی Ευνίκη با تلفظ «اِونیکی» با تاکید بر «واو» اقتباس شده و بخاطر مُعرب شدن آن، در نسخه های ترجمه فارسی، «اِفنیکی» بکار رفته است. از آنجایی که یهودیان، یهودی بودن را از نسل مادر می دانستند و نه پدر، تیموتائوس یک یهودی بود. او شاید به این دلیل که پدرش یک یونانی بود، ختنه شدن را عملی وحشیانه می دانست، در روز هشتم پس از زاده شدن ختنه نشده بود.

پولس که مایل بود تیموتائوس را به عنوان همکار داشته باشد و می دانست که او به عنوان یک یهودی نامختون با اتهام ارتداد از ورود به کنیسه یهودیان منع خواهد شد، از او خواست ختنه شود. بنابراین انگیزه پولس برای انجام این کار کاملاً کاربردی بود و نباید به عنوان عملی متضاد با انجیلی که او موعظه می نمود در نظر گرفته شود.

پولس پس از بازبینی مکان هایی که در سفر اولش رفته بود، تصمیم گرفت به جنوب غربی، احتمالاً به افسس در استان آسیا برود، اما روح القدس مانع انجام این کار شد. سپس او به سمت شمال رفت تا به بطینیا برود، اما بار دیگر روح القدس به روشی نامعلوم او را از انجام این کار بازداشت. از آنجایی که او از میسیا گذشت، تنها گزینه اش رفتن به سمت غرب به سوی بندر تروآس بود، جایی که می توانست به جهات متعددی از مسیر دریایی برود.

با این وجود خدا در رویایی شبانه به او نشان داد که باید از دریای اژه بگذرد و به مقدونیه برود. هنگامی که همراهان او از این رؤیا آگاه شدند، آنها به این نتیجه رسیدند که خدا در حقیقت آنها را فراخوانده است تا انجیل را با اهالی مقدونیه به اشتراک بگذارند.

به اینکه چرا پولس از تیموتائوس خواست تا ختنه شود، بیانید. این باید درباره مابل بودن به انجام کارهایی خاص که ممکن است همیشه با آنها موافق نباشیم یا الزامی ندانیم، اما در واقع برای هدفی بزرگ تر می باشند، چه چیزی به ما بیاموزد؟

۵ شهریور

دوشنبه

فیلیپی

پولس و همراهانش هنگامی که به مقدونیه رسیدند، به فیلیپی جایی که نخستین اجتماع مسیحیت در اروپا را برپا نمودند، سفر کردند.

اعمال رسولان باب ۱۶ آیات ۱۱ تا ۲۴ را بخوانید. مُبلغان در روز سبت به کجا رفتند و چرا؟ در نهایت در آنجا برای ایشان چه اتفاقی افتاد؟

هر زمان که پولس به شهری وارد می شد، عادت داشت در روز سبت به منظور شهادت دادن به یهودیان، از کنیسه محلی بازدید کند (اعمال رسولان باب ۱۳ آیات ۱۴، ۴۲ و ۴۴؛ باب ۱۷ آیات ۱ و ۲؛ باب ۱۸ آیه ۴). اینکه او و همراهانش در فیلیپی برای دعا به لب رودخانه رفتند — همراه با چند زن، پرستش کنندگان یهودی و غیر یهودی خدا — احتمالاً به این معنی است که هیچ کنیسه ای در شهر وجود نداشت. اهمیت این مسئله این است که پولس تنها برای اهداف بشارتی در روزهای سبت به کنیسه های یهودی نمی رفت بلکه همچنین بدلیل اینکه روز عبادت بود به آنجا نیز می رفت.

اعمال رسولان باب ۱۶ آیات ۲۵ تا ۳۴ را بخوانید. روایت ایمان آوردن زندانبان را بررسی کنید. او به منظور نجات یافتن باید چه کاری انجام می داد؟

پاسخ پولس و سیلاس به پرسش زندانبان در هماهنگی کامل با انجیل است، زیرا نجات بطور کامل از طریق ایمان به عیسی امکان پذیر می باشد (رومیان باب ۳ آیه ۲۸، غلاطیان باب ۲ آیه ۱۶). با این وجود آنچه از این واقعه نمی توانیم نتیجه بگیریم این است که باور به عیسی تمام چیزی است که برای تعمید الزامی می باشد، در صورت آموزش اعتقادی و عملی مناسب.

ما درباره زندانبان چه چیزی می دانیم؟ آیا او یک یهودی یا نو ایمان یهودی بود؟ در هر صورت، آنچه نیاز داشت، باور به عیسی به عنوان خداوند و نجات دهنده بود. اگر او مانند کرنلیوس، لیدیه (اعمال رسولان باب ۱۶ آیه ۱۴ و تعدادی دیگر در اعمال رسولان، یک غیر یهودی بود که خدا را می شناخت و عبادت می کرد، چطور؟ اگر او قبلاً در جلسات بشارتی پولس در شهر شرکت کرده بود چطور؟ حقایق در مورد او هر چه که باشند، خلاصه بودن این روایت نباید به عنوان بهانه ای برای تعمیم سریع بکار برده شود.

اعمال رسولان باب ۱۶ آیات ۳۱ تا ۳۴ را بخوانید. این چه چیزی درباره کامل بودن قربانی شدن مسیح برای ما، به ما می آموزد؟ چگونه می توانید روزانه بیاموزید که به عدالت مسیح به عنوان تنها امیدتان برای نجات اطمینان کنید؟

۶ شهریور

سه شنبه

تسالونیک و بیریه

هنگامی که پولس و سیلاس از زندان آزاد شدند، این دو مبلغ فیلیپی را ترک نمودند (اعمال رسولان باب ۱۶ آیات ۳۵ تا ۴۰). پولس و همراهانش از فیلیپی مستقیماً به تسالونیک، پایتخت مقدونیه رفتند.

اعمال رسولان باب ۱۷ آیات ۱ تا ۹ را بخوانید. یهودیان اهل تسالونیک چگونه نسبت به موعظه موفق پولس در میان غیر یهودیان واکنش نشان دادند؟

بار دیگر می بینیم که پولس برای به اشتراک گذاشتن انجیل، بدنبال کنیسه می گشت. بسیاری از یونانیان معتقد و چند زن نه چندان برجسته بواسطه پیام پولس تشویق شده و رغبت پیدا کردند. اینکه این ایمان آوران «به پولس و سیلاس پیوستند» (اعمال رسولان باب ۱۷ آیه ۴) به نظر می رسد به این معنی باشد که آنها گروهی مجزا تشکیل داده و خارج از کنیسه، احتمالاً در خانه یاسون ملاقات کردند.

مخالفانشان از روی حسادت، شورش بپا کردند. هدف آنها آوردن پولس و سیلاس نزد مقامات محلی برده و آنها را متهم کنند؛ در اینجا اشاره ای به تیموتائوس نشده است. از آنجایی که آنها نتوانستند این مبلغین را پیدا کنند، خود یاسون و تعداد دیگری از نو ایمانان را به اتهام پناه دادن به آشوبگران سیاسی، نزد مقامات محلی بردند.

اعمال رسولان باب ۱۷ آیات ۱۰ تا ۱۵ را بخوانید. پاسخ یهودیان بیریه در مقایسه با پاسخ یهودیان تسالونیکي، چه بود؟

واژه eugenēs (اعمال رسولان باب ۱۷ آیه ۱۱) در اصل به معنای «به خوبی بدنی آمده» یا «تولدنی نجیب» بود اما کم کم معنای کلی «بی غرض یا عادل» را به خود گرفت که احتمالاً در اینجا اینگونه است. یهودیان اهل بیریه قابل تحسین هستند نه فقط به این دلیل که با پولس و سیلاس موافقت نمودند بلکه بدلیل تمایلشان برای آزمودن کتاب مقدس به صورت روزانه می باشد که خود بدرستی به گفته های مبلغین پی ببرند. واکنشی صرفاً احساسی به انجیل، بدون اعتقاد عقلانی مورد نیاز، سطحی و کوتاه مدت خواهد بود. با این وجود، کمی بعد، آزار و جفا مانع از مأموریت پربار پولس در بیریه شد که او را مجبور به حرکت به سوی جنوب، به سمت آتن نمود.

آخرین باری که شما با پشتکار کتاب مقدس را برای پیدا کردن شواهد جستجو نمودید، چه زمانی بود؟

۷ شهریور

چهارشنبه

پولس در آتن

آتن، مرکز افکار متعالی خردمندان یونان باستان، به معنای واقعی کلمه در اختیار بت پرستان بود. مجسمه های سنگ مرمر اشخاص و خدایان در همه جا بویژه در ورودی آگورا (میدان عمومی)، که قطب زندگی شهری بود، دیده می شدند. پولس چنان از این بت پرستی شایع پریشان شده بود که عادت همیشگی خود برای ابتدا به کنیسه رفتن را تغییر داد و روشی دوگانه را بدست گرفت: او به صورت هفتگی در کنیسه با یهودیان و غیر یهودیان مؤمن به بحث می نشست و روزانه در میدان عمومی شهر اینکار را انجام می داد (اعمال رسولان باب ۱۷ آیات ۱۵ تا ۲۲ را ببینید).

از آنجایی که آتنی ها همواره آماده شنیدن چیز جدیدی بودند، برخی از فیلسوفان به آموزه های پولس علاقه نشان دادند و از او دعوت نمودند تا در مقابل «آریوپاگوس» یا تالار اجتماعات تپه مریخ که شورای عالی شهر تلقی می شد، سخنرانی کند. پولس در سخنرانی خود از کتاب مقدس نقل قول نکرد و یا خلاصه ای از تعاملات خدا با اسرائیل را بیان ننمود، آنگونه که در هنگام صحبت کردن با مخاطبان یهودی انجام می داد (اعمال رسولان باب ۱۳ آیات ۱۶ تا ۴۱ مقایسه کنید)؛ این رویکرد برای مخاطبان او معنایی نداشت. در عوض، او چند حقیقت مهم از کتاب مقدس را به گونه ای که بت پرستان می توانستند درک کنند، ارائه نمود.

اعمال رسولان باب ۱۷ آیات ۲۲ تا ۳۱ را بخوانید. پولس در سخنرانی خود در آریوپاگوس یا همان تالار اجتماعات تپه مریخ، چه حقایق بزرگی درباره خدا و نجات و تاریخ و بشریت به این افراد موعظه کرد؟

اکثر سخنان پولس برای آن مخاطبان بت پرست در سطح بالا، که مفاهیم ایشان درباره خدا و دین بسیار منحرف شده بود، مضحک به نظر می رسیدند. ما نمی دانیم که پولس در نظر داشت چگونه پیام خود را به پایان برساند زیرا به نظر می رسد همان لحظه ای که به داوری خدا بر جهان اشاره نمود، سخنش قطع شد (اعمال رسولان باب ۱۷ آیه ۳۱). این باور با دو مفهوم یونانی در تضاد بود: (۱) اینکه خدا بسیار متعال است و هیچ ارتباطی با جهان و یا نگرانی در مورد امور انسانی ندارد، و (۲) اینکه وقتی انسان می میرد، هیچ رستخیزی نمی تواند وجود داشته باشد. این به توضیح اینکه چرا انجیل برای یونانیان جهالت محسوب می شد (اول قرن‌تین باب ۱ آیه ۲۳) و تعداد ایمان آوران در آتن بسیار کم بود، کمک می کند.

با این وجود، در میان کسانی که ایمان آوردند، برخی از مؤثرترین افراد جامعه آتن از جمله دیونیسیوس، عضوی از آریوپاگوس یا انجمن شهر بود و داماریس که اشاره به نامش نشان می دهد زنی دارای مقام و منصب و همچنین عضوی از شورا نیز بود (اعمال رسولان باب ۱۷ آیه ۳۴).

روش متفاوت پولس در برابر انجمن شهر، آگاهی او از تفاوت های اجتماعی و فرهنگی را نشان می دهد. او حتی برای رساندن منظور خود از یک شاعر بت پرست نقل قول کرد (اعمال رسولان باب ۱۷ آیه ۲۸). این مطلب درباره چگونگی استفاده از روش های مختلف برای بشارت دادن به مردم چه می آموزد؟

۸ شهریور

پنجشنبه

پولس در قرنتس

اعمال رسولان باب ۱۸ آیات ۱ تا ۱۱، تجربه پولس در قرنتس را بیان می کند، جایی که او به مدت یک سال و نیم ماند. پرسکلا و اکیلا به دوستان مادام العمر پولس تبدیل می شدند (رومیان باب ۱۶ آیه ۳، دوم تیموتائوس باب ۴ آیه ۱۹). روایت دلالت بر این دارد که آنها پیش از آنکه به قرنتس بیایند مسیحی بودند، احتمالاً بدلیل اخراج یهودیان از روم توسط امپراطور کلاودیوس. مورخ رومی، سوتونیوس به نظر می رسد به این اشاره دارد که این تبعید بدلیل اختلالات در جامعه یهودی در ارتباط با نام «مسیح» اتفاق افتاد که احتمالاً نتیجه موعظه

انجیل توسط ایمانداران یهودی محلی می باشد. از این رو، ممکن است که اکیلا و پرسکلا خود در چنین فعالیت هایی نقش داشتند. در هر صورت، پولس و دوستان جدیدش علاوه بر به اشتراک گذاشتن ایمان و همان پیشینه یهودی را به اشتراک می گذاشتند.

اعمال رسولان باب ۱۸ آیات ۴ تا ۱۷ را بخوانید. نتیجه فعالیت های بشارتی پولس در قرنتس چه بود؟

هنگامی که سیلاس و تیموتائوس از مقدونیه رسیدند، مقداری حمایت مالی از کلیساهای آنجا آوردند (دوم قرنتیان باب ۱۱ آیات ۸ و ۹)، که اجازه داد پولس خود را کاملاً وقف موعظه کند. سیاست پولس این بود که در طول ماموریتش، به خرج خود زندگی کند، هر چند او همچنین تعلیم داد که « به همین ترتیب، خداوند فرموده است هر که پیام انجیل را اعلام می کند، هزینه زندگی اش باید توسط مسیحیان تأمین شود » (اول قرنتیان باب ۹ آیه ۱۴).

با وجود مخالفت شدید یهودیان با پیام پولس، برخی از یهودیان به همراه برخی از غیر یهودیان عبادت کننده خدا، او را باور کردند. در میان ایمان آوران، کرسپس رهبر کنیسه و تمام خانواده اش وجود داشت. بسیاری از قرنتیان نیز ایمان آورده و تعمیم گرفتند. با این وجود همانطور که واقعه متعاقب نشان می دهد (اعمال رسولان باب ۱۸ آیات ۱۲ تا ۱۷)، وضعیت در میان یهودیان تا حدی وخیم بود و پولس احتمالاً قصد داشت بزودی قرنتس را ترک کند اما در رویایی شبانه دلگرمی الهی برای ماندن را دریافت نمود (اعمال رسولان باب ۱۸ آیات ۹ تا ۱۱).

پولس در مسیر بازگشت به انطاکیه، اکیلا و پرسکلا را با خود برد و آنها را در افسس جایی که پیش از ادامه به سفرش چند روزی در آنجا ماند، بجا گذاشت. او زمانی که آنجا بود، فرصت موعظه در کنیسه یهودی محلی را یافت که پاسخ مثبتش باعث شد او وعده دهد که به خواست خدا بار دیگر به آنجا باز خواهد گشت (اعمال رسولان باب ۱۸ آیات ۱۸ تا ۲۱). این دقیقاً در سفر بعدی او اتفاق افتاد.

پولس که با نحوه پذیرفته شدنش ناامید شده بود، در مورد نجات افراد آنجا به دلگرمی از جانب خداوند نیاز داشت. سخنان خداوند به او (اعمال رسولان باب ۱۸ آیه ۱۰)، هنگامی که ما ممکن است احساسی مشابه با پولس داشته باشیم، چه چیزی به ما می گویند؟

۹ شهریور

جمعه

تفکری فراتر: «کسانی که امروزه حقایق غیر محبوب را تعلیم می دهند نباید در صورتی که گاهی بطور مطلوب حتی از طرف کسانی که ادعای مسیحیت می کنند مورد

پذیرش قرار نمی گیرند، دلسرد بشوند، آنگونه که پولس و همکارانش توسط مردمی که برایشان خدمت می کردند، مورد پذیرش قرار گرفتند. پیام رسانان صلیب باید خود را با هوشیاری و دعا مسلح کنند و با ایمان و شجاعت به جلو بروند و همواره در نام عیسی

کار کنند.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, *The Acts of the Apostles*, p. 230

«اگر در صحنه پایانی تاریخ زمین، کسانی که حقایق به ایشان موعظه شده است، الگوی اهالی بیریه را دنبال کنند و روزانه در کتاب مقدس جستجو کنند و پیام های دریافت شده را با کلام خدا مقایسه کنند، امروزه تعداد زیادی افراد وفادار به شریعت خدا وجود می داشت در حالی که این تعداد در حال حاضر نسبتاً کم می باشد....

«همه چیز بر اساس نور هدایتی که داده شده است داوری خواهد شد. خداوند سفیران خود را با پیامی از نجات می فرستد و کسانی که آن را بشنوند، برای طرز برخوردی که با سخنان خدمت گزاران خداوند از خود بروز داده اند، مسئول خواهند بود. کسانی که صادقانه دنبال حقیقت هستند، در پرتو کلام خدا، تعالیمی که به ایشان ارائه شده

است را به دقت بررسی خواهند نمود.» — Page 232

سوالاتی برای بحث

۱. در زمینه آخرین پاراگراف مطالعه روز دوشنبه، در مورد مفاهیم جمله زیر در کلاس به بحث پردازید: «نیاز به آماده سازی دقیق تر از طرف داوطلبان تعمید می باشد ... اصول زندگی مسیحی باید برای کسانی که به تازگی حقیقت را پذیرفته اند، آشکار شوند.» — الن جی. وایت، Ellen G. White

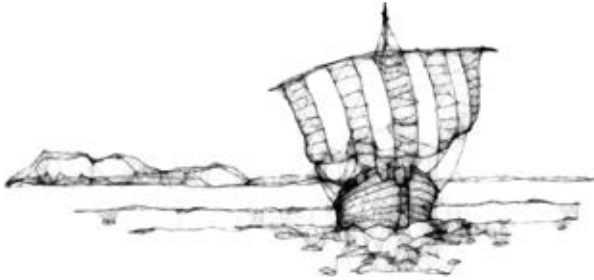
Testimonies for the Church, vol. 6, pp. 91, 92

۲. در مورد پرسش پایانی روز چهارشنبه بیشتر بیاندیشید. ما به عنوان یک کلیسا چگونه می توانیم همان درکی را که پولس از تفاوت های فرهنگی داشت از خود بروز بدهیم و برای ملاقات با افراد در هر کجایی که باشند، بدون اینکه از عیان کردن انجیل ترس داشته باشیم و یا هویت دینی خود را پنهان کنیم، از خود تمایل نشان دهیم؟

۳. اعمال رسولان باب ۱۷ آیات ۳۲ تا ۳۴ را بخوانید. ما از سه واکنشی که پیام پولس در آتن دریافت نمود، چه چیزی می توانیم بیاموزیم؟ (۱) برخی مسخره کردند. آنها جدیت پرشور این یهودی بیگانه را به بازی گرفته بودند. این امکان وجود دارد که با زندگی شوخی کرد؛ اما کسانی که این کار را انجام می دهند، در خواهند یافت که آنچه با طنز آغاز شود باید با مصیبت پایان پذیرد. (۲) برخی تصمیم نگرفتند. خطرناک ترین روزها، روزی است که فرد به این نتیجه برسد که صحبت کردن درباره فردا آسان است. (۳) برخی باور کردند. انسان عاقل می داند که تنها فرد احمق دعوت خدا را رد خواهد کرد.» — ویلیام بارکلی، William Barclay

The Acts of the Apostles, rev. ed. (Philadelphia: Westminster, 1976), p. 133

سومین سفر بشارتی



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اعمال رسولان باب ۱۸ آیات ۲۴ تا ۲۸؛ اعمال رسولان باب ۱۹؛ اعمال رسولان باب ۲۰ آیات ۷ تا ۱۲ و ۱۵ تا ۲۷؛ دوم قرنیتیان باب ۴ آیات ۸ تا ۱۴؛ اعمال رسولان باب ۲۱ آیات ۱ تا ۱۵.

آیه حفظی: «لیکن این چیزها را به هیچ می‌شمارم، بلکه جان خود را عزیز می‌دارم تا دور خود را به خوشی به انجام رسانم و آن خدمتی را که از خداوند عیسی یافته‌ام که به بشارت فیض خدا شهادت دهم» (اعمال رسولان باب ۲۰ آیه ۲۴).

روایت لوقا از سفر سوم پولس بطور نسبتاً ناگهانی آغاز می‌شود. آیات چنین می‌گویند که پولس پس از گذراندن زمانی در انطاکیه، مرکز مأموریت هایش، این رسول عازم سفر دیگری می‌شود و به ترتیب «در سرزمین‌های غلاطیه و فریجیه می‌گشت و شاگردان را تقویت می‌کرد» (اعمال رسولان باب ۱۸ آیه ۲۳). بنابراین، حدود ۲۵۰۰ کیلومتر ابتدایی سفرش در یک جمله اشاره شده است.

این بدین دلیل است که نقطه مرکزی این سفر افسس بود، جایی که پولس در طول سفرش بیشتر از شهرهای دیگر زمان سپری نمود. از نقطه نظر بشارتی، ماموریت در افسس بسیار مثمر تر بود؛ تأثیر موعظه پولس به کل استان آسیا رسید (اعمال رسولان باب ۱۹ آیات ۱۰ و ۲۶). احتمالاً در طول این زمان بود که کلیساهای کولسی، هیراپولس و لائودیکیه شاید توسط اپفراس (کولسیان باب ۴ آیات ۱۲ و ۱۳)، یکی از همکاران پولس تأسیس شدند (کولسیان باب ۱ آیه ۷، فیلیمون آیه ۲۳).

یک چیز قابل توجه در مورد این سفر این است که، این آخرین موردی است که پولس در اعمال رسولان ثبت کرد. پولس آن را به عنوان یک انسان آزاد بر عهده گرفت. لوقا باز هم سفر دیگری را روایت می‌کند، این بار به روم اما به عنوان یک زندانی.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۷ شهریور - ۸ September آماده شوید.

افسس: بخش اول

اعمال رسولان باب ۱۸ آیات ۲۴ تا ۲۸ ثبت کرده است که در حالی که پولس همچنان در راه خود به افسس بود، یک ایماندار یهودی به نام آپولس به آن شهر آمد. او مردی سخنور و بسیار آشنا با کتاب مقدس بود. اینکه آپولس یک پیرو عیسی بود از گونه ای که لوقا او را توصیف می کند، مشخص است: «و در طریق خداوند تربیت یافته و پر از شور و شوق روحانی بود. او حقایق زندگی عیسی را بدرستی تعلیم می داد» (اعمال رسولان باب ۱۸ آیه ۲۵). با این حال، او تنها با غسل تعمید یحیی آشنا بود. آپولس که توسط یحیی تعمید دهنده، تعمید گرفته بود با عیسی در طول زندگی اش بر روی زمین آشنا شد، اما باید قبل از مصایب و پنطیکاست، از آن منطقه دور شده باشد — احتمالاً به اسکندریه باز گشته باشد.

این توضیح می دهد که اکیلا و پرسکیلا به او آموزش های بیشتری می دادند. آپولس اگر چه قادر بود از کتاب مقدس نشان دهد که عیسی، مسیح موعود اسرائیل بود (اعمال رسولان باب ۱۸ آیه ۲۸)، اما لازم بود با تحولات مسیحیت از زمان رسالت عیسی تا آن زمان آگاه شود. با این وجود، اکیلا و پرسکیلا کار بیشتری برای آپولس انجام دادند: آنها به همراه سایر ایمانداران در افسس به او توصیه نامه ای خطاب به کلیساهای اخائی دادند (اعمال رسولان باب ۱۸ آیه ۲۷)، که او را قادر ساخت خدمتی مؤثر در قرنتس داشته باشد (دوم قرنیتیان باب ۳ آیات ۴ تا ۶، باب ۴ آیه ۶، باب ۱۶ آیه ۱۲۹).

اعمال رسولان باب ۱۹ آیات ۱ تا ۷ را بخوانید. هنگامی که پولس به افسس رسید، چه اتفاقی برایش افتاد؟

روایت آپولس به روایت دوازده مردی که پولس پس از رسیدنش به افسس ملاقات نمود، مرتبط است زیرا شرایط ایشان بسیار مشابه بود. توصیف آنها به عنوان «شاگردان» (اعمال رسولان باب ۱۹ آیه ۱) و سوال پولس از ایشان (اعمال رسولان باب ۱۹ آیه ۲) به وضوح نشان می دهد که آنها پیش از این به عیسی ایمان آورده بودند. در همین حال پاسخ آنها به پولس نشان می دهد که آنها نیز بطور مشابه با آپولس، شاگردان سابق یحیی تعمید دهنده بودند که بدون تجربه پنطیکاست، پیروان عیسی شده بودند. آنها باید فرصتی برای لذت بردن از تجربه ای عمیق تر با خداوند می داشتند.

«پولس پس از رسیدن به افسس، دوازده برادری که مانند آپولس شاگردان یحیی تعمید دهنده بودند و مانند او دانشی از مأموریت مسیح بدست آورده بودند را پیدا کرد. آنها

توانایی آپولس را نداشتند اما با همان صداقت و ایمان بدنبال انتشار دانشی که دریافت نمودند، بودند.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 282. ما باید غسل تعمید جدید آنها را در پرتو این موقعیت منحصر به فرد ببینیم. آنها از فرقه مسیحی دیگری نمی آمدند و نه ایمان آوردن را تجربه کرده بودند. آنها فقط وارد جریان اصلی مسیحیت شده بودند. این که آنها روح القدس را دریافت نموده و به زبان ها صحبت می کردند، بدین معناست که مانند آپولس خدمتگزاران مسیحی بودند که اکنون بطور کامل قدرت یافته بودند تا هر کجا می رفتند، درباره عیسی مسیح شهادت دهند.

۱۲ شهریور

دوشنبه

افسس: بخش دوم

پولس در کنیسه افسس ابتدا به موعظه پرداخت. هنگامی که مخالفت به وجود آمد، او و تازه ایمان آوردگان به سالن سخنرانی جایی در طیرانس رفتند، جایی که پولس روزانه به مدت دو سال موعظه نمود. روایت خلاصه لوقا از خدمت پولس از افسس این است که تمامی استان به کاملاً بشارت یافت (اعمال رسولان باب ۱۹ آیات ۱۰ و ۲۶).

در اعمال رسولان باب ۱۹ آیات ۱۱ تا ۲۰، لوقا چند روایت معجزه ای دیگر اضافه می کند که پیروزی قدرت خدا در شهری که جادو و سایر اعمال خرافی معمول بود را توصیف می کنند. شکی نیست که خدا می توانست از طریق پولس شفا دهد اما اینکه حتی دستمال و پیش بند لمس شده توسط رسول قدرت شفا دهنده داشتند (اعمال رسولان باب ۱۹ آیه ۱۲) ممکن است برای برخی عجیب باشد، اگر چه این مشابه با شفا یافتن زن در حال خونریزی توسط عیسی می باشد (لوقا باب ۸ آیه ۴۴). باور های خرافی اهالی افسس ممکن است باعث شده باشند که خدا همانگونه که لوقا می گوید، معجزات «بزرگی» نشان دهد (اعمال رسولان باب ۱۹ آیه ۱۱). این شاید نمونه ای از برآورده کردن نیازهای مردم در سطح درکشان توسط خدا باشد.

پولس که از نتایج خدمتش در افسس راضی بود، تصمیم گرفت که به اورشلیم برود (اعمال رسولان باب ۱۹ آیه ۲۱). لوقا دلیلی برای این سفر ارائه نمی دهد، اما از نوشته های خود پولس می دانیم که او می خواست مبالغی که جمع آوری کرده بود را برای از بین بردن فقر کلیسای اورشلیم استفاده کند (رومیان باب ۱۵ آیات ۲۵ تا ۲۷، اول قرنتیان باب ۱۶ آیات ۱ تا ۳). ادغام کالاهای سال های اول و قحطی شدید در زمان کلودیوس، ایمانداران اهل یهودیه را فرسوده کرده بود و پولس در درخواست کمک ایشان (غلاطیان باب ۲ آیه ۱۰)، یک فرصت برای تقویت اعتماد آنها به رسالت خود و اتحاد کلیسایی که اکنون گسسته شده بود را دید با وجود اینکه از خطراتی که با آن روبرو بود آگاهی داشت (اعمال رسولان باب ۲۰ آیات ۲۲ و ۲۳، رومیان باب ۱۵ آیه ۳۱).

اعمال رسولان باب ۱۹ آیات ۲۳ تا ۴۱ را بخوانید. دلیل اصلی مخالفت با پولس که در پایان اقامتش در افسس بروز نمود، چه بود؟

مخالفت مربوط به عبادت بت پرستان بود که به شدت توسط خدمت پولس مورد تهدید بود. انگیزه واقعی دمیتریوس به وضوح مالی بود، اما او قادر بود آن را به یک مسئله مذهبی تبدیل کند زیرا معبد آرتیمیس (یا دیانا)، به عنوان یکی از هفت عجایب جهان باستان، در افسس واقع شده بود.

اعمال رسولان باب ۱۹ آیه ۲۷ را بخوانید. توجه کنید که دمیتریوس چگونه با نیرنگ قادر شد تا با آوردن زهد و تقوای دینی به کار خود کسب معاش کند. چرا ما مسیحیان باید مراقب باشیم که به همان شکل، از ایمان خود یا زهد مربوط به ایمانمان استفاده نکنیم؟

۱۳ شهریور

سه شنبه

تروآس

پس از شورش (اعمال رسولان باب ۱۹ آیات ۲۳ تا ۴۱)، پولس مصمم شد که افسس را ترک کند. اما او به جای اینکه مستقیم به اورشلیم برود، مسیر انحرافی طولانی از طریق مقدونیه اخائیه را در پیش گرفت (اعمال رسولان باب ۲۰ آیات ۱ تا ۳). نمایندگان برخی از کلیساهای غیر یهودی در این سفر با او بودند (اعمال رسولان باب ۲۰ آیه ۴).

اعمال رسولان باب ۲۰ آیات ۷ تا ۱۲ را بخوانید. بحث مشترک در این آیات برای اثبات شود که سبت به یکشنبه تغییر یافته، چه ایرادی دارد؟

توقف پولس در تروآس با جلسه کلیسا «در اولین روز هفته» (اعمال رسولان باب ۲۰ آیه ۷) به پایان رسید. آنها دور هم جمع شدند «تا نان تکه کنند»، که احتمالاً به شام خداوند اشاره دارد، که اطعام در جمع محفل یاران یا در خلوت بود، که از زمان کلیسای اورشلیم اغلب همراه با آن انجام می شد (اعمال رسولان باب ۲ آیات ۴۲ و ۴۶). اینکه هیچ اشاره ای به جام و یا هیچ دعایی نشده است، این احتمال را از بین نمی برد. با این وجود، نکته این است که این واقعه

اغلب به عنوان مدرکی بیان می شود که در زمان پولس، دست کم کلیساهای غیر یهودی روز سبت را با یکشنبه به عنوان روز عبادت جایگزین کرده بودند.

با این حال، قبل از چنین ادعایی، لازم است که یک روز دقیق برای انجام جلسات و همچنین ماهیت آنها مشخص شود. اشاره به استفاده از چراغ ها (اعمال رسولان باب ۲۰ آیه ۸)، به همراه این واقعیت که پیام پولس تا نیمه شب ادامه داشت (اعمال رسولان باب ۲۰ آیه ۷) و سپس تا سپیده دم (اعمال رسولان باب ۲۰ آیه ۱۱) و اشاره نشدن به خواب عمیق افیخس (اعمال رسولان باب ۲۰ آیه ۹)، مشخص می سازد که این یک جلسه شبانه بود.

با این حال سوال این است که آیا شب قبل از یکشنبه بود و یا پس از آن. پاسخ بستگی به روش فرضی زمانی که لوقا استفاده می کرد دارد، اینکه نظام یهودی از غروب آفتاب تا غروب آفتاب روز بعد بود یا نظام رومی، از نیمه شب تا نیمه شب بعدی. اگر گزینه اول باشد، پس شنبه شب بوده است؛ در مورد گزینه دوم، یکشنبه شب می شود. در هر صورت، موضوع اعمال رسولان باب ۲۰ آیات ۷ تا ۱۲ نشان می دهد که حتی اگر جلسه در یکشنبه شب بوده باشد، یک جلسه معمولی کلیسا نبوده است بلکه بدلیل رفتن پولس در صبح روز بعد، یک جلسه خاص بود. پس، دیدن اینکه این واقعه جدا و استثنایی بتواند از نگه داشتن یکشنبه حمایت کند، دشوار است. و واقعیت این است که چنین نمی باشد.

به تمام دلایل اعتبار نگه داشتن روز هفتم سبت بیشتر بیاندیشید. حمایت قدرتمند کتاب مقدس از روز سبت چگونه به تصدیق کردن ما در هویتمان به عنوان مسیحیان ادونتیست روز هفتم و فراخوانی که برای انتشار پیام های سه فرشته به جهان دریافت کرده ایم، کمک می کند؟

۱۴ شهریور

چهارشنبه

میلیتس

پولس در مسیرش به سمت اورشلیم، بار دیگر توقف می کند، این بار در میلیتس جایی که فرصتی یافت تا با رهبران کلیسای افسس وداع کند.

اعمال رسولان باب ۲۰ آیات ۱۵ تا ۲۷ را بخوانید. تأکید پولس در بخش مقدماتی سخنانش چه بود؟

از آنجایی که پولس پیشاپیش برنامه سفر جدید خود را که شامل روم و اسپانیا می شد طرح ریزی کرده بود (رومیان باب ۱۵ آیات ۲۲ تا ۲۹)، باور داشت که دیگر هرگز به آسیا باز نخواهد گشت. بنابراین، سخنان خود را با نوعی گزارش مسئولانه از سال هایی که

در افسس سپری نمود، آغاز کرد. با این وجود چنین گزارشی نه تنها هدفش گذشته یعنی شیوه زندگی او در میان اهالی افسس بود بلکه به آینده نیز اشاره داشت زیرا از آنچه که ممکن بود در اورشلیم برایش اتفاق بیافتد، می ترسید.

ترس پولس بی اساس نبود. کلیسای اورشلیم او را اگر نه با دشمنی بلکه با شک و تردید می دیدند، و این بدلیل گذشته او به عنوان آزار دهنده و انجیل آزاد از ختنه ای که موعظه می کرد، بود (اعمال رسولان باب ۲۱ آیات ۲۰ تا ۲۶). نزد مقامات یهودی، او چیزی جز خائن و مرتد از رسوم مذهبی ایشان نبود (اعمال رسولان باب ۲۳ آیات ۱ و ۲). در اواسط اول قرن، بویژه در روایت سوء مدیریت روم، یهودیه همچنین از انقلابیون و آرمان های ملی گرایانه پر شد. این فضا بر تمام افشار جامعه یهودی از جمله احتمالاً کلیسا تأثیر گذاشت. در چنین زمینه ای، فعالیت های آن فرد فریسی سابق در میان غیر یهودیان باید او را به یک چهره بدنام تبدیل کرده باشد (اعمال رسولان باب ۲۱ آیات ۲۷ تا ۳۶). پولس نگرانی های بیشتری نیز داشت. در اعمال رسولان باب ۲۰ آیات ۲۸ تا ۳۱، پولس بر نحوه برخورد رهبران کلیسا در افسس با موضوع معلمان دروغین که او با گرگان وحشی که در تلاش برای گمراه کردن گله بودند، مقایسه می کند، تمرکز داشت. بنابراین در خود کلیسا و حتی در روزهای ابتدایی آن، خطر معلمان دروغین واقعی بود. همان گونه که سلیمان در زمانی دیگر و جایی دیگر گفت: «در جهان هیچ چیز تازه ای دیده نمی شود» (جامعه باب ۱ آیه ۹). یک تاریخ کلیسای مسیحی، خسارات باور نکردنی که معلمان دروغین به کلیسا وارد نمودند را نمایان می سازد. مشکل تا پایان نیز ادامه خواهد یافت (دوم تیموتائوس باب ۴ آیه ۳).

بدون تردید، پولس نگرانی های زیادی در ذهن داشت؛ و با این وجود، وفاداری و تلاشش هرگز از حق منحرف نشد.

دوم قرنیتیان باب ۴ آیات ۸ تا ۱۴ را بخوانید. پولس در اینجا چه چیزی می گوید که ما باید به ویژه در زمان مشکلات در مورد خود بکار بریم؟ پولس امید نهایی خود را در کجا قرار می دهد؟

۱۵ شهریور

پنجشنبه

صور و قیصریه

پس از میلیتس، لوقا سفر پولس را با جزئیات بیان می کند. این رسول که همچنان در مسیر به اورشلیم بود، یک هفته را در صور، در ساحل فینیقیه سپری می کند، جایی که کشتی لاید تخلیه می شد (اعمال رسولان باب ۲۱ آیات ۱ تا ۶). با این وجود، زمانی که او در آنجا بود، ایمانداران از او خواستند که به اورشلیم نرود. اینکه

ایمانداران توسط روح القدس هدایت شدند که به پولس هشدار دهند به اورشلیم نرود، لزوماً در تضاد با هدایت پیشین این رسول نبود. عبارت یونانی *etheto en tō pneumatic* در اعمال رسولان باب ۱۹ آیه ۲۱، باید احتمالاً با عنوان «در روح عزیمت کرد»، ارائه شود تا اینکه پولس خود این تصمیم را گرفته بود. نکته این است که روح القدس ممکن است خطراتی که در پیش روی پولس بود را به مسیحیان صوری نشان داده باشد؛ و از این رو، آنها از روی نگرانی بشری، توصیه نمودند که او به انجام آنچه قصد کرده بود ادامه ندهد. پولس خود از آنچه در اورشلیم ممکن بود برایش اتفاق بیافتد، مطمئن نبود (اعمال رسولان باب ۲۰ آیات ۲۲ و ۲۳). هدایت الهی حتی برای فردی مانند پولس، همواره همه چیز را مشخص نمی سازد.

اعمال رسولان باب ۲۱ آیات ۱۰ تا ۱۴ را بخوانید. در رابطه با سفر پولس به اورشلیم، چه اتفاقی در قیصریه افتاد؟

اگابوس یک نبی اهل اورشلیم بود که قبلاً در ماجرای قحطی در اعمال رسولان باب ۱۱ آیات ۲۷ تا ۳۰ معرفی شد. پیام او مانند برخی از پیشگویی های عهد قدیم (برای مثال، اشعیا باب ۲۰ آیات ۱ تا ۶، ارمیا باب ۱۳ آیات ۱ تا ۱۰)، یک پیام عملی بود؛ این پیام به عنوان یک تصویر واضح از آنچه برای پولس پس از ورودش به اورشلیم اتفاق می افتاد و اینکه دشمنانش چگونه او را به غیر یهودیان (رومیان) تحویل می دادند، بود. کسانی که با پولس بودند، احتمالاً پیام اگابوس را به عنوان یک هشدار در نظر گرفتند و نه یک پیشگویی و در نتیجه، با تمام قدرت سعی کردند رسول را متقاعد سازند که به اورشلیم نرود. پولس اگر چه عمیقاً تحت تأثیر واکنش آنها قرار گرفته بود، اما مصمم بود که مأمویتش را حتی به بهای زندگی خود به پایان برساند. برای او، یکپارچگی انجیل و اتحاد کلیسا مهم تر از امنیت و منافع شخصی او بودند.

«رسول پیش از این هرگز با چنین قلب غمگینی در اورشلیم موعظه نکرده بود. او می دانست که دوستانی کم و دشمنانی زیاد خواهد یافت. او داشت به شهری نزدیک می شد که پسر خدا را طرد نموده و کشته بودند که اکنون تهدیدات خشم الهی در حال فرود افتادن بود.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, *The Acts of the Apostles*, pp. 397, 398

پولس که درک نشد، بدنام شد و اغلب با او بد رفتاری می شد و ناسزا می شنید، با این وجود به ایمان خود ادامه داد. ما چگونه می توانیم بیاموزیم که در شرایط دلسرد کننده یکسان، همین کار را انجام دهیم؟

تفکری فراتر: «موفقیت موعظه انجیل بار دیگر خشم یهودیان را برانگیخت. از همه جا روایاتی از انتشار آموزه ای جدید شنیده می شد که بواسطه آن، یهودیان از نگه داشتن مناسک احکام تشریفاتی خلاصی می یافتند و غیر یهودیان امتیازاتی برابر با یهودیان به عنوان فرزندان ابراهیم بدست می آوردند.... بیان قاطعانه پولس، نه یونانی است، نه یهود، نه ختنه، نه نامختونی (کولسیان باب ۳ آیه ۱۱)، توسط دشمنانش به عنوان جسارت توهین به مقدسات به حساب می آمد و آنها تصمیم گرفتند که این صدا باید خاموش شود.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 390

«و او نمی توانست روی همدردی و حمایت برادران ایمانی خود حساب کند. یهودیان ایمان نیاورده که کارهای او را از نزدیک زیر نظر داشتند، در دادن گزارش نامطلوب شخصاً و با نامه در مورد او و کارش در اورشلیم، به سرعت عمل کردند؛ و برخی، حتی میان رسولان و بزرگان، این گزارشات را حقیقی پنداشتند و هیچ تلاشی برای مخالفت با آنها نکردند، تمایلی برای موافقت با او نمودند.» — Page 398

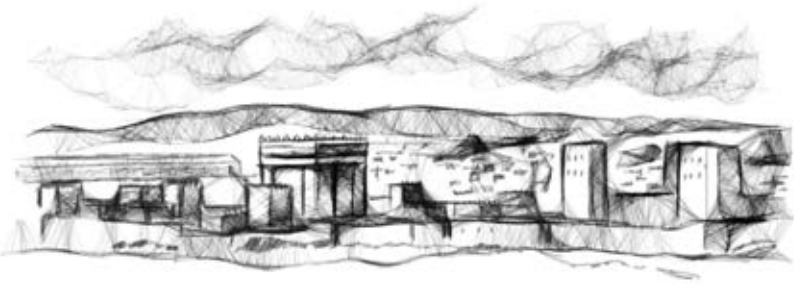
سوالاتی برای بحث

۱. دوازده شاگردی که پولس در افسس ملاقات نمود، پیروان سابق یحیی تعمید دهنده بودند که پیش از آن پیرو عیسی شده بودند (اعمال رسولان باب ۱۹ آیات ۱ تا ۷). فکر می کنید چرا درست است از این آیات برای الزامی نمودن غسل تعمید گرفتن مسیحیان از فرقه های دیگر به ادونتیست که قبلاً با فرو برده شدن در آب، تعمید گرفته اند، استفاده کنیم؟ آیا این واقعیت که آپولس دوباره تعمید نگرفت، اهمیت دارد؟

۲. درباره موقعیت پولس بیاندهشید. او توسط قوم خود که به عیسی ایمان نداشتند، طرد شده است. حتی از یهودیانی که به عیسی ایمان دارند، بسیاری با سوءظنی بزرگ و یا حتی بی اعتمادی او را می بینند، زیرا آنها فکر می کنند که او از «علامت های مشخص» منحرف شده است. بسیاری از بت پرستان، از انجیلی که او موعظه می کند، متنفر هستند. و با این وجود، چه؟ چرا پولس با وجود تمام این مخالفت ها، ادامه می دهد؟ اگر چه ما پولس نیستیم، اما چه درسی می توانیم از این داستان برای خود بگیریم؟

۳. به برخی دیگر از استدلال هایی که مردم برای اثبات اینکه سبت به یکشنبه تغییر یافته است و یا اینکه دیگر الزام آور نیست، می آورند، بیاندهشید. ما چگونه به این استدلال ها پاسخ می دهیم و چگونه آن را به روشی انجام دهیم اطاعت از سبت مانند نه فرمان دیگر، قانونگرایی نمی باشد؛ یعنی، اگر با ایمان اطاعت کنیم و بدانیم تنها امیدمان به نجات در کجا می باشد؟

دستگیری در اورشلیم



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اعمال رسولان باب ۲۱؛ رومیان باب ۲ آیات ۲۸ و ۲۹؛ غلاطیان باب ۵ آیه ۶؛ اعمال رسولان باب ۲۲؛ اعمال رسولان باب ۲۳ آیات ۱ تا ۳۰؛ متی باب ۲۲ آیات ۲۳ تا ۳۲.

آیه حفظی: «و در شب همان روز خداوند نزد او آمده، گفت: ای پولس خاطر جمع باش زیرا چنانکه در اورشلیم در حق من شهادت دادی، همچنین باید در روم نیز شهادت دهی» (اعمال رسولان باب ۲۳ آیه ۱۱).

خیلی زود پس از نخستین سفر بشارتی پولس، مشخص شد که یک اختلاف اساسی در کلیسا در مورد نحوه پذیرفته شدن غیر یهودیان به ایمان وجود داشت (اعمال رسولان باب ۱۵ آیات ۱ تا ۵). پولس که شاید یک درگیری در حال رشد را احساس می کرد، نقشه ای برای ترویج اتحاد در کلیسا کشید. از آنجایی که در شورا از او خواسته شد به یاد فقیران باشد (غلاطیان باب ۲ آیه ۱۰)، او تصمیم گرفت که کلیساهای غیر یهودی را دعوت کند تا به برادران در یهودیه کمک مالی ارائه دهند، «جمع آوری اعانه برای مقدسین» (اول قرنتیان باب ۱۶ آیه ۱)، شاید با این امید که این کار بتواند به از بین بردن فاصله میان این دو گروه کمک کند.

این مطلب تشریح کننده عزم او برای رفتن به اورشلیم در پایان سومین سفر اوستبا وجود خطراتی در پیش روی او بود. از یک سو، او عشقی واقعی برای یهودیان داشت (رومیان باب ۹ آیات ۱ تا ۵)؛ از سوی دیگر، او مشتاق برای کلیسایی متحد بود (غلاطیان باب ۳ آیه ۲۸، باب ۵ آیه ۶). از آنجایی که یهودیان و غیر یهودیان بطور مساوی از طریق ایمان و نه بواسطه اعمال شریعت نجات می یافتند (رومیان باب ۳ آیات ۲۸ تا ۳۰)، هر گونه بیگانگی اجتماعی بر پایه الزامات تشریفاتی شریعت در میان آنها در مخالفت با ماهیت فراگیر انجیل بود (افسسیان باب ۲ آیات ۱۱ تا ۲۲).

بیابید بررسی داستان پولس را پس از ورودش به مرحله جدیدی از زندگی و خدمت ادامه دهیم.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۴ شهریور - ۱۵ September آماده شوید.

ملاقات با رهبران اورشلیم

هنگامی که پولس به اورشلیم رسید، توسط ایماندارانی که با مناسون در ارتباط بودند و قرار بود پیش آنها بماند، به گرمی مورد استقبال قرار گرفت (اعمال رسولان باب ۲۱ آیات ۱۶ و ۱۷).

در اعمال رسولان باب ۲۱ آیات ۱۸ تا ۲۲، یعقوب و بزرگان اورشلیم، در مورد شهرت پولس در میان ایمانداران یهودی محلی که نسبت به احکام موسی غیور بودند، ابراز نگرانی کردند. به آنها اطلاع داده شده بود که او به یهودیان ایمان آورده خارج از کشور تعلیم می داد که موسی را رها کنند و به آنها می گفت «نباید اولاد خود را مختون ساخت و به سنن رفتار نمود» (اعمال رسولان باب ۲۱ آیه ۲۱).

البته این واقعاً درست نبود. آنچه پولس تعلیم داد این بود که در مورد نجات، ختنه و نامختونی معنایی نداشتند زیرا یهودیان و غیر یهودیان بطور مساوی از طریق ایمان به عیسی نجات می یافتند (رومیان باب ۲ آیات ۲۸ و ۲۹؛ غلاطیان باب ۵ آیه ۶؛ کولسیان باب ۳ آیه ۱۱). این کار از به صراحت تشویق نمودن یهودیان به بی اعتنائی به شریعت و الزامات آن متفاوت بود. مطمئناً اطاعت به خودی خود مترادف با قانونگرایی نیست، اگر چه می توانست عمده با تغییر به این صورت معنا پیدا کند.

اعمال رسولان باب ۲۱ آیات ۲۳ تا ۲۶ را بخوانید. پولس باید چگونه نشان می داد که همچنان یک یهودی ایماندار بود؟

به پولس توصیه شد که ملاحظات سیاسی — فرهنگی را در مد نظر داشته باشد. او می بایست شایعاتی را که در باره اش منتشر شده بود را با کاری یهودمنشانه تکذیب کند: حمایت از نذر عهد برخی از ایمانداران یهودی. این نذر یک عمل ویژه دینی بود که از طریق آن، یک یهودی خود وقف خدا می کرد.

متأسفانه پولس تسلیم شد. قهرمانان، از جمله قهرمانان کتاب مقدس معایب خود را دارند، همانطور که می توانیم در زندگی ابراهیم، موسی، پطرس و چندین نفر دیگر ببینیم. می توان استدلال نمود که پولس تنها از اصل خود در عمل کردن مانند یک یهودی در زمان برخورد با یهودیان را دنبال می کرد (اول قرنتیان باب ۹ آیات ۱۹ تا ۲۳)، یا اینکه بیان شده است او خود کمی پیش از آن نذری کرده بود (اعمال رسولان باب ۱۸ آیه ۱۸)، اگر چه ماهیت اصلی این نذر دقیقاً مشخص نیست. هر چند، این بار یک سازش در کار بود، زیرا در پشت قضیه انگیزه ای مبنی بر سفارش بر قانون مدار بودن را دلالت می کرد. مفهوم چنین نگرشی دقیقاً همان

چیزی بود که این رسول به شدت علیه آن تلاش نمود: اینکه دو انجیل وجود دارد، یکی برای غیر یهودیان، نجات از طریق ایمان، و دیگری برای یهودیان، نجات از طریق اعمال. «او [پولس] از جانب خدا مجاز نشده بود که هر آنچه آنها می خواستند را انجام دهد.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 405

ما در تلاشمان برای رعایت کردن تعادل، چگونه می توانیم مراقب باشیم چنین اشتباهی را مرتکب نشویم؟

۱۹ شهریور

دوشنبه

شورش در معبد

پولس که پیشنهاد رهبران کلیسا را پذیرفت، باید متحمل مراسم هفت روزه تطهیر می شد تا در تکمیل نذر آن مردان همکاری کند (اعداد باب ۱۹ آیات ۱۱ تا ۱۳). در همین حال، این شرط در رسم یهودی وجود داشت که هر فردی که از سرزمین های غیر یهودی بیاید، ناپاک خواهد بود و در نتیجه قادر به ورود به معبد نخواهد بود. به این دلیل بود که پولس باید پیش از رفتن نزد کاهنان و ارائه خبر روند تطهیر خود مربوط به نذیره، خود را تطهیر می کرد (اعمال رسولان باب ۲۱ آیه ۲۶).

اعمال رسولان باب ۲۱ آیات ۲۷ تا ۳۶ را بخوانید. در پایان دوره هفت روزه تطهیر پولس، چه اتفاقی برایش افتاد؟

توسط کسانی که مردم را علیه پولس برانگیخته بودند و به او اتهام حمله به مقدس ترین نمادهای مذهب یهود، به طور خاص، بی حرمتی به معبد، شورش به راه افتاد. از آنجایی که یکی از همراهان سفر پولس، یک ایماندار غیر یهودی اهل افسس به نام تروفیمس بود (اعمال رسولان باب ۲۱ آیه ۲۹)، آنها فکر کردند که رسول او را به صحن اندرونی معبد، جایی که تنها یهودیان می توانستند به آن وارد شوند، معرفی کرده بود. اگر این اتهام قانونی بود، پولس به جدی ترین جرم متهم می شد. در امتداد دیواری که صحن اندرونی را از بیرونی جدا می ساخت، نشانه هایی به زبان های یونانی و لاتین وجود داشت که به بازدیدکنندگان غیر یهودی هشدار می داد که از آنجا به بعد وارد نشوند، در غیر این صورت خود شخصاً مسئول مرگ متعاقب آن می بودند.

«طبق قانون یهودی، وارد شدن یک فرد ختنه نشده به صحن های اندرونی بنای مقدس، جرمی با مجازات مرگ در بر داشت. پولس در شهر به همراه تروفیمس اهل

افسس دیده شده بود و چنین حدس زده شده بود که او این فرد را به معبد آورده است. او این کار را انجام نداده بود؛ و از آنجایی که خود یک یهودی بود، عمل وارد شدن به معبد برایش تخلف از قوانین نبود. اما اگر چه اتهام کاملاً نادرست بود، باعث شد پیش داوری همه گیری بوجود آورد. همین که فریادها بلندتر شد و به صحن های معبد رسید، جمعیت حاضر در آنجا به شدت هیجان زده شد.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 407

هنگامی که خبر شورش به قلعه روم رسید، فرمانده رومی، کلودیوس لیسپاس (اعمال رسولان باب ۲۱ آیات ۳۱ و ۳۲، باب ۲۳ آیه ۲۶) با سپاهش آمد و پولس را پیش از اینکه جمعیت او را بکشد نجات داد. پولس به عنوان هدف حملات، دستگیر و به زنجیر کشیده شد، در حالی که فرمانده در تلاش بود بفهمد موضوع چه می باشد. او در فریادهای شدید جمعیت، دستور داد که رسول به قلعه برده شود.

شایعات، البته نادرست، به شروع شدن این شورش کمک کردند. چرا ما باید در مورد نوع شایعاتی که به آنها گوش می دهیم و یا بدتر، آنها را انتشار می دهیم، مراقب باشیم؟

۲۰ شهریور

سه شنبه

در برابر جمعیت

اعمال رسولان باب ۲۱ آیات ۳۷ تا ۴۰ می گویند که پس از آن چه اتفاقی افتاد. همانطور که پولس به برای بازجویی به قلعه رومی برده می شد، از فرمانده برای مخاطب قرار دادن مردم که همچنان دیوانه وار تقاضای مرگ او را داشتند، اجازه خواست. از آنجایی که پولس، با فرمانده به زبان یونانی سخن گفت، فرمانده فکر کرد که پولس ممکن است یک یهودی اهل مصر بوده باشد که می خواست تا سه سال دیگر شورش در اورشلیم علیه اشغال رومی ها براه بیندازد. با این وجود، شورش توسط نیروهای رومی فرو نشست؛ بسیاری از پیروان او کشته یا دستگیر شدند، در حالی که فرد مصری فرار کرد. پولس پس از اینکه گفت اهل طرسوس است و نه مصر، به او اجازه صحبت کردن داده شد. او در سخنانش، پاسخ دقیقی در برابر اتهامات مطرح شده علیه خود را ارائه نداد (اعمال رسولان باب ۲۱ آیه ۲۸)، بلکه داستان ایمان آوردن خود را بیان کرد و مریدی خود به یهودیت را تا حد آزار و اذیت ایمانداران به عیسی را برجسته نمود. هنگامی که خداوند او را با چندین مکاشفه روبرو نمود، چاره ای جز پیروی از او نداشت. این، چرخش کامل زندگی و فراخوانده شدنش به بشارت دادن به غیر

یهودیان را توضیح داد. پولس به جای اینکه درگیر بحث الهیاتی شود، تجربه خود و دلیل انجام کارهایش را برای ایشان بازگو نمود.

اعمال رسولان باب ۲۲ آیات ۲۲ تا ۲۹ را بخوانید. جمعیت چگونه در برابر این جمله که او رسول غیر یهودیان بود، واکنش نشان دادند؟

تصمیم به اجازه دادن به پولس برای صحبت کردن نتیجه خوبی نداشت. پولس با اشاره به تعهد خود به غیر یهودیان، به نظر می رسید حقیقت اتهامات وارده به خود را تایید می کرد (اعمال رسولان باب ۲۱ آیه ۲۸) و جمعیت دوباره مغشوش شد. فرمانده رومی ممکن است تمام چیزهایی که پولس گفت را درک نکرده باشد؛ بنابراین، تصمیم گرفت با شلاق زدن او را امتحان کند. با این حال، پولس علاوه بر اینکه یک یهودی خالص بود (فیلیپیان باب ۳ آیه ۵)، تابعیت رومی نیز داشت و هنگامی که به آن اشاره کرد، فرمانده باید کوتاه می آمد. پولس به عنوان یک شهروند رومی، نمی توانست مورد چنان شکنجه ای قرار بگیرد.

سخنرانی پولس را بخوانید (اعمال رسولان باب ۲۲ آیات ۱ تا ۲۱). چه شواهدی می بینید که پولس علاوه بر دفاع از خود، همچنین به یهودیان بشارت می داد؟ چرا او باید داستان ایمان آوردنش را بیان می کرد؟ چه چیزی در مورد روایات ایمان آوردن وجود دارد، که می تواند چنین قدرتمند باشد؟

۲۱ شهریور

چهارشنبه

در برابر شورای عالی یهود؛ سنهدرین

هنگامی که فرمانده رومی متوجه شد که پولس هیچ تهدیدی برای امپراتوری ندارد، یعنی، اینکه مسئله به اختلافات درونی یهودیان مربوط می شد، از سنهدرین خواست که این مسئله را بررسی کند (اعمال رسولان باب ۲۲ آیه ۳۰؛ باب ۲۳ آیه ۲۹).

اعمال رسولان باب ۲۳ آیات ۱ تا ۵ را بخوانید. پولس چگونه دفاع از خود را در برابر سنهدرین شروع کرد؟

بیانیه مقدماتی پولس با کوبیده شدن بر دهان مواجه شد، شاید به عنوان یک زندانی، اشاره او به خدا کفر آمیز بود. واکنش آنی او، نگاه اجمالی از خلق و خوی او به ما می دهد. او با خطاب قرار دادن کاهن اعظم به عنوان «دیوار سفید شده» یا خوش ظاهر بد باطن (اعمال رسولان باب ۲۳ آیه ۳)، انعکاسی از محکومیت ریاکاری فریسیان توسط عیسی در متی باب ۲۳ آیه ۲۷ بود. با این وجود، از آنجایی که پولس در واقع نمی دانست در حال صحبت کردن با کاهن اعظم هست، این امکان که او بینایی بدی داشت نباید بطور کامل رد شود.

اعمال رسولان باب ۲۳ آیات ۶ تا ۱۰ را بخوانید. پولس چگونه با ابتکار عمل تلاش نمود در روند ها اختلال ایجاد کند؟

شورای عالی سنهدرین از صدوقیان و فریسیانی تشکیل می شد که در تعدادی مسائل با یکدیگر اختلاف داشتند که اصول اعتقادی یکی از آنها بود. برای مثال صدوقیان که حکم کتاب مقدس ایشان تنها شامل پنج کتاب اول موسی می شد (تورات)، به زنده شدن مردگان اعتقاد نداشتند (متی باب ۲۲ آیات ۲۳ تا ۳۲).

با این وجود سخنان پولس (اعمال رسولان باب ۲۳ آیه ۶) چیزی بیشتر از یک فن هوشمندانه برای منحرف کردن سنهدرین بود. از آنجایی که مواجهه او با عیسای برخاسته از مرگ در مسیر دمشق، اساس ایمان آوردن و ماموریت رسالتی او بود، باور به رستاخیز مسئله واقعی بود که او برای آن محاکمه می شد (اعمال رسولان باب ۲۴ آیه ۲۰ و ۲۱، باب ۲۶ آیات ۶ تا ۸). هیچ چیز دیگری نمی توانست توضیح دهد که او چگونه از یک متعصب به آنچه که اکنون می باشد، تغییر کرده بود. اگر عیسی از مرگ زنده نشده بود، پس ماموریتش بی ارزش بود و او نیز این را می دانست (اول قرنیتیان باب ۱۵ آیات ۱۴ تا ۱۷). آن شب هنگامی که پولس در قلعه بود، خداوند با این دلگرمی بر او ظاهر شد: ای پولس خاطر جمع باش زیرا چنان که در اورشلیم در حق من شهادت دادی، همچنین باید در روم نیز شهادت دهی (اعمال رسولان باب ۲۳ آیه ۱۱). با توجه به شرایط، چنین وعده ای ممکن است بویژه برای پولس با معنی بوده باشد. آرزوی بلند مدت او در بشارت در روم (اعمال رسولان باب ۱۹ آیه ۲۱، رومیان باب ۱ آیات ۱۳ تا ۱۵، باب ۱۵ آیات ۲۲ تا ۲۹) هنوز می توانست اتفاق بیافتد.

۲۲ شهریور

پنجشنبه

انتقال به قیصریه

گروهی از این واقعیت که هنوز از نظر قانونی از دست پولس رهایی نیافته بودند، ناراحت بودند و از این رو تصمیم گرفتند دسیسه کرده تا او را به دام انداخته و به قتل برسانند.

اعمال رسولان باب ۲۳ آیات ۱۲ تا ۱۷ را بخوانید. نقشه آنها چه بود و چگونه خنثی شد؟ این چه چیزی درباره پر حرارت بودن مردم برای اهداف نادرست می تواند به ما بیاموزد؟

اینکه بیش از چهل یهودی با هم بر علیه پولس توطئه نمودند و خود را با سوگندی محدود نمودند، میزان نفرتی را نسبت به آن رسول نشان می دهد که در اورشلیم برانگیخته بود. لوقا هویت این مردان را برای ما آشکار نمی سازد اما آنها افراط گرایانی بودند که برای حفاظت از ایمان یهودی در برابر خائنان و دشمنان، حاضر به انجام هر کاری بودند. چنین سطحی از تعصب مذهبی همراه با یک شور انقلابی و ملی، در یهودیه قرن اول و اطراف آن غیر معمول نبود.

با این وجود، خوشبختانه، خبر مربوط به توطئه به گوش خواهرزاده پولس رسید. این تا حدی نا امید کننده است که ما تقریباً هیچ چیز درباره خانواده پولس نمی دانیم، اما به نظر می رسد او و خواهرش در اورشلیم بزرگ شدند (اعمال رسولان باب ۲۲ آیه ۳)، جایی که خواهرش ازدواج کرد و دست کم یک پسر داشت. به هر حال، خواهرزاده پولس — جوان کم سن و سال (اعمال رسولان باب ۲۳ آیات ۱۸ و ۲۲) و این واقعیت که دستش گرفته شد (اعمال رسولان باب ۲۳ آیه ۱۹)، دلالت بر این دارد که او همچنان یک نوجوان بود — موفق شد او را در قلعه ملاقات کند و جریان را برایش بگوید.

اعمال رسولان باب ۲۳ آیات ۲۶ تا ۳۰ را بخوانید. فرمانده لیسسیاس چه پیامی در مورد پولس به فرماندار فلیکس فرستاد؟

در نامه به فلیکس، گزارشی بیطرفانه از موقعیت ارائه شده بود. علاوه بر این، نشان می داد که چگونه پولس از تابعیت رومی خود منتفع می شود. قوانین روم کاملاً از شهروندانش محافظت می کرد، که برای مثال حق داشتن محاکمه ای قانونی را داشتند که در آن می توانستند در برابر دادگاه حاضر شوند و از خود دفاع کنند (اعمال رسولان باب ۲۵ آیه ۱۶)، و در صورت محاکمه ای ناعادلانه، حق درخواست تجدیدنظر از امپراتور را داشتند (اعمال رسولان باب ۲۵ آیات ۱۰ و ۱۱).

صرفنظر از شهرت فلیکس، او با پولس به شیوه قانونی مناسب رفتار نمود. او پس از بازجویی اولیه، دستور داد تا رسیدن شاکیان، تحت مراقبت نگه داشته شود.

درباره مشیت خدا در زندگی پولس بیاندیشید. هر چند وقت یکبار با وجود سختی ها و رنج هایی که ممکن است کشیده باشید، با فروتنی مشیت خدا را در زندگی خود اذعان می کنید؟

تفکری فراتر: در این فرصت، پولس و همراهانش به طور رسمی به رهبرانی که در اورشلیم در راس امور قرار داشتند معرفی شدند برای مشارکت و همکاری در اموری که بواسطه کلیساهای غیریهودی تبار بخاطر حمایت از فقیران در میان برادران یهودی ادامه یافته بود....

«این کمک های اختیاری دلالت بر وفاداری ایمان آوران غیر یهودی تبار به کار سازماندهی شده خدا در سرتاسر جهان داشت و باید توسط همه با سپاسگزاری تایید می شد، با این حال، برای پولس و همراهانش آشکار بود که حتی در میان کسانی که اکنون آنها در مقابلشان ایستاده بودند، برخی وجود داشتند که قادر به درک روحیه محبت برادرانه که باعث اعانه کمک شده بود، نبودند». الن جی. وایت... — Ellen G. White, *The Acts of the Apostles*, pp. 399, 400.

اگر رهبران کلیسا، احساسات تلخ خود را نسبت به رسول بطور کامل از بین می بردند و او را به عنوان فرد خاصی که از سوی خدا برای رساندن انجیل به غیر یهودیان فرا خوانده شده بود، در نظر می گرفتند، خداوند چشم پوشی می نمود. خدا مقدر نداشت که تلاش های پولس چنین زود به پایان برسد، اما برای مقابله با سلسله ای از شرایط که رهبران کلیسا در اورشلیم بوجود آورده بودند، معجزه ای انجام نداد.

همان روحیه همچنان به نتایجی مشابه ختم می شود. غفلت در قدردانی و بهبود تدارکات فیض الهی، باعث شد کلیسا از بسیاری از برکات محروم بماند. هر چند وقت یکبار خداوند کار برخی از خدمتگزاران وفادار را طولانی نمود تا از کار ایشان قدردانی شود! اما اگر کلیسا به دشمنان جان ها اجازه دهد فهم و درک را منحرف کند، تا آنها سخنان و اعمال خدمتگزار مسیح را بد جلوه داده و بد تفسیر کنند؛ اگر آنها به خود اجازه دهند در راه او بایستند و مانع سودمندی او شوند، خداوند گاهی اوقات برکاتی که داده است را از آنها می گیرد....

«پس از اینکه دست ها بر روی سینه ای که دیگر تپش ندارد جمع شود، هنگامی که صدای هشدار و تشویق خاموش شود، سپس فرد لجوج و سخت دل ممکن است چشمانش باز شود تا برکاتی که از ایشان گرفته شده است را ببینند و ارزش آنرا درک کند. مرگ آنها ممکن است آنچه زندگی ایشان قادر به انجام نبود را تحقق بخشد». صفحات ۴۱۷ و ۴۱۸.

سوالاتی برای بحث

۱. پولس با رفتن به اورشلیم با وجود اینکه می دانست مورد استقبال قرار نخواهد گرفت، منافع کلیسا را بالاتر از منافع شخصی خود قرار داد. ما چه حد باید از الگوی او پیروی کنیم؟
۲. ما از مصالحه پولس در اورشلیم چه چیزی می توانیم بیاموزیم؟ ما چگونه می توانیم بدون خدشه وارد ساختن به اصولی که با آنها زندگی می کنیم، از نظر مصالح سیاسی — فرهنگی درست عمل کنیم؟ آیا می توانیم؟
۳. اتحاد کلیسا همواره بسیار مهم است. ما چگونه می توانیم بیاموزیم تا با هم همکاری داشته باشیم حتی زمانی که دیدگاه های متفاوت داریم، با هم برای اتحاد کلیسا تلاش کنیم؟

حبس در قیصریه



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اعمال رسولان باب ۲۴؛ اعمال رسولان باب ۲۵؛ اعمال رسولان باب ۲۶؛ اول قرن‌تینان باب ۱ آیه ۲۳.

آیه حفظی: «از خدا خواهش می‌داشتم یا به قلیل یا به کثیر، نه تنها تو بلکه جمیع این اشخاصی که امروز سخن مرا می‌شنوند مثل من گردند، جز این زنجیرها» (اعمال رسولان باب ۲۶ آیه ۲۹).

انتقال پولس به قیصریه، دو سال زندانی بودن در آن شهر را به همراه داشت (اعمال رسولان باب ۲۴ آیه ۲۷)، بطور دقیق تر در دارالخلافه هیرودیس (اعمال رسولان باب ۲۳ آیه ۳۵)، که محل اقامت رسمی فرماندار رومی بود. در طول آن سال‌ها، او چندین جلسه دادگاه داشت که در مقابل دو فرماندار رومی (فلیکس و فستوس) و یک پادشاه (اگریپاس دوم) حاضر می‌شد، و در نتیجه خدمتی که خدا به او داده بود را بیشتر تحقق می‌بخشید (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۱۵). در تمام جلسات پولس همواره ادعای بی‌گناهی می‌کرد، چنین دلیل می‌آورد که هیچ مدرکی علیه او نمی‌توانست بوجود آید زیرا شاهی وجود نداشت. در واقع، تمام روایت قصد دارد نشان دهد که پولس کاری که مستوجب دستگیری باشد انجام نداده است و اینکه او می‌توانست آزاد شود، از سزار تقاضا نکرد (اعمال رسولان باب ۲۶ آیه ۳۲). اگر چه این جلسات به او فرصت‌هایی برای شهادت دادن در مورد عیسی و امید بزرگ یافت شده را در وعده رستاخیز از مرگ ارائه شد.

با این حال، اینها همچنان سال‌هایی از اضطراب عمیق و سلولی خسته‌کننده بودند که در آن به نظر می‌رسد که رسول از سوی کلیسای اورشلیم هیچ نوع حمایتی نداشت، کلیسایی که رهبران آن «همچنان احساس اینکه پولس باید برای تعصبات موجود تا حد زیادی مسئول در نظر گرفته شود را گرمی می‌داشتند.» — ال. جی. وایت، Ellen G.

White, The Acts of the Apostles, p. 403

در برابر فلیکس

پنج سال پس از انتقال پولس به قیصریه، گروهی از رهبران یهودی برجسته — کاهن اعظم، چندین عضو شورای عالی یهود موسوم به سنهدرین و یک وکیل حرفه ای به نام ترتلس — از اورشلیم آمدند و دعوی خود علیه رسول را بطور رسمی در برابر فلیکس ارائه دادند (اعمال رسولان باب ۲۴ آیات ۱ تا ۹).

این تنها محاکمه در اعمال رسولان می باشد که در آن مدعیان یک وکیل استخدام کردند. ترتلس در سخنرانی خود استراتژی جالبی به کار برد تا مورد لطف فرماندار واقع شود. این در واقع درست نبود که تحت فرمانداری فلیکس، یهودیان از دوره صلح طولانی لذت برده بودند. در واقع، هیچ شهردار دیگری چنین سرکوبگر و خشن نبود و این سرکوبی، خصومتی بزرگ در میان یهودیان نسبت به حکومت روم بوجود آورد. ترتلس با کلی ابتکار و خلاقیت، از سیاست اداری خود فرماندار استفاده نمود تا او را متقاعد سازد که در دعوی خود با سرکوبی شدید، ثبات سیاسی بدست خواهد آورد.

سپس او در ادامه سه اتهام خاص به پولس وارد نمود: (۱) اینکه پولس یک آشوبگر بود که مداوم در میان یهودیان در سرتاسر امپراتوری اضطراب بر می انگیزد (اعمال رسولان باب ۲۴ آیه ۵)؛ (۲) اینکه او یک سر دسته شورشیان ناصری بود (اعمال رسولان باب ۲۴ آیه ۵)، که مسیحیت را به نوعی جنبش مخرب تبدیل نموده بود؛ و (۳) اینکه او تلاش نموده بود معبد اورشلیم را بی حرمت کند (اعمال رسولان باب ۲۴ آیه ۶).

اعمال رسولان باب ۲۴ آیات ۱۰ تا ۱۹ را بخوانید. پولس چگونه به هر کدام از این اتهامات پاسخ داد؟

دو نکته دیگری که توسط پولس مطرح شدند برای دعوی مدعیان ویرانگر بودند: (۱) نبود شاهدان اهل آسیا (اعمال رسولان باب ۲۴ آیات ۱۸ و ۱۹)، که می توانستند این محاکمه را نا معتبر کنند و (۲) این واقعیت که یهودیان در آنجا تنها می توانستند در مورد محاکمه پولس در برابر شورای عالی یهود موسوم به سنهدرین در یک هفته قبل صحبت کنند (اعمال رسولان باب ۲۴ آیه ۲۰)، و از این رو آنها چیزی برای متهم کردن او نداشتند به جز اینکه او به رستاقیز مردگان معتقد بود (مقایسه شود با اعمال رسولان باب ۲۳ آیه ۶).

فلیکس بلافاصله سنگینی استدلال های پولس را درک نمود، همچنین به این دلیل که او احتمالاً بواسطه همسر یهودی خود دروسیدا، به نوعی با مسیحیت آشنا بود. واقعیت این است که او تصمیم گرفت دادرسی را تا اطلاع ثانوی متوقف کند (اعمال رسولان باب ۲۴ آیه ۲۲).

پاسخ فلیکس (اعمال رسولان باب ۲۴ آیات ۲۴ تا ۲۷) چیزهای زیادی در مورد شخصیتش

را نمایان ساخت: او کارها را به تعویق می انداخت، رشوه گیر و فرصت طلب بود. با شخصی مانند فلیکس، پولس شانس کمی برای دادرسی عادلانه را داشت.

اعمال رسولان باب ۲۴ آیه ۱۶ را بخوانید. پولس گفت که او همواره می کوشید تا «در برابر خدا و انسان وجدانی آسوده و پاک داشته باشد». این مطلب به چه معنی است؟ شما مجبور نیستید تغییری ایجاد کنید. اگر چنین چیزی لازم بود آنوقت شما چه می کردید؟

۲۶ شهریور

دوشنبه

قبل از فستوس

فلیکس پس از نگه داشتن پولس در زندان به مدت دو سال به عنوان لطفی به یهودیان، بدستور پورکیوس فستوس جایگزین فرماندار یهودیه شد (اعمال رسولان باب ۲۴ آیه ۲۷). فستوس از سال ۶۰ تا ۶۲ پس از میلاد حکومت می کرد.

اعمال رسولان باب ۲۵ آیات ۱ تا ۵ را بخوانید. با توجه به آیات ذکر شده، کسانی که نمی خواهند این آیات را باور کنند چگونه نفرتی را که موعظه حقیقت سبب آن می شود، آشکار می کنند؟

رهبران احتمالاً به این دلیل که قبلاً یکبار در تلاش خود برای متقاعد ساختن فلیکس در مورد اتهامات علیه پولس ناموفق بودند، نمی خواستند دوباره این اتفاق بیافتد. آنها در آنچه به نظر می رسد نخستین بازدید فستوس از اورشلیم باشد، به عنوان لطف درخواست کردند حوزه قضایی تغییر کند و خواستند پولس را به آنها بازگرداند تا مطابق با احکام یهودی در برابر سنهدرین محاکمه شود.

با این وجود، این درخواست تنها پوششی برای مخفی نمودن نیت واقعی ایشان بود: کشتن پولس. اگر چه فستوس مایل بود که پرونده را بار دیگر باز کند، گفت که دادرسی در قیصریه انجام خواهد شد و نه اورشلیم، که بدین معناست که پولس بر اساس قوانین روم محاکمه می شد. به محض اینکه فستوس به قیصریه بازگشت، جلسه دادگاه را تشکیل داد و مخالفین پولس شروع به ارائه اتهامات علیه او نمودند (اعمال رسولان باب ۲۵ آیه ۷). این بار لوقا اتهامات را بیان نمی کند، اما بر طبق پاسخ پولس (اعمال رسولان باب ۲۵ آیه ۸)، می توانیم ببینیم که مشابه با اتهامات دو سال قبل بودند، احتمالاً با تأکید بیشتر بر اینکه پولس بدلیل آشوبگر بودن، همچنین تهدیدی برای امپراتوری محسوب می شد.

اعمال رسولان باب ۲۵ آیات ۹ تا ۱۲ را ببینید. پولس که احساس کرد فستوس می توانست از او برای دلایل سیاسی استفاده کند، چگونه واکنش نشان داد؟

در پایان، فستوس در رابطه با استراتژی های سیاسی، زیاد با فلیکس متفاوت نبود (اعمال رسولان باب ۲۴ آیه ۲۷). او که مایل نبود با بی گناه اعلام نمودن پولس، در ابتدای حکومت خود حمایت یهودیان را از دست دهد، به این فکر کرد که درخواست اصلی ایشان را برایشان برآورده سازد: اینکه رسول توسط سنهدرین در اورشلیم محاکمه شود. با این وجود این برای پولس که می دانست نمی تواند انتظار داشته باشد در آنجا عادلانه محاکمه شود، قابل قبول نبود که به دست دشمنانش بیافتد. بنابراین او با تأکید نمودن بر حقوق رومی خود، اصرار نمود که او این حق را دارد که در یک دادگاه رومی محاکمه شود و او که انتظار راه دیگری برای رهایی از آن موقعیت خطرناک را نداشت، مصمم شد از بالاترین مقام دادگاه روم که شخص امپراتور بود این درخواست را بکند.

۲۷ شهریور

سه شنبه

در مقابل اغریپاس

فستوس موافقت کرد که درخواست پولس به روم فرستاده شود (اعمال رسولان باب ۲۵ آیه ۱۲). در همین حال، از بازدید هیروودیس اغریپاس دوم به نفع خود استفاده نمود تا در مورد پرونده پولس با او مشورت کند، بطور خاص در مورد اینکه او باید چه نوع اطلاعاتی در گزارش رسمی خود به امپراتور بفرستد. فستوس هنوز به اندازه کافی با امور یهودی آشنا نبود و اغریپاس قطعاً می توانست به او کمک کند (اعمال رسولان باب ۲۶ آیات ۲ و ۳).

اعمال رسولان باب ۲۵ آیات ۱۳ تا ۲۲ را بخوانید. فستوس در مورد پولس چه چیزی به اغریپاس گفت و پادشاه چگونه پاسخ داد؟

اغریپاس دوم، آخرین پادشاه هیروودیان، با خواهرش برنیس به قیصریه آمد تا به فرماندار جدید ادای احترام کند. فستوس در توصیفش از پرونده پولس، تعجب خود را نشان داد که اتهامات علیه او مربوط به هیچ نو جرم دولتی، سیاسی یا جنایی نمی شد. در عوض، آنها مربوط به مسائل دین یهود بودند، بطور خاص عیسی نامی «که مرده است و پولس تأکید دارد که او زنده است» (اعمال رسولان باب ۲۵ آیه ۱۹). پولس پیش از این

در برابر سنهدرین اعلام کرده بود که او برای باورش به رستاخیز عیسی محاکمه می شد و اکنون فستوس مشخص نمود که در واقع این نکته اصلی مسئله می باشد.

اعمال رسولان باب ۲۵ آیات ۲۳ تا ۲۷ را بخوانید. لوقا چگونه مراسمی را که در آن پولس در برابر اغریپاس ظاهر شد را توصیف می کند؟

«و اکنون پولس که همچنان در زنجیر بود، در مقابل افراد ایستاد. چه تضادی در اینجا ارائه شد! اغریپاس و برنیس دارای قدرت و موقعیت بودند و به این دلیل آنها مورد پذیرش جهان بودند. اما آنها نیازمند ویژگی های شخصیتی بودند که خدا ارجمند می شمرد. آنها متخلفان از شریعت خدا و فاسد در قلب و زندگی بودند. اقدامات ایشان مورد نفرت آسمان بود.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 434

این داستان در باره ظواهر بیرونی که ممکن است در دیدگاه انسان خوش منظر و فریبنده باشند، چه درسی به ما می آموزد؟ ما خود نیز چطور؟
ظاهر با واقعیت چه تفاوتی دارد؟

۲۸ شهریور

چهارشنبه

دفاعیه پولس

پس از اینکه صحنه آماده شد و مهمانان سلطنتی در کنار فرماندار نشستند، زندانی آورده شد تا از خود دفاع کند. فستوس قبلاً حکایت ماجرا را شنیده باشد ولی هدف از برپایی جلسه مجدد این بود که اغریپاس داستان را شنیده و اظهار نظر کند (اعمال رسولان باب ۲۵ آیات ۸ تا ۱۱).

اعمال رسولان باب ۲۶ آیات ۱ تا ۲۳ را بخوانید. پولس در سخنرانی خود در مقابل اغریپاس چه کاری انجام می داد؟

سخنرانی پولس در واقع یک گزارش شرح حال از زندگی اش در قبل و بعد از ایمان آوردن بود. از لحاظ محتوا، سخنرانی در اعمال رسولان باب ۲۲ آیات ۱ تا ۲۱ را به یاد می آورد که او در برابر جمعیت در اورشلیم بیان نمود.

تلاش رسول برای جلب لطف و تفقد اغریپاس بود. او از فرصتی که برای ارائه دعوی اش در برابر چنین فرد برجسته ای دریافت کرده بود، قدردانی نمود، که بیشتر به این دلیل بود که اغریپاس به خوبی با تمام آداب و رسوم و مسائل مربوط به دین یهود آشنا بود. به این دلیل، اغریپاس می توانست مساعدت بزرگی برای فرماندار رومی در درک اینکه اتهامات علیه پولس درست نبودند، باشد.

این سخنرانی می تواند به سه بخش تقسیم شود. در بخش اول (اعمال رسولان باب ۲۶ آیات ۴ تا ۱۱، پولس تقدس فریسی پیشین خود را توصیف می کند که بطور گسترده در میان معاصرانش در اورشلیم شناخته شده بود. او به عنوان یک فریسی، به رستاخیز مردگان معتقد بود که برای تحقق امید اجدادی اسرائیل ضروری بود. از این رو یهودیان در مخالفت با آموزه های او یکپارچه نبودند زیرا چیزی در آنها نبود که اساساً یهودی نباشد. اما او نگرش آنها را به خوبی درک نمود و این بدین دلیل بود که او خود زمانی برایش بسیار باور نکردنی بود که خدا می توانست عیسی را زنده کند و اینکه او حتی کسانی که چنین اعتقادی داشتند را آزار و جفا می رساند.

در بخش دوم (اعمال رسولان باب ۲۶ آیات ۱۲ تا ۱۸)، پولس بیان نمود که چگونه پس از برخوردش با عیسی در مسیر دمشق و فراخوانی که برای رساندن پیام انجیل به غیر یهودیان دریافت کرد، جنبه فکری او را تغییر داد.

در نهایت پولس می گوید که تأثیر آنچه که دیده بود (اعمال رسولان باب ۲۶ آیات ۱۹ تا ۲۳) چنان بود که چاره ای جز اطاعت و انجام فعالیت های بشارتی نداشت، تنها دلیلی که اکنون برایش محاکمه می شد. بنابراین، مسئله اصلی برای دستگیری او این نبود که او احکام یهودی را نقض نموده و یا به معبد بی حرمتی کرده بود. بلکه، بدلیل پیامش از مرگ و رستاخیز عیسی بود که در هماهنگی کامل با کتاب مقدس بود و به ایمانداران غیر یهودی اجازه می داد سهمی مساوی از نجات داشته باشند.

اعمال رسولان باب ۲۶ آیه ۱۸ را بخوانید. با توجه به این آیات، برای کسانی که نجات در مسیح را دارند، چه اتفاقی می افتد؟ شما چگونه این واقعیت را تجربه کرده اید؟

۲۹ شهریور

پنجشنبه

پولس در برابر رهبران

اگر چه پولس با اغریپاس صحبت می کرد، آنگونه که در اعمال رسولان باب ۲۶ آیه ۲۴ دیده می شود، فستوس اولین کسی بود که واکنش نشان داد. اگر پولس در مورد جاودانگی روح سخن می گفت، فستوس هیچ مشکلی نداشت اما حتی افراد یونانی — رومی باستان می

دانستند که هر دو این مفاهیم — جاودانگی و رستاخیز — با هم سازگار نمی‌باشند. از این رو، آنها گزینه اول را برگزیده و دومی را رد نمودند. به این دلیل است که پولس در جایی دیگر می‌گوید که انجیل برای غیر یهودیان حماقت بود (اول قرنتیان باب ۱ آیه ۲۳).

پولس به شیوه‌ای محترمانه از عقلانی بودن ایده‌های خود دفاع کرد و به اغریپاس روی آورد که یک یهودی بود که نه تنها او را درک می‌کرد بلکه همچنین می‌توانست تأیید کند آنچه او می‌گفت در توافق با انبیاء عبرانی بود (اعمال رسولان باب ۲۶ آیات ۲۵ و ۲۶).

اعمال رسولان باب ۲۶ آیات ۲۷ و ۲۸ را بخوانید. پاسخ اغریپاس به جستار مصرانه پولس چه بود؟

سوال پولس، اغریپاس را در موقعیتی دشوار قرار داد. او به عنوان یک یهودی، هرگز باور خود به کتاب مقدس را انکار نمی‌کرد؛ از سوی دیگر، اگر او پاسخی مثبت می‌داد، چاره‌ای جز پذیرفتن عیسی به عنوان مسیح موعود برایش باقی نمی‌ماند. پاسخ او گریزی هوشمندانه از دامی بود که بر اساس منطق واستدلال در آن گرفتار شده بود: «خیال می‌کنی به این زودی می‌توانی مرا مسیحی کنی؟» (اعمال رسولان باب ۲۶ آیه ۲۸).

پاسخ تدافعی پولس، سطحی قابل توجه از تعهد او به انجیل است: «از خدا می‌خواهم که دیر یا زود نه تنها حضرت عالی بلکه جمیع کسانی که امروز سخنان مرا می‌شنوند مثل من بشوند، البته نه مثل من در این زنجیرها» (اعمال رسولان باب ۲۶ آیه ۲۹).

رسول در آخرین جلسه استماع دادرسی، تقاضا نمود تا مانند مستمعین خود آزاد باشد. در عوض، آرزو نمود که ایکاش آنها می‌توانستند مانند او باشند، البته نه با زنجیرهایی بر دست. تعصب بشارتی پولس بسیار بیشتر از توجه به امنیت فردی اش بود.

اعمال رسولان باب ۲۶ آیات ۳۰ تا ۳۲ را بخوانید. اغریپاس چگونه عقیده خود نسبت به بیگناه بودن پولس را بیان می‌کند؟

فستوس تنها برای تکمیل نمودن گزارش به کمک اغریپاس نیاز داشت (اعمال رسولان باب ۲۵ آیات ۲۵ تا ۲۷). درخواست پولس از سزار پیش از این بطور رسمی عملی شده بود (اعمال رسولان باب ۲۵ آیه ۱۲). زندانی دیگر تحت حوزه قضایی فرماندار نبود.

اعمال رسولان باب ۲۶ آیات ۲۴ تا ۲۸ را بخوانید. پولس در نهایت چه چیزی درخواست نمود و این مطلب درباره اقتدار نهایی ما در رابطه با ایمان همیشگی، چه چیزی به ما می‌گوید؟

تفکری فراتر: «آیا ذهن اغریپاس با این سخنان او را به تاریخ گذشته خانواده اش و تلاش های بی ثمر ایشان علیه کسی که پولس از او موعظه می کرد، بازگشت؟ آیا او به پدر بزرگ خود هیروودیس و قتل عام بیگناه در بیت لحم فکر کرد؟ آیا به عموی بزرگش آنتیپاس و قتل یحیی تمعید دهنده فکر کرد؟ آیه به پدرش اغریپاس اول و شهادت یعقوب رسول اندیشید؟ آیا او در حوادثی که به سرعت بر این پادشاهان اتفاق می افتادند، گواهی از نارضایتی خدا در نتیجه جنایاتشان علیه خدمتگزاران او را می دید؟ آیا شکوه و جلوه آن روز، اغریپاس را به یاد زمانی که پدرش پادشاهی قدرتمند تر از او و در همان شهر بود و جامه های درخشان به تن می کرد، در حالی که مردم فریاد می زدند او خدا بود، افتاد؟ آیا او فراموش کرده بود که حتی پیش از اینکه فریادهای تحسین کننده از بین بروند، انتقام، سریع و وحشتناک گریبانگیر پادشاه خودستا شده بود؟ چیزی از همه اینها در خاطر اغریپاس گذشت؛ اما صحنه مقابلش، غرورش را خوشامد و غرور و خودستایی همه افکار شریف را از بین برد.» — الن جی. وایت، Ellen G. White Comments, The SDA Bible Commentary, vol. 6, pp. 1066, 1067

سوالاتی برای بحث

۱. در کلاس، در مورد تصمیم پولس به درخواست از سزار بحث کنید. آیا این تصمیم درست بود (مقایسه کنید با اعمال رسولان باب ۲۵ آیه ۲۵، باب ۲۶ آیات ۳۱ و ۳۲)؟ تا چه حد می توانیم به طور مشروع برای حفاظت از خود به جای اینکه به طور کامل بر مراقبت خوا تکیه کنیم، تصمیمات استراتژیک بگیریم؟
۲. در مورد بیانیه پولس به اغریپاس بیاندیشید: «بنابراین ای اغریپاس پادشاه، من نسبت به رؤیای آسمانی نافرمانی نکردم» (اعمال رسولان باب ۲۶ آیه ۱۹). این چه چیزی درباره پولس به ما می گوید؟ ما باید در فراخوان بشارتی خود به عنوان مسیحی تا چه حد وفادار باشیم (اول پطرس باب ۲ آیات ۹ و ۱۰)؟
۳. پولس برای مردم اشتیاق داشت — نه برای اعداد، بلکه برای مردم. او در دادرسی نهایی خود در قیصریه به مخاطبان خود گفت که تمایل قلبی اش این بود که همه آنها مانند او باشند؛ یعنی، نجات یافته با فیض خدا (اعمال رسولان باب ۲۶ آیه ۲۹). او آزادی خود یا عدالت را بیشتر از آنچه می خواست آنها نجات خدا را تجربه کنند، آرزو نمی کرد. ما از الگوی او در اینجا چه چیزی می توانیم بیاموزیم؟ ما برای انتشار یافتن انجیل، حاضریم تا چه حد فداکاری کنیم؟
۴. اغریپاس این فرصت و امتیاز را داشت که مژده انجیل را درست از دهان پولس بشنود. و با این حال، آن را انکار نمود. چگونه می توانیم مراقب باشیم فرصت های بزرگ را وقتی در برابرمان ظاهر می شوند، از دست ندهیم؟ یعنی، چگونه می توانیم از نظر روحانی با واقعیت های اطرفمان هماهنگ باشیم؟

بازگشت خداوندان عیسی



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اعمال رسولان باب‌های ۲۷ و ۲۸؛ رومیان باب ۱ آیات ۱۸ تا ۲۰.

آیه حفظی: «ای پولس نترس زیرا تو باید در حضور امپراطور حاضر شوی» (اعمال رسولان باب ۲۷ آیه ۲۴).

پولس از زمانهای دور آرزوی بازدید از روم را داشت، اما دستگیری وی در اورشلیم همه چیز را تغییر داد. او با تسلیم شدن به فشار قانونی رهبران کلیسای اورشلیم، به مدت پنج سال تحت بازداشت روم بود، از جمله زمانی که در سفر دریایی به ایتالیا سپری نمود. این تغییر، ضربه ای شدید به برنامه های تبلیغی او بود.

با وجود این شکست، عیسی خود وعده داده که رسول هنوز هم در روم از او شهادت خواهد داد (اعمال رسولان باب ۲۳ آیه ۱۱). حتی زمانی که ما موفق به انجام کاری نمی‌شویم، خدا ممکن است هنوز هم فرصت دیگری به ما بدهد، اگر چه او همیشه ما را از عواقب اعمالمان محافظت نمی‌کند. نه تنها پولس به عنوان یک زندانی به روم برده شد، بلکه هیچ مدرکی در کتاب مقدس دال بر اینکه او هرگز به اسپانیا رفته باشد وجود ندارد، گرچه امیدوار بود (رومیان باب ۱۵ آیه ۲۴). اینگونه دانسته شده است که پولس اولین زندانی روم بود و پس از آزاد شدن دوباره دستگیر شد و این بار نه برای تحمل رنج زندان بلکه برای شهادت (دوم تیموتائوس باب ۴ آیات ۶ تا ۸) تحت حکومت نرون در سال ۶۷ پس از میلاد مسیح.

آری، پولس به روم رسید، و در حالی که در سلول زندان خود منتظر بود که در برابر امپراتور محاکمه شود، با وجود زنجیرهایش (افسیسیان باب ۶ آیه ۲۰، فیلیپیان باب ۱ آیه ۱۳) بدون اینکه کسی از جمله شخصیت‌هایی از خانواده سزار (فیلیپیان باب ۴ آیه ۲۲) مانع او شوند (اعمال رسولان باب ۲۸ آیات ۳۰ و ۳۱).

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۷ مهر — September ۲۹ آماده شوید.

سفر دریایی به روم

پولس پس از حدود دو سال حبس در قیصریه (اعمال رسولان باب ۲۴ آیه ۲۷)، باید به روم فرستاده می‌شد. با تشخیص کاربرد ضمیر جمع بجای مفرد و وفوراطلاعات بکار برده شده برای توصیف سفر دریایی پرتلاطم و طولانی به ایتالیا (اعمال رسولان باب ۲۷ آیه ۱ تا باب ۲۸ آیه ۱۶)، لوقا و یک مسیحی دیگر به نام آریستارخوس همراه پولس بودند (اعمال رسولان باب ۲۷ آیه ۲). یکی دیگر از شخصیت‌های مهم داستان، افسر رومی، ژولیوس بود که زندانیان دیگری را نیز در اختیار خود داشت (اعمال رسولان باب ۲۷ آیه ۱-۲۸: ۱۶).

اواخر تابستان بود که آنها سفر خود را شروع کردند. روزه (اعمال رسولان باب ۲۷ آیه ۹) به روز کفاره در نیمه دوم ماه اکتبر، اشاره دارد. به دلیل شرایط زمستان، به طور معمول بین ماههای نوامبر و مارس از سفر در دریای مدیترانه اجتناب می‌شد. با این وجود، در این زمان، آنها از ابتدا با مشکلاتی روبرو شدند و پس از تأخیری زیاد، به بندر حسنه یا نیک، در جزیره کریت رسیدند (اعمال رسولان باب ۲۷ آیه ۸).

اعمال رسولان باب ۲۷ آیات ۹ تا ۱۲ را بخوانید. در داستان، زمانی که پولس در بندر حسنه بود، چگونه در مداخله کرد و واکنش‌ها به آن چه بود؟

به هشدارهای پولس بی‌توجهی شد، و آنها تصمیم گرفتند تا حدود ۶۵ کیلومتر دیگر به سمت غرب به سوی بندر (قنیدوس) دریانوردی کنند، که بتوانند در آنجا زمستان را با ایمنی سپری کنند. متأسفانه، با یک تغییر ناگهانی در آب و هوا، آنها در چنان طوفان شدیدی گرفتار شدند که خدمه هیچ چاره‌ای نداشتند جز اینکه بگذارند تا کشتی توسط باد به سوی جنوب غربی، دور از خشکی کشیده شود.

به زودی آنها در تلاش برای سبک تر نمودن کشتی، شروع به پرتاب محموله و لوازم آن به دریا نمودند زیرا در حال پر شدن از آب بود. وضعیت وخیمی بود. پس از چند روز روشنایی اندک روز، دید ضعیف، باران سنگین، و بادهای مواج، بدون اینکه بدانند کجا هستند و در خستگی کامل، «دیگر هیچ امید نجات برای ایشان نماند» (اعمال رسولان باب ۲۷ آیه ۲۰).

اعمال رسولان باب ۲۷ آیات ۲۱ تا ۲۶ را بخوانید. پادرمیانی دوم پولس در داستان چه بود؟

در کلمات نبوی، پولس به خدمه پیامی را که تازه از خدا دریافت کرده بود اعلام نمود. هیچ دلیلی برای ناامیدی یا از دست دادن امید وجود ندارد. همچنان خطر و ضرر وجود دارد، اما همه آنها نجات خواهند یافت.

چرا چنین خدمتگزار وفادار و خاص خداوند مانند پولس باید چنین زیاد رنج می برد؟ از تجارب او، ما چه درس‌هایی می‌توانیم بیاموزیم؟

۲ مهر

دوشنبه

کشتی شکستگی

پولس در دومین مداخله در داستان، به تمام کسانی که بر عرشه بودند — در مجموع ۲۷۶ نفر (اعمال رسولان باب ۲۷ آیه ۳۷) — اطمینان داد که اگر چه همه چیز به خوبی پیش نخواهد رفت، تلفاتی وجود نخواهد داشت؛ تنها کشتی غرق خواهد شد (اعمال رسولان باب ۲۷ آیه ۲۲). چهارده روز بعد، سخنان رسول به حقیقت پیوست. همچنان زیر طوفان و در حالی که کشتی سرگردان بود، ملوانان احساس کردند که خشکی نزدیک است، احتمالاً از آنجایی که می‌توانستند صدای موج شکن‌ها را بشنوند (اعمال رسولان باب ۲۷ آیه ۲۷). پس از یک سری صدها و ترس از اینکه کشتی در امتداد ساحل به صخره‌ها خواهد خورد، آنها برای کم کردن سرعت، چهار لنگر را از پشت کشتی به دریا انداختند؛ در حالی که به شدت از خدایان خود می‌خواستند روشنایی روز بیابند (اعمال رسولان باب ۲۷ آیات ۲۸ و ۲۹).

اعمال رسولان باب ۲۷ آیات ۳۰ تا ۴۴ را بخوانید. در این داستان چه درس‌هایی برای ما وجود دارد؟

در ابتدای سفر، افسر رومی به خوبی با پولس رفتار نمود، اما دلیلی برای اطمینان به قضاوت دریانوردی رسول در ابتدای سفر نداشت. با این وجود، پس از دو هفته، همه چیز متفاوت بود. پولس با مداخله نبوی خود در مورد کشتی، احترام افسر رومی را بدست آورد (اعمال رسولان باب ۲۷ آیات ۲۱ تا ۲۶)، که اکنون رو به تحقق یافتن بود.

پولس از افراد حاضر بر عرشه خواست که غذا بخورند، زیرا در غیر این صورت توان شنا کردن و رسیدن به ساحل را نخواهند داشت. مشیت الهی لزوماً ما را از آنچه وظیفه ماست، معاف نمی‌دارد. «در طول این روایت، یک هماهنگی خوب میان تضمین ایمنی ایشان توسط خدا و تلاش افراد درگیر در اطمینان از آن، وجود دارد.» — دیوید جی.

ویلیامز، David J. Williams, Acts (Grand Rapids: Baker, 1990), p. 438

همانطور که صبح نزدیک می شد، ملوانان خشکی را از دور دیدند؛ خلیجی با یک ساحل بود که آنها تصمیم گرفتند کشتی را لنگر ببندازند. با این وجود، کشتی هرگز به ساحل نرسید. در عوض، با یک سد شنی برخورد کرد و در نهایت با نیروی موج ها شکست. نقشه سربازان مبنی بر کشتن زندانیان برای جلوگیری از فرار ایشان، عمدتاً به لطف پولس، توسط افسر رومی متوقف شد. در پایان، همانطور که خدا وعده داده بود، هیچکس جان خود را از دست نداد.

این داستان در مورد قدرت شهادت پولس و شخصیت وی چه چیزی به ما می گوید که در تمایل برای زنده نگاه داشتن پولس، سربازان از کشتن زندانیان منع شدند؟

۳ مهر

سه شنبه

در جزیره مالت

تنها پس از رسیدن به ساحل بود که نجات یافتگان در یافتند که در مالت، جزیره ای کوچک در مرکز دریای مدیترانه در جنوب سیسیل بودند. در مدت دو هفته ای که در دریا سرگردان و در نیروی باد رها شده بودند، از بندرحسنه در کریت، حدود هفتصد و شصت کیلومتر طی کرده بودند. اکنون آنها می بایست پیش از ادامه به سفر، سه ماه زمستان را منتظر می ماندند (اعمال رسولان باب ۲۸ آیه ۱۱).

اعمال رسولان باب ۲۸ آیات ۱ تا ۱۰ را بخوانید. در جزیره مالت چه اتفاقی برای پولس افتاد و خدا چگونه قادر بود از او استفاده کند؟

مردم مالت بسیار مهربان و مهمان نواز بودند، و اولین اقدام ایشان نسبت به پولس و همراهانش که همگی خیس و در سرما بودند، درست کردن آتش برای گرم نمودن ایشان بود؛ دمای هوا در مالت در آن زمان از سال بیشتر از ۱۰ درجه سانتیگراد نمی شد. حادثه مربوط به مار، توجه مردم را به سوی پولس جلب نمود. در ابتدا، بت پرستان محلی این واقعیت را دیدند که او به عنوان عذاب الهی توسط مار نیش خورده شده است. آنها فکر می کردند پولس قاتلی بود که با غرق شدن کشتی موفق شده بود از مرگ بگریزد، اما توسط خدایان، یا شاید الهه یونانی *Dikē*، تجسم عدالت و انتقام جلوی گرفته شد. از آنجایی که رسول زنده ماند، به عنوان خدا خوانده شد، درست همانطور که چند سال قبل در لستره اتفاق افتاد (اعمال رسولان باب ۱۴ آیات ۸ تا ۱۸). اگر چه لوقا در حادثه ضمنی معطل

نمی ماند، اما احتمالاً می توان فرض نمود که پولس از این موقعیت استفاده نمود تا از خدایی که خدمت می کرد، شهادت دهد.

پوبلیوس در مالت یا گماشته روم بودو یا فقط یک شخص برجسته محلی بود، اما از پولس و همراهانش به مدت سه روز تا وقتی که مکانی دائمی برای اقامت یافتند، پذیرایی نمود. در هر حال، شفای پدر این مرد، به پولس این فرصت را داد که در میان مردم مالت به نوعی خدمات شفا انجام دهد.

در روایت لوقا، هیچ اشاره ای حتی به یک فرد ایمان آورده یا جماعت دینی پس از خروج پولس از مالت نشده است. این ممکن است کاملاً تصادفی باشد، اما این واقعیت را نشان می دهد که مأموریت ما در این جهان فرای غسل تعمید و یا برپایی کلیسا می باشد؛ بلکه همچنین شامل نگرانی برای مردم و نیازهای ایشان نیز می باشد. این جنبه عملی انجیل است (اعمال رسولان باب ۲۰ آیه ۳۵؛ مقایسه شود با تیطس باب ۳ آیه ۱۴).

چقدر جالب توجه است که این اهالی جزیره که نسبت به احکام خدا نا آگاه بودند، درکی از عدالت الهی داشتند. این در نهایت از کجا آمد؟ رومیان باب ۱ آیات ۱۸ تا ۲۰ را ببینید.

۴ مهر

چهارشنبه

سر انجام پولس به روم می رسد

پس از سه ماه در مالت، پولس و همراهانش در نهایت موفق شدند تا به سفر ادامه دهند. (اعمال رسولان باب ۲۸ آیه ۱۱). آنها به پوطیولی رسیدند (اعمال رسولان باب ۲۸ آیه ۱۳) — پوتزوآلی امروزی، در خلیج ناپل قرار دارد — که از آنجا از طریق جاده به روم سفر می کردند (اعمال رسولان باب ۲۸ آیات ۱۱ تا ۱۶ را ببینید).

خبر نزدیک شدن پولس خیلی زود به روم رسید و گروهی از ایمانداران از آنجا چندین کیلومتر به سمت جنوب رفتند تا از او استقبال کنند. اگر چه رسول هرگز به روم سفر نکرده بود، اما دوستان بسیاری در شهر داشت: همکاران، ایمان آورندگان، بستگان و بسیاری افراد دیگر که بسیار برایش عزیز بودند (رومیان باب ۱۶ آیات ۳ تا ۱۶). جلسه در جاده آپیا باید در حرکت بوده باشد، بخصوص با در نظر گرفتن کشتی غرق شده و این واقعیت که پولس اکنون یک زندانی بود. رسول در نتیجه ابراز چنین محبت و توجه منحصر به فردی از جانب دوستان عزیزش، از خدا تشکر نمود و عمیقاً احساس دلگرمی نمود، درست زمانی که قرار بود در برابر امپراتور محاکمه شود.

فستوس مطمئناً در گزارش رسمی خود، باید نوشته باشد که مطابق با قوانین روم، پولس به هیچ جرم قابل توجهی مقصر نبود (اعمال رسولان باب ۲۵ آیات ۲۶ و ۲۷؛ باب

۲۶ آیات ۳۱ و ۳۲). این احتمالاً توضیح می دهد که چرا او مجاز بود یک خانه خصوصی اجاره کند (اعمال رسولان باب ۲۸ آیه ۳۰)، به جای اینکه به یک زندان معمولی یا یک اردوگاه نظامی فرستاده شود، اگر چه طبق روال روم، تمام مدت به یک سرباز زنجیر شده بود. اینکه پولس به هزینه خودش زندگی می کرد، دلالت بر این دارد که او می توانست به تجارت خود بپردازد (اعمال رسولان باب ۱۸ آیه ۳).

اعمال رسولان باب ۲۸ آیات ۱۷ تا ۲۲ را بخوانید. پولس به محض مستقر شدن، چه کاری انجام داد؟

اگر چه پولس نتوانست به کنیسه برود ولی کنیسه توانست نزد او بیاید. بنابراین، کمی پس از رسیدن، سیاست کاری خود را در پیش گرفت، مبنی بر اینکه اول نزد یهودیان برود (رومیان باب ۱ آیه ۱۶)، رهبران یهودی را همراه با هم فرا خواند تا بیگناهی خود را ابراز کند و مانند گذشته توضیح دهد که به دلیلی جز امید اسرائیل دستگیر نشده است (اعمال رسولان باب ۲۳ آیه ۶، باب ۲۴ آیه ۱۵، باب ۲۶ آیات ۶ تا ۸). قصد او خیلی دفاع از خود نبود، بلکه ایجاد فضای اعتماد بود که به او اجازه دهد انجیل را موعظه کند و نشان دهد که چگونه رستخیز عیسی، تحقق امید اجدادی اسرائیل بود. یهودیان از اینکه هیچ اطلاعاتی در مورد پولس از اورشلیم دریافت نکردند، متعجب شدند و تصمیم گرفتند سخنان او را بشنوند.

اعمال رسولان باب ۲۸ آیه ۲۲ را بخوانید. این آیه چه چیزی در مورد دشمنی علیه ایمانداران همچنان در این زمان به ما می گوید؟ ما چگونه می توانیم حتی زمانی که دیگران بر ضد ما سخن می گویند، وفادار باقی بمانیم؟

۵ مهر

پنجشنبه

پیروزی انجیل

در چند روز، یهودیان به تعداد زیادی برای شنیدن سخنانی پولس از انجیل آمدند (اعمال رسولان باب ۲۸ آیه ۲۳).

اعمال رسولان باب ۲۸ آیات ۲۴ تا ۳۱ را بخوانید. منظور پولس از نقل قول کردن از اشعیا در این آیات چه بود؟

نقل قول از اشعیا باب ۶ آیات ۹ و ۱۰، اتفاقی که مردم پس از عدم پذیرش پیام الهی برایشان می افتد را توصیف می کند. اگر چه برخی از یهودیان باور داشتند اما برخی معتقد نبودند و از این رو بدلیل این مناقشه بزرگ، رسول چاره ای جز اینکه بار دیگر به غیر یهودیان روی آورد، نداشت (اعمال رسولان باب ۱۳ آیات ۴۶ و ۴۷، باب ۱۸ آیه ۶). پولس مجبور شد دو سال صبر کند تا توسط امپراتور محاکمه شود. در همین حال، او اگر چه در خانه خود در حصر بود، اما همچنان قادر بود بدون هیچ مانعی انجیل را با کسانی که نزد او می آمدند، به اشتراک بگذارد. آخرین صحنه اعمال رسولان بر پیروزی انجیل تمرکز دارد، که هیچ نیرویی، یهودی یا رومی نتوانست مانع پیشرفت آن بشود. مشخص نیست که چرا لوقا در این مرحله کتاب خود را به پایان می رساند، زیرا شواهدی وجود دارد که بدلیل ضعیف بودن دعوی علیه پولس، او از زندان آزاد شد، به یک سفر بشارتی دیگر رفت و بار دیگر در روم بازداشت و اعدام شد (دوم تیموتائوس باب ۴ آیات ۶ تا ۸). شاید، از نقطه نظر هدف ادبی لوقا، انجیل که حتی در روم که دور است موعظه شده بود، در حال حاضر «تا اقصای جهان رسیده بود» (اعمال رسولان باب ۱ آیه ۸).

«صبر و شادی پولس در طول حبس طولانی و ناعادلانه اش، شجاعت و ایمانش، موعظه ای مستمر بودند. روح او برخلاف روح این جهان چنین شهادت داد که قدرتی بالاتر از قدرت این جهان با او بود. و مسیحیان با الگوی او تحت انرژی بیشتری به عنوان مدافعان هدف کار عمومی که پولس از آن کنار کشیده شده بود قرار گرفتند. محدودیت های رسول به این شیوه ها تأثیر گذار بودند، بطوری که وقتی قدرت و سودمندی او تحلیل رفت به ظاهر او می توانست حداقل کار را انجام بدهد، سپس این چنین بود که او بافه ها را که به نظر می رسید که کاملاً از آن کنار گذاشته شده بود را برای مسیح در مزارع جمع آوری کرد.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 464

با این وجود، از نقطه نظر مأموریت کلیسا، می توانست گفته شود که کتاب اعمال رسولان — یا تاریخ انتشار انجیل — هنوز تمام نشده است، و در اینجا است که هر کدام از ما وارد صحنه می شویم. فصل های هیجان انگیز تر بسیاری در طول قرن ها مکتوب شده اند که گاهی با خون شاهدان وفادار خدا نوشته شده است. اکنون نوبت ماست که یک فصل دیگر، آخرین فصل (امیدواریم!) به آن بیافزاییم و مأموریتی که عیسی به حواریونش داده بود را به اتمام برسانیم — «و آنگاه انتها خواهد رسید» (متی باب ۲۴ آیه ۱۴).

۶ مهر

جمعه

تفکری فراتر: «مسیح به کلیسا یک مسئولیت مقدس داده است. هر عضو باید مجربایی باشد که از طریق آن خدا بتواند گنجینه های فیض خویش، گنجینه های ناشناخته مسیح را به جهان انتقال دهد. نجات دهنده چیزی بیشتر از عواملی که روح و شخصیت او را به جهان معرفی کنند، نمی خواهد. جهان بیش از هر چیز دیگر به ابراز محبت نجات دهنده از طریق بشر نیاز دارد. تمام

آسمان منتظر مردان و زنانی است که خدا از طریق آنها بتواند قدرت مسیحیت را نشان دهد.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 600
«خدا برای مدتی طولانی منتظر روح خدمتگذاری بوده است تا کل کلیسا را در بر بگیرد تا همه با توجه به توانایی های خود برای او کار کنند. هنگامی که اعضای کلیسای خدا، کار منتسب به خود را در زمینه های مورد نیاز در خانه و خارج انجام می دهند، در تحقق مأموریت انجیل، تمام جهان به زودی هشدار خواهد یافت و خداوند عیسی با قدرت و جلال عظیم به زمین باز خواهد گشت.» — Page 111

سوالاتی برای بحث

۱. لوقا چگونه ایمان پولس به خدا را در سراسر سفر به روم به تصویر می کشد؟ دیگران چگونه تحت تأثیر چنین ایمان بی قید و شرطی قرار گرفتند؟
۲. با وجود همه آنچه که برای پولس اتفاق افتاد، او هرگز ایمان و یا مأموریت خود را رها نکرد. در روم، او با وجود آزادی محدودش، به موعظه کردن ادامه داد. زمانی که ما وسوسه می شویم در انتشار انجیل به دیگران تسلیم شویم، چه کاری می توانیم انجام دهیم؟
۳. رومیان باب ۱ آیات ۱۴ و ۱۵ را بخوانید. چرا پولس خود را تحت تعهد — یا یک بدهکار — به موعظه انجیل به همه احساس می کرد؟ آیا ما کمتر از او موظف هستیم؟ این بیانیه را در نظر بگیرید: «نجات دادن افراد باید کار دائمی زندگی همه کسانی که ابراز ایمان به مسیح را می کنند، باشد. ما برای فیضی که خدا به ما داده است، برای نوری که بر ما می تابد، و برای زیبایی و قدرت کشف شده حقیقت، مدیونیم.» — الن جی. وایت، Testimonies for the Church, vol. 4, p. 53
۴. بار دیگر آن نقل قول از اشعیا که پولس بکار برد را بخوانید. این ایده چگونه می تواند برای ما اعمال شود؟ آری، میزان زیادی از حقیقت به ما داده شده است، اما اگر ما خودمان را در برابر آن و یا حتی جنبه هایی از آن که ممکن است با آرزوها یا تمایلات ما در تضاد باشند، سخت کنیم، از نظر روحانی با چه خطر روبرو هستیم؟
۵. آن سرباز زنجیر شده به پولس را تصور کنید. فکر می کنید آن سرباز در مردی که چنان از نزدیک به او بسته بود، چه چیزی دید؟